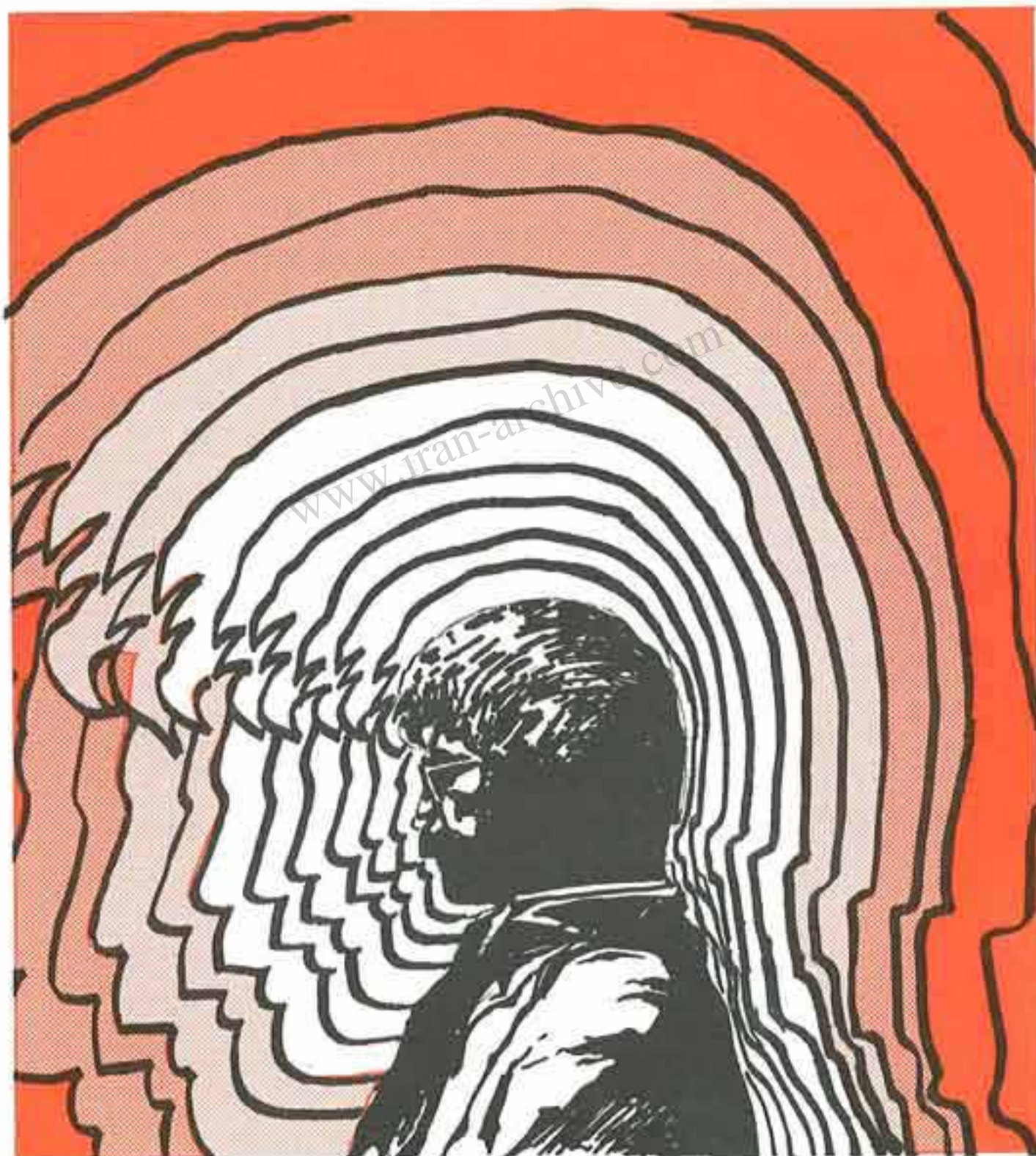


سال سوم
تیر
ژوئیه

شماره ۲۱
۱۳۶۳
۱۹۸۴



دفتر نشر فرهنگ ایران، سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران، در خارج از کشور



آنکه چون غنچه ورق در ورق خون می‌بست شعله زد در شفق خون، شرف خاور شد

جنگ ایران و عراق و

استراتژی امپریالیسم



مقدمه

استراتژی امپریالیسم

در جنگ از آغاز تا کنون

امپریالیست‌ها و بویژه امپریالیسم آمریکا که نقش سرکردگی آنها را در جهان ایفا میکند و بلائیکه منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند را نیز همانند دیگر نقاط استراتژیک جهان زیر کنترل خود گرفته است از ابتدای شروع جنگ ایران و عراق تاکنون یک هدف معوری را در نظر داشته‌اند و آن حفظ منافع شرکت‌های چند ملیتی نفتی و نظامی بوده است. این منافع در منطقه ایجاد می‌کند است که امپریالیسم در جهت بازنگهداشتن خلیج از هر اقدامی کسه لازم باشد، در رخ نوزد چرا که خلیج فارس یکی از بازارهای مهم فروش تسلیحات نظامی امپریالیسم و استخراج ذخائر نفتی است که سودهای کلانی به جیب کارتل‌های بین‌المللی رازبر میکند.

تنها یکی از کشورهای امپریالیستی جهان، یعنی امپریالیسم فرانسه، ظرف سال ۸۳-۸۲ میلادی ۹/۵ میلیارد دلار اسلحه به شرکت‌های خلیج و عراق فروخته است و قرارداد فروش ۴/۵ میلیارد دلار اسلحه را برای سال ۸۵ با عربستان سعودی بسته

اکنون ۴۵ ماه از عمر جنگی که در مهر ماه ۱۳۵۸ آغاز شد و تحلیل‌گران جهان آنرا جنگی کوتاه مدت ارزیابی می‌کردند، می‌گذرد. این جنگ که همچنان با وسعتی بیش از پیش ادامه دارد، جنگی بسوده است ما هیئت ارتجاعی، علیه منافع نوده‌ها، انقلاب ایران و منطقه و زمینه‌ساز گسترش منافع امپریالیست‌های جهانی، جنگی که رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم تصور عراق، از آن استقبال نمود، جنگی که ارتش ضد - انقلابی و بی‌شیرازه ناهنثاهی را منسجم تر و مستحکم‌تر نمود، جنگی که رژیم را قادر ساخت نوده‌های متوهم، عقب‌مانده و واپس‌گرا را نه تنها در مقابل عراق، بلکه در برابر انقلاب و انقلابیون ایران، بدشمال خود بسیج کند، جنگی که مستمسک سازش‌ها و خیانت‌های خیانتکاران شد، جنگی که زمینه‌ساز سرکوب بیشتر هرگونه آزادی - ظلمی گردید و اختناق بی سابقه موجود را توجیه نمود و دیکتاتوری عربیان و بنا شده بر سرنیزه حکومت جمهوری اسلامی را "مشروعیت" بیشتر بخشد، جنگی که توجیه‌گر تمام نابسامانی‌ها، فقر و فلاکت نوده‌ها، کمبود و گران‌تری‌ها گردید. در یک کلام، این جنگ جنگی ارتجاعی علیه انقلاب، علیه نوده‌ها و منافع امپریالیسم بوده و هست.

است (گریستن سابقین مونیستور، ۲۲ مه ۸۴). همچنین طبق آمار منتشره توسط وال - استریت ژورنال (۸ ژوئن ۸۴)، تنها عربستان سعودی از سال ۱۹۵۰ تاکنون مبلغ ۲۵ میلیارد دلار تجهیزات نظامی از آمریکا - تنها از آمریکا - خریداری کرده است. تازه این در شرایطی است که خامیان پروپا قرص میهنیسم در آمریکا مانع فروش اسلحه به عربستان سعودی شده‌اند. از طرف دیگر در حال حاضر، روزانه قریب به ۱۱ میلیون تن نفت از منطقه خلیج فارس توسط کارتل‌های

گرامی باد ۸ تیر

سالگرد شهادت

رفقای فدایی



محمدشاهین پور، علی اکبر زوری، محمدحسین حقانوار، طا هر دهم، ...

فتدا شی کبیر حمید ا شرف

نفی امپریالیستی خارج میگردد. اینها تنها گوشه کوچکی از آثار و اقدام موجود است که در اینجا درج میگردد.

با توجه به این منافع حیاتی امپریالیسم، جنگ ایران و عراق همواره از یک طرف بازماندن راه عبور و مرور کشتیها در خلیج را تهدید کرده است و از طرف دیگر خود بوجود آورنده منافع جدید و بیشتری برای امپریالیستها و تشریح پروسه وابستگی دو کشور بوده است. بنا بر این تلاش امپریالیسم در مورد جنگ پیشبرد آنچنانی سیاسی بوده است که منافع حمله را حفظ و گسترش بخشد و نگذارد به موقعیست استراتژیستش در منطقه خدشه ای وارد گردد.

پس اگر جنگ طوری ادامه یابد که خلیج باز بماند و محموله کشتی های تجاری و نفتی، سالم به مقصد برسد، کمال مطلوب امپریالیسم حاصل شده است. به عبارت دیگر، مطلوبترین شکل جنگ محدود و فرسایشی است و بهترین شکل کمک مستقیم و غیرمستقیم به یک از طرفین متخاصم در جنگ، کمکی است که بتواند موازنه قدرت را حفظ نماید تا هیچ یک از طرفین بر دیگری پیروز نگردد.

این سیاست باعث میشود که منافع امپریالیسم

از هر جهت تا مین گردد یعنی هم صدور نفت به بازارهای جهانی و هم فروش اسلحه به ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، که خود منبع درآمد هنگفتی است، مداوم - باید.

ریچارد مورفی، معاون وزارت امور خارجه در این مورد میگوید: "پیروزی هر یک از طرفین درگیر در جنگ به خاطر اثرات بنیانی که در منطقه ایجاد خواهد کرد، نامطلوب و غیرقابل قبول است" (روپتر ۲۱ مه و روزنامه اطلاعات ۲۶ خرداد ۱۳۴۲).

این سیاست آمریکا از آغاز جنگ تا کنون حفظ شده است. اما از نظر استراتژیستک و منافع طولانی مدت برای امپریالیسم آمریکا، بخصوص پس از روشن شدن ماهیت فکمونستی و فداانقلابی رژیم جمهوری اسلامی، سیاست آمریکا بر حمایت عملی و غیرمستقیم از رژیم ایران استوار بوده است. به همین دلیل علیرغم موضع گیری های رسمی مقامات دولت آمریکا در اینجا و آنجا و رعایت افکار عمومی آمریکا و ظاهرا تحریم اقتصادی ایران در مقطع بحران گروگان گیری،

آمریکا از انجام هرگونه کمک اقتصادی و نظامی لازم، عمدتا بطور غیرمستقیم و از طریق رژیم های وابسته به خود، دریغ نکرده است.

اسناد و مدارک موجود نشان میدهد که خود آمریکا ظرف یکسال گذشته مبلغ بیست میلیارد دلار اسلحه و کالاهای دیگر به ایران فروخته است. اسناد مربوط به این معاملات در تاریخ شنبه ۱۹ ماهه از طریق تلویزیون سراسری NBC آمریکا فاش گردید. ما نیز بارها در نشریه جهان اسناد و مطالبی پیرامون فروش اسلحه به ایران از طریق دلالان امپریالیسم و دولت های وابسته، درج نموده ایم.

سران رژیم جمهوری اسلامی خوب میدانند که اگر سیاست امپریالیسم آمریکا دفاع از آنها نبوده، آمریکا بسادگی میتوانست با کنترل فروش اسلحه های آمریکائی و اسرائیلی به ایران و تحریم خرید نفت ایران که اتفاقا بخاطر افزایش ذخیره نفت، کشورهای مصرف کننده از خریدن اجباری آن از ایران بی نیاز هستند، اعتماد رژیم جمهوری اسلامی را که عمیقا به نفت وابسته است، به مخاطره اندازد. رژیم جمهوری اسلامی بخوبی

فهرست مطالب

گشت و گذار	۵	یادنامه فدائی شهید، سعید سلطانپور	۲۶
اخبار ایران	۶	مباحثه با فدائی شهید، سعید	
در مجلس شورای اسلامی چه میگردد ...	۶	سلطانپور پیرامون جنبش چپ	
معرفی یک کتاب: "شکنجه در دهه هشتاد"	۸	انقلابی در ایران	۲۹
عملکرد رژیم از نظر مردم به روایت		مباحثه ای با فدائی شهید، سعید	
روزنامه های رژیم	۹	سلطانپور پیرامون هنر مقاومت ..	۳۱
اخبار جهان	۱۳	هنر و حقیقت عینی	۳۵
وضعیت اسفبار زندانیان در تایلند ..	۱۶	شعر	۳۷
در حاشیه انتخابات اخیر فیلیپین ..	۱۷	دیدگاهها: انقلاب آقای رجوی	
جنگ لبنان و انقلاب فلسطین (۱)	۱۸	در علم و فلسفه (۴)	۴۰
جنبش دانشجویی	۲۲	جنبش سوسیال دمکراسی و کمونیستی	
چرا مجاهدین در امر بازگشائی		ایران (۳)	۴۵
سپه کارشکنی میکنند؟	۲۲	از خوانندگان	۴۸
جمع بندی برگزاری جشن عید نوروز		کدهای مالی	۴۹
در گوتنبرگ - سوئد	۲۵	یادنامه فدائی شهید، فرزاد بیگلری	۵۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

میدانند که برای امپریالیستها منافعی اقتصادیشان بیش از شعارهای مافریبیانه خدای آمریکا است. بنابراین امپریالیسم رژیم را در تکرار بی غرر شعارهای فد آمریکا شکی آزاد گذارده است. البته این سیاست امپریالیسم تا زمانیکه آلترناتیوی مطلوبتر و بی ضررتر از رژیم فعلی بوجود نیاید، ادامه خواهد یافت.

بنابراین استراتژی امپریالیسم در مورد جنگ ایران و عراق تاکنون را میتوان چنین خلاصه کرد:

- ۱- بازنگه داشتن خلیج فارس

- ۲- ادامه جنگ فرسایشی و محدود بین ایران و عراق (در - مرزهای بین دو کشور، نه در خلیج فارس) که بدنبال خود سیل فروش اسلحه و تسریع وابستگی هرچه بیشتر آنها را به امپریالیسم به همراه دارد.

- ۳- حفظ موازنه قدرت نظامی بین دو رژیم درگیر در جنگ.
- ۴- حمایت از رژیم جمهوری اسلامی بخاطر اینکه مهمترین مانع روی کار آمدن آلترناتیو چپ است.

امپریالیسم تا زمانیکه جنگ به آبهای خلیج فارس کشیده نشده بود، همین سیاست را ادامه داد. اما در ماههای اخیر، از آنجا که جنگ بدلیل بکارگیری تاکتیک جدید عراق، به آبهای خلیج نیز گسترش یافت و تنها ۴۰ کشتی تجاری و تانکر نفتی تا تاریخ ۲۵ ژوئن ۸۴، مورد اصابت موشکهای طرفین قرار گرفت و منافع کمیابی های امپریالیستی را به مخاطره انداخت و جنگ محدود در آستانه گستن محدود خود قرار گرفت، امپریالیسم را تاکتیک های دیگری لازم آمد.



یکی از تانکرهای نفتی در خلیج فارس که مورد اصابت موشک قرار گرفته است

عدم موفقیت رژیم عراق در تلاشهای خود برای کشاندن رژیم جمهوری اسلامی به پای میز مذاکرات صلح از یک طرف، و گسترش جنگ به داخل خاک عراق، سبب گردید که عراق تاکتیک جدیدی را در این میان بکار گیرد. تاکتیک جدید عراق، کشاندن جنگ به آبهای خلیج فارس و در نتیجه درگیر نمودن دیگر نیروهای منطقه، و بالطبع نیروهای بین المللی ذینفع، بوده است. این تاکتیک عراق با حمله به کشتی های نفت کشی که از بنادر ایران باریگری کرده بودند، آغاز شد. ارتش ایران نیز با عمل متقابل و حمله به نفت کشتی های کویتی و سعودی بعنوان کمک کنندگان اصلی به دولت عراق، ابعاد حملات را وسعت بیشتری بخشید. برخلاف عراق که از همان شروع جنگ عملاً از مدور نفت خود از منطقه خلیج محروم شده بود، بکارگیری این تاکتیک رژیم ایران را که اقتصادش بطور حیاتی وابسته به مدور نفت است، تحت بیشترین فشارها قرار داد. این فشارها بحدی بوده است که طبق گزارشات منابع خارجی از جلسه روزنامه کریستین ساپنس مونیتور (۹ ژوئن ۸۴) صادرات نفت ایران

از ۱/۸ میلیون بشکه در روز به ۱/۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. و در یک مرحله، در اوج این حملات، مدور نفت ایران از جزیره خارک تقریباً به صفر رسید (همان منبع). طی این مدت، مجموعاً مدور نفت از منطقه خلیج فارس به میزان ۱/۲ میلیون تن در روز کاهش یافت و به ۹ میلیون تن در روز رسید (همان منبع). گذشته از این، با بالا رفتن نرخ بیمه کشتی های حامل نفت (شرکت بیمه انگلیسی "لویدز" نرخ بیمه را از ۴ درصد به ۷/۵ درصد افزایش داد. بطوریکه حق بیمه یک نفت کشتی بزرگ با محموله اش از دو میلیون دلار به بیش از ۴ میلیون دلار افزایش یافت. غیرگزاری یونایتد پرس، جمعه ۲۵ مه ۱۹۸۴)، بدین ترتیب قیمت نهایی نفت ایران تقریباً ۱۰ دلار گرانتر از قیمت نفت شمال تمام میشد. و این در زمانی است که نزدیک به ۱۰/۶ میلیون تن نفت در انبارهای شرکت های نفتی ذخیره شده است (موسسه تحقیقاتی بروکینگز Brookings) و بازار نفت دچار رکود شده، برای فروش آن بین تولیدکنندگان رقابت ایجاد گردیده است. روزنامه اشپگل چاپ هامبورگ به تاریخ ۴ ژوئن ۸۴ مینویسد: "در بازار نفتی جهان برغم قانون عرضه و تقاضا و با آنکه حوضچه ها از این کالای آبگرفته لبریز است، معذالک بهای نفت بالا رفته است." این افزایش را نشانه "راهنمای خریداران نفت" که در ایالات نیوجرسی آمریکا چاپ میشود، ۱۵ تا ۲۰ درصد اعلام کرده است. با بحرانی شدن اوضاع خلیج، سخنگوی انجمن کشتی زانان سرروزی اعلام نمود که هیچیک از کشتی های تروری به خلیج نخواهند رفت و از کشتی هائیکه هم اکنون در خلیج فارس هستند، خواسته شد که فوراً منطقه را ترک کنند (لوموند، ۱۹ مه ۸۴).

با توجه به وضعیت ولیم مدور نفت ایران و نیاز حیاتی رژیم به ارز خارجی حامل از مدور نفت، دو راه بیشتر باقی نمانده بود:

- ۱- عقب نشینی کند و به خواسته های عراق مبنی بر شروع مذاکره، تن دهد.

- ۲- به حملات تلافی جویانه خود ادامه دهد و گسترش جنگ به خلیج و درگیری با کشورهای دیگر را نیز ببخشد.

هر دو آلترناتیو برای رژیم ایران بسیار گران بوده است. زیرا عقب نشینی و تن دادن به خواسته های عراق با شعارها و مواظریبی هائیکه طی ۵ سال گذشته انجام داده است، مغایر است. از طرف دیگر حملات تلافی جویانه در حدی که بتواند عراق را از تاکتیک جدیدش منصرف کند، سبب خواهد شد که با نیروهای دیگری که از لحاظ نظامی از عهده مقابله با آنها برنخواهد آمد، وارد جنگ مستقیم گردد. بخصوص اینکه رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم گنده گویی ها و مواظریبی هایش، ابتدا نمیکشاید با آمریکا، بهر نوعش، درگیری پیدا کند. چرا که سردمداران رژیم نقش آمریکا را در تسریع سقوط رژیم شاه (رژیمی که از هر نظر وابسته به امپریالیسم آمریکا بود) به قدرت خزیدن خودشان را، بعنوان مطلوب ترین آلترناتیو ممکن در آن زمان، بخوبی بیاد دارند. در یک کلام، جمهوری اسلامی نمیخواهد آمریکا را از خود ناامید کند.

از اینرو رژیم مجبور شد راه سومی را که عقب نشینی محدود و جلوگیری از درگیری در آبهای خلیج بود، در پیش گیرد. این عقب نشینی محدود عبارت است از:

- ۱- پذیرش یک آتش بس محدود (محدود به مناطق قبرنظامی) چیزی که رژیم از آغاز جنگ تاکنون علیرغم پیشنهادهای مکرر عراق، آنرا نپذیرفته بود. شیکاگو سان تایمز مینویسد: "و حالا بقیه در صفحه ۱۰"

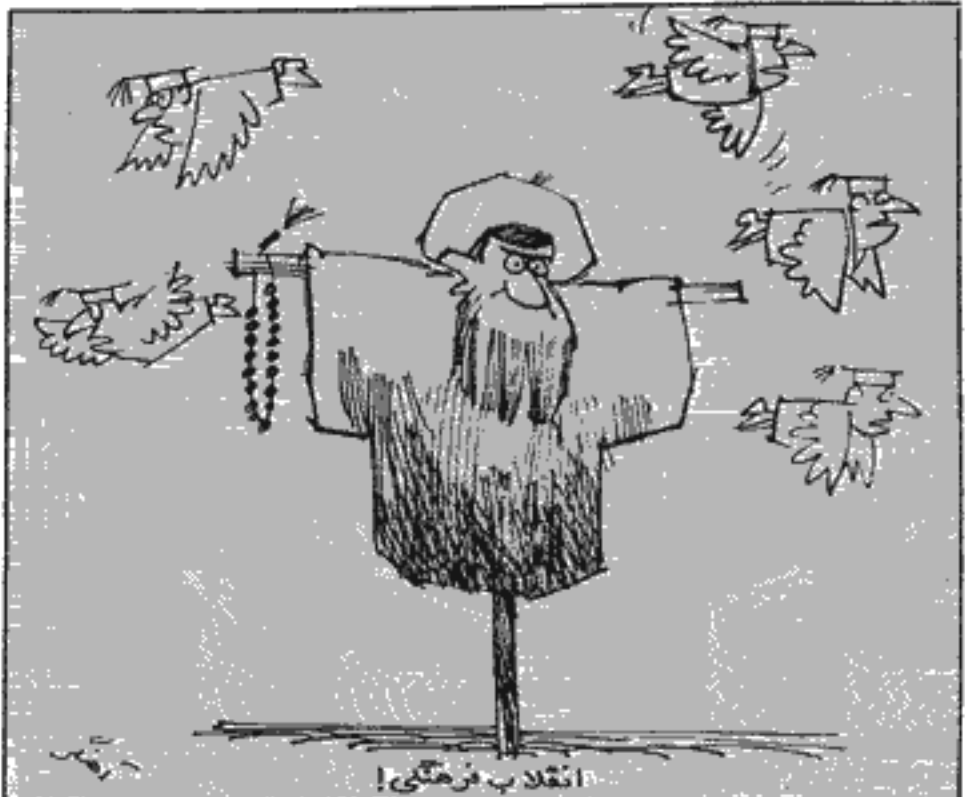
وزیر ارشاد: " هنردر راه خدا مردن، بالاترین هنرهاست! "



بدون اغراق در طول تاریخ بشری، رژیم جمهوری اسلامی در خدیت و دشمنی با فرهنگ و هنر، گوی سبقت را از همه رسیده است. کینه توزی با هر آنچه که علم و هنر نامیده میشود، از مهمترین ویژگی های رژیم جمهوری سفیهان است. این امر خود ناشی از ایدئولوژی است که این جاهلان با خود حمل میکنند. ایدئولوژی ای که نابودی آثار هنری مهر تأکید میزند، گوش دادن به اصوات موسیقی را حرام می پندارد، در اذیت و آزار هنرمندان ذره ای کوتاهی نمی کند و غلامه بر آنچه که هنر نامیده میشود، مهر باطل میکوبد. ایدئولوژی ای که به زندگی هالهای سیاه میاندارد و به آن بوی مرگ و نیستی میدهد. رنگهای شاد را از آن میگبرد و آنرا به سیاهی و سیاهی میکشاند. عنده و نشاط را از صورتها محو کرده و بجای آن کدورت، ماتم و انجماد می نشاند و به یک کلام مرگ را بجای زندگی برمیکزیند. ایدئولوژی ای که انسان را، که برای آزاداندیشی، خلافت و درک حقایق استعدادی بی شکر دارد، به بند میکشد و او را در چهارچوب هاگمهای ارتجاعی محدود می سازد و به مرور از او موجودی بیچاره، بی اعتماد به خویش و هراسان میسازد. هراسان از نیروهای سپهناکی که هرگز قابل شناخت نیستند و اصولا نباید در موردشان اندیشه کند. و این چنین است که کوردلان سفیه حامل این ایدئولوژی، ۵ سال است که جنگ خود را با علم و دانش، فرهنگ و هنر، آزاداندیشی و آزاد زیستن و بیسک کلام، زندگی ادامه داده اند.

در این مدت فیلم های بسیاری شکست، اندیشمندان زیادی به بند کشیده شده و آزاده ترین فرزندان ایران، به جوخه های اعدام سپرده شده اند. رژیم جهل و خرافات برای به بند کشیدن علم، هنر و زندگی، ارگانها و مراکز خاصی بوجود می آورد و برای اینکار، انواع "گشت ها" بحرکت درمی آید. دادگاههای ضد مردمی بنا میشوند و مرتضی صینی، داستان دادگاه مبارزه با منکرات در اولین روزگار خود دستور میدهد که در کلیساها از نواختن ارگ خودداری کنند، زیرا که باعث بوجود آمدن امیال شیطانی میشود! حجت الاسلام خاسمی، وزیر ارشاد اسلامی نیز در شب شعر میگوید: "هنر در راه خدا مردن، بالاترین هنرهاست". وی در جای دیگر میگوید: "شعر بلند انقلاب ما امروز تک تک کلماتش از خون شهدا، مصرع هایش را فداکاری و شاه بیت هایش از شهادت رنگ میگبرد و این زیباترین شعری است که در طول تاریخ گاه گاه بدست بندگان خالص و والامقام خداوند سروده میشود و سرودن این

شعر امروز بدست شما فرزندان عزیز اسلام، ارتضی، سیاهی، بسیجی است. "براستی کینه شعر بلند "انقلاب" رژیم جهل و خرافات سفیهان، شک تک کلماتش از جنایت، خیانت و نیستی و نابودی ساخته شده است. فریب توده ها در این رژیم، حد و مرزی نمی شناسد. حجت الاسلام سید محمد مهدی مستقیب نیز پیرامون هنر اسلامی اظهار میدارد: "بالاترین هنر، تسلط بر نفس است و هنرمند واقعی کسی است که بر نفس خودش غلبه بکند". در واقع پیام این جانبان به مزدوران پاسدار و بسیجی این است که "هنرمند" واقعی در رژیم ما کسی است که نفسی القلب باشد، بیش از همه جنایت کند، و بیش از همه دشمن علم و فرهنگ باشد و بیش از همه به عذر و مکر و زهد ریاضی مشغول شود. بدین ترتیب رژیم سفیهان سعی دارد که ناهین اندیشه و تفکر انسان را که قدرت پروازی به وسعت این جهان داراست، در دخمه تنگ و تاریک خرافات و اعتقادات بی پایه به بند کشد. تاکنون در طول تاریخ بشری، این اعتقادات خرافی و مانع و سد ایجاد کردن در مقابل درک فعال و خلاق و آزاداندیشی انسان، به نفع نیروهای ارتجاعی عمل کرده و نقش ارتجاعی در مقابل آزادی و رهائی بشر ایفا نموده است. بدین جهت بود که رفیق سلطانپور همواره میگفت: "آزادی سخت گرانبهاست، به گزافی رزم و خون و از این روست که از چنگال تاریخ خون میچکد". و این چنین بود که خون گیسوم سعید نیز در راه رسیدن به آرمان والایش و در راه مبارزه با فرهنگ ارتجاعی و معرفی فرهنگ و هنر انقلابی بدستپاسا ران جهل و جنایت ریخته شد.



"قلب مرا بردارید، قلب جوان من مانسند قطب نما می است که روی جبهه ای قانون خاک میلرزد و در مناطق تاریک، خار خونیش همیشه در جهت انقلاب میماند."

در مجلس شورای اسلامی چه میگذرد؟

با وجود تبلیغات فراوان رژیم سوسی بر رشد روز افزون اقتصادی در ایران، که رژیم آنرا ناشی از ثبات اقتصادی خود میدانند، گهگاه بعضی از نمایندگان مجلس بقول خمینی، ساده لوح میشوند، و به وجود بحران عمیق اقتصادی و تشویش درون هیئت حاکمه اعتراف میکنند. از جمله عرفانی، نماینده مردم طوالش میگوید: "کشاورزان و روستائیان حوزه انتخابی من با وجودیکه محصول برنج خود را در اجرای دستورالعمل دولت در اختیار دولت قرار داده اند، هنوز چشم انتظار اجرای تعهدات متقابل دولت هستند. مشکلات مورد نیاز طبقات محروم طوالش مشکلات چشمگیر و غرابنده ای است. متأسفانه سکنه طوالش به میزان ۲۴۰ هزار نفر تخمین زده میشوند در حالیکه سهمیه مایحتاج کالاهای اساسی آنها بر مبنای ۱۸۰ هزار نفر تعیین و توزیع میگردد. در نتیجه حدود ۶۰ هزار نفر از مردم این ناحیه همراه از دریافت کالاهای محروم میگردند. محرومیت در طوالش بسیار است. بیشتر روستاهای طوالش فاقد آب آشامیدنی، برق و راههای ارتباطی میباشد. بازار هر ۶۰ هزار نفر از اهالی طوالش، فقط یک پزشک وجود دارد. بخش های بزرگسی چون ماسال و رضوان شیر فاقد بیمارستان بوده و بیمارستانهای موجود در شهر هشتپر، بیشتر به یک نیمه درمانگاه شبانهست دارد." (تاکید از ماست).

نماینده دیگر مجلس محمد حسین نسیا، نماینده رودسر، میگوید: "اکنون که پنج سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی میگذرد، این مسئله ذهن نیروهای انقلابی را میآزارد که ما با چه سیستم اقتصادی در این کشور زندگی میکنیم. شمارهایی که علیه سرمایه داران، زورگویان و فاسدان یکی از محرکات انقلاب بود و باعث شد که نیروهای انقلابی علیه آنها سنگر بگیرند بنظر میرسد بعسد از گذشت چندی برادران و دوستان دیگر آمدند و میگویند این نیروها (سرمایه داران) کاردان، مطلع، دانا، مدیر و مدیر هستند. بقول آقای پوراستاد اگر مدیریت خصوصی را از گاو داری برداریم تولید شیر آن از ۲۰۰ تن به ۲۰ تن خواهد رسید، ما بعد از ۵ سال نتوانستیم به این مردم بگوئیم که با کدامیک از این شمارها میخواهیم زندگی کنیم. اگر میخواهید سرمایه داران برگردند باید مادقانه به مردم بگوئیم که ما حرفی

که زده بودیم، نمی دانستیم. از یک طرف سیستم اداری سعی به حاکمیت آنها دارد - (سرمایه داران)، از طرف دیگر سیستم انقلابی سعی بر سراندازی آنها را دارد. همه چه موافق و چه مخالف این را پذیرفته ایم که ما در میان این درگیری به بدترین وضعیت کشانده شده ایم. تا آنجا که ما اصطلاح داریم چراغ سبز داده شده و عده ای از خارج برگشته اند. واقعیت این است که ما به مردم بعد از ۵ سال بگوئیم که کدام اینها واقع است و کدام اینها از اسلام است. اگر این واقعیت را برای مردم روشن نکنیم، مردم در این سردرگمی خواهند ماند و رشد مردم را از پای در خواهد آورد و جهان مردم به لب خواهد رسید. کارخانه را به چه کسی میخواهید بدهید به جوان انقلابی که بقول آقای پوراستاد کارآئی ندارد یا به آن مهندس."

میراکبر غفاری قزوین، نماینده مردم ارومیه گفت: "از فراریکه شنیده میشود در بسیاری از روستاهای آذربایجان قریبی کشاورزان برای بدست آوردن یک لیتر روغن موتور مجبورند چندین فرسنگ راه را طی کرده تا به شهر برسند و بعد از معطلی زیاد گاهی یک لیتر روغن موتور را بیش از ۶۰ تومان با محاسبه عرج رفت و برگشت خریداری کرده اند. دولت نباید به گرانی سرعام آوری که بعضی از اقلام ضروری را که جنبه عمومی دارد توجه کند. نخست وزیر چند ماه پیش اعلام کرد که اقدام قاطعانه خواهد کرد و بسیاری از نمایندگان مجلس و سایر ارگانهای دیگر مملکتی از این امر استقبال کردند، اما متأسفانه قدم مثبتی در این راه برداشته نشده و با دیده نشده است."

همچنین یکی از نمایندگان مجلس گفت: "بدهی دولت سوریه به ایران بالغ بر ۹۹۳ میلیون دلار رسیده است که نصف آن را تا دو سال دیگر و نصف دیگر را تا ۵ سال بعد خواهد پرداخت." در همین رابطه یکی از نمایندگان شوال کرد: "چه وثیقه ای در دست است که پرداخت بهای ۵ میلیون تن نفت یا نرخ ۲/۵۰ دلار تخفیف در هر بشکه به سرشفت یک میلیارد دلار قبلی دچار نشود."

وی سپس ادامه داد: "گفته میشود که دولت سوریه از این نفت جهت سوخت تانکهای خود که با اسرائیل می جنگند، استفاده میکند. حال آنکه با اطلاعی که در دست است تولیدات نفتی داخلی سوریه به اضافه مقادیر وارداتی آن کشور بیش از میزان مصرف است." در پاسخ این انتقادات سید محمد کباوش نماینده دیگر مجلس گفت:

"اگر تمام ارزشهای دنیا را و تمام جواهرات و هنر دنیا را در یک کفه ترازو بریزیم و یک موی شهبیدی را در کفه دیگر، آیا کدام کفه سنگینی خواهد کرد. این حرفی است که زینب سلام الله علیها فرموده. نفت برای ما چه ارزشی دارد، ما این همه انسانها را برای انقلاب فدا کردیم، روح حاکم به برادران سوری در سوریه موافق انقلاب اسلامی است. باید به آنها کمک کنیم تا از این طریق در دروازه های رحمت بر روی ما گشوده شود."

تشویق قضاات

آیت الله موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور در رابطه با تشویق قضاات در مصاحبه ای اعلام کرد: "کسانی که خوب کار کنند، تشویق میشوند و تشویق نیز دو گونه است. یکی اینکه تشویق نامه نوشته شده و در پرونده مربوطه آن قاضی منعکس میشود و دوم اینکه در طول سال فاضلی از نظر آمار، حجم و کیفیت کار خوب شناخته شده، ما آنان را به مکه و سوریه میفرستیم و با کتابی را هدیه میدهم."

بُعد خدائی ورزش

محمد صالح، استاندار همدان در جمع ورزشکاران این استان گفت: "می بینیم که ورزش بعد خدائی خودش را طی مینماید و اگر ورزش این مسیر را طی کند عبادت است و این مایه خوشحالی است که ورزش ماها همگ با انقلاب است."

افزایش اعتیاد

حجت الاسلام حائری، در نماز جمعه شیراز با اشاره به نفوذ مواد مخدر در بین جوانان شیراز گفت: "من از دانشمندان انقلاب و عمومی شیراز درخواست میکنم که یک حرکت سریع را برای ناامن کردن محیط برای مقنادهین آغاز کنند و در این راه مردم حزب الله نیز همچون همیشه مسئولین را باری دهند و اجازه ندهند یک معنای وارد مطهشان شود. به گروههای مقاومت دستور بدهید از حضور حتی یک معتاد در محله خود جلوگیری کنند."

گوشت نا مرغوب

کیهان سوم خرداد می نویسد: "نیمی از ۷۵۰ گرم گوشت منجمد خارجی است که به علت وجود چربی و نا مرغوب بودن قابل استفاده نبوده، نازه امکان این هست که برای خرید همین گوشت پس از ساعتها در صد گوشت ماندن، خریدار دست غالی برگردد."

قطع انگشتان دست و عدالت

در محوطه زندان قصر، چهار انگشت دست شخصی که بنا به گفته رژیم مرتکب بیش از ۲۰ فقره سرقت شده بود از انتصاب بطوریکه کف دست و نشت باقی مانده بود، قطع گردید. حجت الاسلام میرعمادی دادستان عمومی تهران در این رابطه گفت: "امیدوارم با پیاده کردن احکام الهی اسلامی بتوانیم عدالت اجتماعی را در جامعه مستقر سازیم تا ملت ما در سایه اسلام و قرآن و جمهوری اسلامی زندگی خوش و مرفعی داشته باشد."

کلاسهای مجانی

با فرارسیدن تعطیلات تابستانی، رژیم اقدام به دادر نمودن ۶۰۰ مرکز فرااست و تعلیم قرآن نموده است. داوطلبان میتوانند بطور مجانی در این کلاسها شرکت کنند.

تقوا و پرهیزکاری

آیت الله مشکینی، امام جمعه قم در خطبه نماز خود گفت: "تقوا و پرهیز - کاری در بین مردم، از نشانه های بسک حکومت اسلامی است." اما براساس گزارش خبرنگار کیهان در تاریخ ۳ خرداد ماه شبکه سوا استفاده از سهمیه کوپن ۲۶ هزار نفر در شیراز کشف شد و تنها در ماه گذشته بیش از ۸۰ نفر در زندان اوین در رابطه با مواد مخدر اعدام شده اند.

امری خطرناک!

آیت الله خمینی، طی پیامی هشدار داد که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان امری خطرناک برای کشور و اسلام است. وی در این پیام گفت: "حضررات آقایان فقهای شورای نگهبان را من با آشنائی و شناختی که دارم تعیین کرده ام. احترام به آنان و حفظ مقامشان را لازم میدانم. به شورای نگهبان تذکر میدهم که در کار خود استوار باشند و با قاطعیت و دقت عمل فرمایند."

درحاشیه هفته کشاورزی

در هفته کشاورزی مطرح شد که یکی از مشکلات کشاورزی در ایران، مسئله مالکیت و روشن نبودن وضع زمین است. لازم به یاد آوریم که تاکنون دوبار شورای نگهبان لایحه اصلاحی بنده "و" ج را بخاطر اینکه این لوایح را مخالف مصالح اسلامی تشخیص داد، رد نمود.

همچنین در رابطه با هفته کشاورزی اعلام شد در حالیکه واردات گوشت سفید و قرمز برای مصرف داخلی مانند سایر مسوود خوراکی دیگر بیش از زمان شاه شده، نشت وزیر سال جاری را، سال خودکفائی و سال کشاورزی نامیده است. در همین رابطه، کیهان ۳۰ اردیبهشت ماه مینویسد: "۲۲ - روستای بندر دیلم بر اثر خشکسالی در ظرف تخلیه کامل است." در این گزارش آمده است که انبارهای روستائیان عالی است، آنها حتی گندم برای نان امسالشان ندارند. هرچه سرمایه و پس انداز داشته اند، صرف خرید سلوفه و چو کرده اند تا دامهایی که هنوز تلف نشده اند را زنده نگاهدارند. بعضی از روستائیان مجبوری به فروش دامهای خود شده اند. گاوی را که در سال گذشته ۳۰ هزار تومان خریدار داشت، امسال با ۳ هزار تومان بفروش میرسد.



لایحه جدید

براساس لایحه جدیدی که در مجلس تصویب شد، از این به بعد دختران دیپلمه و بالاتر، در صورتیکه ازدواج کرده باشند و در مهیت همسر خویش باشند، به خارج از کشور اعزام خواهند شد.

بدتر از این خواهد شد!

حسن بندگی، عضو یک شرکت تعاونی در طبرستان طی نامه سرکشاده ای خطاب به ریاست جمهوری اسلامی در مورد وضع کشاورزی که در کیهان چاپ شده است، مینویسد: "چرا دولت گندم کشاورزان را با همان قیمتی که از خارج وارد میشود، خریداری نمیکند و در چند سال اخیر ارقام سرآم آوری که بعنوان سوبسید یا عبارت دیگر گران خریدن از

خارج و ارزان فروختن در داخل اضافه شده بود فاجعه تخلیه روستاها پیش نمی آمد و بر اثر هجوم روستائیان به شهرها، به مشکلات فعلی دچار نبودیم. بنا براین - مادامیکه وضع چنین است، وضع کشاورزی بدتر از این هم خواهد شد."

مردم خود تشبیه میکنند

مباصلی اختری، نماینده مشهد در مجلس گفت: "بیش از ۵ سال از آغاز انقلاب گذشت و یک دوره مجلس سوری شد ولی هیچ انقلاب و تحولی در ادارات ایجاد نشد. همان سیستم باقی مانده است. در کنار نیکان، آنها که در خدمت طاغوت بودند، همچنان در ادارات و در راس امور بوده و هزینه شان برگرد به مردم است. خون آنها را میخورند و به ریش مردم ریشخند میزنند. آخر این مسئولان انقلاب توبه دزد را پذیرفتند او را پیش نماز میکنند. مهره های طاغوتی منحرف را از سرکار بردارید. دولت تازه آمده لایحه اعاده خدمت اخراج شدگان را به مجلس میفرستد. وزیر دارائی بیش از ده نفر از منحرفین را در پست های حساس میگذارد بخاطر بودن همین گونه مهره هاست که وقتی مردم شهید داده از یک متخصصی امر در طول چند ماه به هرکجا شکایت میکنند، توجه نمیشود و وقتی میرشان طاق شد خود او را تشبیه میکنند."

معامله به سبک حاشم طائی

فراز داد فروش ۵ میلیون تن نفت خام با تکلیف ۲/۵ دلار در هر بشکه و تحویل یک میلیون تن نفت خام بصورت رایگان (بخوان نازشت) برای مدت ۱۲ ماه با دولت سوریه با قید دو فوریت، به تصویب مجلس رسید. بدون پرداختی ناشی از این قرارداد سه شرتیب زیر خواهد بود: ۲۹۳ میلیون دلار به اساط متساوی ماهیانه ۲۰ میلیون دلار. - ۵۰۰ میلیون دلار باقی مانده در ۱۲ قسط در عرض سه سال دریافت خواهد شد.

تغییر نام

نام لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی، به لایحه نحوه فعالیت در انجام بازرگانی خارجی تغییر یافت.

هشدار به زنان

رفسنجانی در خطبه نماز جمعه تهران گفت: "عناوید در ماه رمضان ملاحظه را مامور حفاظت روزه دارها کرده اگر ما قدر این مهان را بدانیم میتوانیم همیشه آینده مان را تأمین کنیم. در مجالس شرکت کنید به مساجد بروید حضور شما در مساجد اهمیت دارد. مخصوصاً خانمها مواظب باشید



معرفی یک کتاب: "شکنجه در دهه هشتاد"

مورد از قول یکی از زندانیان می‌نویسد: "از پس آدم مجبور است به روزه رفته یا گوش‌کند، دیوانه می‌شود و از تلویزیون هم مرتباً سخنرانی آخوندها پخش می‌شود...".
هدای تیرباران هم که دائمی است. گاهی هم برای آزار زندانیان، به آنها کسه مدتها ملاقات نداشته‌اند می‌گویند آماده شوید چون ملاقات دارید. ولی وقتی برای ملاقات می‌روند مشاهده می‌کنند که ملاقاتی در کار نیست و به آنها دروغ گفته‌اند و با هر روز صبح عوامل رژیم در حالی که به شدت بر زمین پای می‌کوبند، در پنجه‌ها حرکت کرده و با صدای بلند و نعره‌های گوش‌خراش به شعار دادن می‌پردازند و یک دم نیز زندانیان شکنجه شده تا آخرین ساعات شب را آسوده نمی‌گذارند.

اما مگر هم همه این شکنجه‌های فزون وسطای، گزارش‌های زیادی که از زندانیان به بیرون درز کرده است، همگی حاکی از آن است که روحیه اثر زندانیان سیاسی به طور کلی بالاست و روحیه مقاومت و مبارزه در زندانیان رو به افزایش است و هر روز بیشتر می‌شود.

درست است که قطع کامل شکنجه زندانیان تنها با نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته میسر است. ولی این امر به‌هیچ‌وجه بدان معنا نیست که نباید بر رژیم جمهوری اسلامی برای قطع شکنجه در سبانه‌های ایران فشار وارد نکرد. سازمان دانشجویان ایرانی ... هوادار سچفا معتقد است که باید مسئله شکنجه زندانیان را در سطح جهان افشا ساخت و رژیم جمهوری اسلامی را در انظار نیروهای شرقی، کارگران و زحمتکشان جهان بی‌آبروتر کرد. قطع شکنجه یکی از خواسته‌های آکسیون سرمایه‌داری ۷ نوامبر و ۲۶ آوریل دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران بوده است. باید برای این منظور آکسیونهای دیگری نیز برپا کرد. ما مصمم هستیم در آینده هر جا که بتوانیم توجه جهانیان را به اعمال شکنجه در ایران جلب کنیم و در این راه از کنگ نیروهای انقلابی دیگر به‌گرمی استقبال می‌کنیم.

به امید روزی که در ایران و سایر نقاط جهان برای همیشه از شکنجه و سایر اجفافات بر نوده‌ها غلای شویم و این نقطه سبوریایی سوسالیتم میسر است.

اخیراً سازمان عفو بین الملل گزارشی تحت عنوان "شکنجه در دهه ۸۰"، در ۲۶۲ صفحه و به قیمت ۴/۹۵ پوند، منتشر کرد. در این گزارش از شکنجه زندانیان سیاسی در بیش از ۹۰ کشور جهان از جمله ایران مطالب مستند و هولناکی به چاپ رسیده است. در اینجا سعی خواهیم کرد تا گوشه‌هایی از شکنجه زندانیان سیاسی در ایران را آشکار سازیم.

همانطور که گفتیم شکنجه در ایران به صورت نهادی درآمد و یکی از ابزارهای سیستماتیک دولت است. ولی دلایل شکنجه همیشه یکسان نیست. گاهی زندانی را برای کسب اطلاعات شکنجه می‌کنند، گاهی برای وادار کردن زندانی به اعتراف شکنجه‌آعمال می‌شود. یک دلیل خاص برای شکنجه توسط رژیم ایجاد وحشت در جامعه است. شکنجه فقط به زندانی سیاسی محدود نمی‌شود. بلکه خانواده و بستگان آنها نیز شکنجه می‌شوند تا روحیه زندانی به اصطلاح خرد شود. در گزارش سازمان عفو بین الملل آمده است که: "گودگانسی که با مادرانشان در زندان اوین نگهداری می‌شوند، مجبور می‌شوند که شاهد شکنجه مادرانشان شوند... یکی از مادرانی که دیگر نمی‌توانست درج دختر سه ساله‌اش را که شاهد شکنجه او بود تحمل کند، فریاد می‌زد که آماده اعتراف است..." (صفحات ۸ و ۹)

شکنجه ممکن است روانی و یا جسمی باشد. از مهم‌ترین شکنجه‌های جسمی شلاق زدن، دستبند قیانی، آویزان کردن، شوک الکتریکی، سوزاندن با سیگار، فلکسه، بریدن اعضای بدن، چشم بند زدن و غیره است. گزارش عفو بین الملل در مورد چشم بند زدن از قول یکی از زندانیان سابق می‌نویسد: "بدترین چیز در اوین به سر بردن با چشم‌بند است... بعضی افراد روزها هفته‌ها یا ماهها با چشم‌بند بسر می‌برند. مردی ۲۷ ماه را در چنین حالتی گذراند... هدف آنها از چشم بند زدن ایجاد وحشت است. وقتی آنها بعد از مدتها چشم‌بند را باز می‌کنند، آدم تقریباً کور است و نمی‌تواند تمرکز حواس داشته باشد. (صفحه ۱۹). شکنجه روانی از جمله اعدام‌های ساختگی به شدت رواج دارد. نشریه "کار" شماره ۱۶۲ در گزارشی در این

که این ماه رمضان برای ما خیلی مقدس است. مراعات حجاب اسلامی را بکنید چون مسلمانانی که روزه دارند نمی‌خواهند گناه کنند. اینها را شما در معرض گناه قرار ندهید."

کمبود زندان، مشکل رژیم

بنا به گفته حجت‌الاسلام نیری، حاکم شرع زندان اوین در گفتگویی پیرامون اهداف سمینار قضائی اداره زندانها گفت: "در دوران پیروزی انقلاب مسئولین فکر نمی‌کردند که اعلا ما اینقدر نیاز به زندان داشته باشیم. فکر می‌کردیم که همانطوریکه همه مردم آن موقع دست به دست هم دادند و پشت حضرت امام روند انقلاب را در پیش گرفتند، یک روز متفرق شده و مسئله را به مورتی که فعلا است، دربیاید. "گروهکها" با شایسمانی و بحرانهاشیکه در این مملکت پیش‌آوردند، نظام جمهوری اسلامی را ناچار ساخت که برای حفظ امنیت جامعه امضای گروهها را که مسلحانه در برابر نظام جمهوری اسلامی قد علم کرده‌اند، دستگیر کند. لذا یکی از مشکلات ما کمبود جاست."

وضع بیماران در

جمهوری اسلامی

بنا به گزارش یکی از خبرنگاران کیهان (۲۳ اردیبهشت ماه) بیمارانی که در بیمارستانهای تهران اعم از بخش خصوصی و یا دولتی بستری می‌شوند با مسائل و مشکلات بسیاری از جهت ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و پذیرش و نرخ درمان مواجه هستند. وی می‌نویسد در یکی از بیمارستانهای دولتی ایران که نام آموزشی و درمانی را به دنبال خود یدک میکشد و پذیرائی خیل عظیم بیماران تهرانی و شهرستانی را بعهده دارد، بیمار باید خود ظرف غذای خود را بشوید. خبرنگار مزبور اضافه می‌کند بیمار مرد بیماری که بر اثر تعداد معدوم شده بود میگفت آشپز بخش میگوید اگر غذا میخواهید باید خودتان ظرف داشته باشید و یا اگر ظرفی را که بیمارستان میدهد باید خودتان بشوید. برای صحت‌گفته بیمار مرد بیمار، خبرنگار کیهان از یکی از کارکنان بیمارستان سؤال میکند که آیا درست است که بیماران باید خودشان ظرفشان را بشویند. فرد مزبور در پاسخ میگوید اینطور دستور داده‌اند. ما هر وقت نیرو داشته باشیم هم ظرف غذا می‌دهیم و هم آنها می‌شوئیم. در غیر اینصورت بیمار یا بستگان بیمار باید هم ظرف غذا را بیاورند و هم آنها بشویند.

عملکرد رژیم جمهوری اسلامی از نظر مردم به روایت روزنامه‌های رژیم

عملکرد بنیاد مستضعفان را اعلام کنید

مردم مستضعف را از انجام کارهای خود مطلع سازد. مردم مسلمان انتظار دارند که مسئولین بنیاد مستضعفان کلیه دارائیهائی که تحت اختیار این بنیاد می‌باشد هر چه زودتر از کم‌کم و چگونگی آن مطلع شوند.
تعدادی از خوانندگان گنجان

خوب است که مسئولین محترم بنیاد مستضعفان (از گسانی که بعد از انقلاب اسلامی ایران کلیه دارائیهائی سرماهنداران و مستگیرین را به نفع مستضعفین معامره کرده است) برای اعلام عملکردهای خود، در مطبوعات به شکل وسیع و جامعی اقدام کند

ایا شورای اردو نان بساید پاسخ دهد؟

نظر به اینکه کارگران نیمه سوخته صنایع کارگران خبازیهایی سنگگی از زمان ششم شاهی تا بحال در محرومیت از اجرای قانون کار بسر میبردند و در این باره مکاتبات زیاد و نامه‌های فراوان برای مسئولین مسئولی ارسال شده حال این مسئول پسرای ما کارگران محروم مطرح است مگر در این انقلاب سهمی نداشتیم و یا جزء ایرانیها نیستیم و دیگر مقامی نبوده که محرومیت خود را به آن اعلام نکرده باشیم و توقع آنچنانی نداریم ولی توقع نداریم نصدادی برادران بنام انضام شورای اردو و نان کارگاههای ما را تبدیل نمایند در نتیجه کارگران ما بیکار شمرنده عیال و اولاد و تشویق روستائیان بشهر و این منظر برنامهای دولت است ایسا واقعا شورای اردو و نان موظب کار خود را در نظر نمیگیرند و روزی تهران مانند اهرام مید و روزهای جمعه بدون نان خواهد بود و جواب این مسائل را خواهند داد. امیدواریم که مسئولین هر چه سریعتر به مشکلات رسیدگی کنند.

خبازیهای سنگگی تهران و حومه

قیمت آب را بالا بردها

ساکنین بینه چهارم شهرک اکباتان حنیوم. شرکت آب رسانی این محل قیلا ماهیانه ۲۰۰ ریال پول آب می‌گرفت اما اکنون این مبلغ را به ۱۶۰۰ ریال افزایش داده است. تقاضای جلوگیری از این اجحاف آشکار را دارید.
از نظرساکنین بینه چهارم شهرک اکباتان

بسته‌های امنیتی را عینا به صاحبانش بدهند

فرزندی دارم که در انگلیس زندگی می‌کند. اخیرا ۴ بسته جانی ۱۰۰ گرمی و ۳ بسته جوارب و ۳ بسته سواشیرای من فرستاد. وقتی برای دریافت آن به بزرگ رفتن حالت اجناس فرستاده شده را نام و کمال پرساشتم. اما موقع تحویل یک بسته جانی و یک جوارب را بهم ندادند. آیا این درست است که برای اجناس فرستاده شده از خارج مالیات کداری بگیرند. اما اجناس را بطور کامل بدهند.
از کتف به کیهان و شما

به مشکلات درمانی اهالی شهرستان خرم دره رسیدگی کنید

شهرستان خرم دره با داشتن ۲۰ هزار نفر جمعیت و ۴۰ روستای تابعه جمعا دارای ۹۰ هزار نفر جمعیت می‌باشد ولی متأسفانه در شهر به این بزرگی و با این کثرت جمعیت در این شهر بیمارستانی وجود ندارد فقط برای درمسان بیماران ۲ دکتر بنگلادشی با ۵ بستر نامی تواند کفاف این شهر را بدهد و بیماران این شهر مجبورند برای مداوای خود به شهرهای همجوار بروند که اینهم به دشواری صورت می‌گیرد یعنی برای مثال حتی یک اصولاس برای انتقال بیماران این شهر به شهرهای همجوار را ندارد. قبل از انقلاب اسلامی شرکت سینوی خرم دره اقدام به تأسیس یک بیمارستان صد تختخوانی نموده که متأسفانه بعد از بروز انقلاب بطور راکد مانده و عملیات ساختن آن حدود ۶۰ درصد پیشرفت کرده است. سازمان وزارت بهداشت و درمان و معارف و سازمان بهداشت جهانی در این شهر اقدام به ساختن یک بیمارستان صد تختخوانی را بدهند. تا ما هم بخاطر یک بیماری کوچک به زحمان یا ازین مسأله نکتیم.
اکبر یعقوبی از خرم دره

و علمدان گروه به کارگزاران دولت چه شد؟

کارگزاران دولت رفتار شایسته هزینه‌زدگی را تحمل می‌کنند و چشم امیدشان به دولت است. وعده داده شده بود که به کارگزاران دولت گروه داده خواهد شد پس این وعده کی عملی خواهد شد.
پاک گریزند

سازمان تامین اجتماعی اقدام کند

کتبه کارگران بازنشسته از سازمان تأمین اجتماعی انتظار دارند حالا دیگر، با این هزینه زندگی روزافزون و سرسام‌آور یک فکری برای کارگران بازنشسته که ۲۰ سال یا بیشتر عمر گرانیهای خود را در کارخانهها- کارگاهها گذرانده‌اند و اکنون در پایان زندگی خود هستند، بتواند عائله خود را با قناعت اداره کنند و ایسا متصفانه است با این گرانی و مشکلات اقتصادی ما حقوق ناچیز مستمری بازنشستگی زندگی کنند؟ شما که انجا هستید برای مستضعفین کاری انجام دهید.

حسن ابراهیمی

قابل توجه ستاد بسیج اقتصادی کشور

آیا ستاد بسیج اقتصادی عمر مفید مسائل خانگی را چند سال محاسبه نموده است مگر یک پنجاه چندر دوام می‌آورد که فقط کسانی که جدیدالزواج می‌باشند حق خرید دارند؟ اینجانب که ۱۷ سال است ازدواج کرده‌ام، پنجاه خانگیام بکلی اوراق شده هر چند وقت یکبار کلی پول تعمیر می‌دهم. در مسأله به مسجد نیز با جواب سریلا می‌دهند (می‌گویند توزیع کم است) و یا بعد از دو سال و دیبه از قبل گرفته را بدون نتیجه پس می‌دهند و می‌گویند موجود نیست. تقاضا دارم به این مسأله مهم توجه کنید و عزم را تقاضی کنید.
ایوانالمصل مغارای دبیر آموزش پرورش ناحیه ۵

یکی از نمایندگان مجلس رژیم: "شما در عرض چهار سال با صرف میلیاردها تومان بودجه بیت المال کدا میک از مسائل اسکان و اشتغال را حل کرده‌اید.؟! "

یادآوری می‌نمایم وی علاوه بر سرپرستی بنیاد فارس مسئول اداره کشاورزی مردودت نیز بوده است و لاسموتیت بنیاد راه (آقای حادلی) بتواند کالیمقام می‌دهد. اینان بنابه اظهارات سرپرست بنیاد فارس مدت ۲۷ سال کارمند وزارت کشور و در زمان طاقت سرپرست اردوهای صبران ملی رامسر بوده است و مدتی نیز معاون آقای شورزگر یا بعنوان فرماندار قبا کار کرده است. می‌تواند بپشتاختی که از ایشان دانسته از تاریخ ۱۳۲۲ تاکنون ۶۲ میلیون کالیمقام تمام اختیارات سرپرستی را به‌وسیله مسئول می‌گردد. که پشت و شوشواری کالیمقام سابق بنیاد و معاون عالی بنیاد فارس از حالکین خوابگاهها به مبلغ یک میلیون تومان ملی حکم ۱۳۵۶ در تاریخ ۱۳۵۶ از طرف دادگستری استان فارس و بنیاد هردو نفر بازداشت و بدست بانکفته آقای نورزگر یا از ابلای حکم به کالیمقامش خودداری می‌ورزد و لسی سرانجام کالیمقام و معاون عالی سابق بنیاد بازداشت می‌شوند که طبق اطلاع واسله اخیرا نیز هردو نفر آزاد شده‌اند.

مسأله بنیاد فارس

حواکمون مسئول بنیاد فارس بدترین رفتار را با جنگ زدگان دارد و بدست آنها را تحت فشار قرار داده است. آقای دافعیان در شرایطی که مسأله انتقال را حل نکرده است ضمن سرپیچی جنگ زدگان به سازمانها و ادارات مختلف آنها را خودکفا اعلام کرده و چیزی و مستمری آنها را قطع نموده است و این در شرایطی است که انتقالی در کار نیست. همچنین ایشان در نظر دارد بنانهی ۲ جنگ زدگان را پس از چهار سال آوارگی از ساخته‌های دولتی بیرون انداخته پسین تحت فشار مسومی را برچیده آورده و لذا بیش از پیش وسیله صیانت این فقر مستضعف و دردی را فراهم کرده است.

امیدوارم هر چه زودتر با برنامه روی صحیح مشکلات پیچیده جنگ زدگان عزیز و محروم کجا میر و پایداری موجبات شکست دشمن را فراهم آورده‌اند حل و فصل گردد.

۱- الف معاون سابق عالی بنیاد مرکزی که پس از ۱۵ سال کار در وزارت سابق دارایی بازنشسته شده است علاوه بر حقوق بازنشستگی ماه اول ورود بدینیه مبلغ سی هزار تومان و ماه بعد ۲۲۵۰۰ تومان و ماههای بعدی صحت دهه ۱۵ هزار تومان حقوق خاص دریافت کرده است که حقوق فوقانی ایشان برخلاف خزای مرجع امام از حساب ۶۶۶ کتالغای هردی بوده است.

ب- این شخص باستاد تاه شماره ۱۱۱۴۲ - ۲۲۱۳۹ مورخ ۱۳۵۶/۱۶/۲۷ وزارت امور خارجه و سورت جلسه مورخ ۱۳۵۶/۱۲/۲۴ بازنده قهره اعلام جواهر آلات اعدالی مردم مسلمان ساکن لندن راه جنگ زدگان کشور توسط وزارت جهوری اسلامی ایران در لندن را تحویل گرفته و به لندن پس و برخلاف قانون فروخته است.

معاون عالی سابق بنیاد و برخلاف قانون که میبایست جواهر آلات فوق را به بانک مرکزی جهت فروش تحویل می‌داد باید جواهر فروش مجبور به مبلغ ۲۲۵۰۰ تومان فروخته است به حساب ۶۶۶ واریز کرده است.

ج- استفاده از مهر بنیاد جهت تحویل امکانات واقعی بدوستان و خویشاوندان خود (که مدارک آنها موجود است) که معاون عالی سابق بنیاد علاوه بر حقوق دریافتی ماهانه مبلغ ۲۲۵۰۰ تومان بعنوان رژیم حقوق میرسد از صندوق دریافت کرده است که مقدار معجزان تومان آن را بتوان حق‌التکویت به پرسنل داده و باقی آنرا به حساب شخصی خود واریز کرده است.

(با تکه تجارت شبهه میدهد فرستد شماره حساب ۷۲۷ - ۲۸ - ۲۰۶).

د- از دوستان از تحویل مدارک فوق توسط نمایندگان مناطق جنگی که سرپرست نقلی بنیاد ایشان رهاها موضوع را می‌گیرند تکره بلکه جهت معاند تاخیر و مشاور عالی خود نموده و پس از آنکه این شخص احساس خطر کرده استقا ند که کجا لشکری ایشان موافقت ندو پس سرورد تضریر و تشویق آقای دافعیان نیز کتا قرار گرفت.

ه- حمایت آقای دافعیان از سرپرست مختلف بنیاد استان خوزستان که علاوه بر نظر حیات پنج نفر مترسیر ضعف مدیریت ایشان کیسیون اصل نمود نیز ایشان را مختلف فضاخته است.

و- حمایت آقای دافعیان از معلول بنیاد استان فارس (آقای نورزگر) که در گزارش حیات پنج نفره نیز به ضعف مدیریت ایشان اشاره شده است.

مسائل جنگ زدگان

یکی از مشکلات حوزه انتضایه اینجاب علاوه بر جنگ که ساکنین آن را آواره شهرها و بیپایانها کرده است. پدیده جنگ زدگی است که مثل گوناگون از عواقب و آثار اسفبار آن غافل گشته‌ایم. آثار موقتی از لغزیدن جنگ زدگان کشور کاتما پامیج دگرگونی قابل رفع نیست بلکه چنین نسل باید بگذرد تا آنها وضع طبیعی خود را بازیابند.

وضع مسلمانان جنگ زدگان بخصوص در استان خوزستان نمی‌تواند بیفنده را خاطر نکند شهرک طاقتانی عمر مرید را در میان کیره‌های گنبدی بی‌تلاشخواب که از همه طرف شهرک را احاطه کرده‌اند. این شهرک در واقع یک جنگ زدگان است که حلیه آبادهای بنیاد- جنگ زدگان است که در میان آن داغ زدگان ماهشهر مردمی مظلوم و فقیر رادر خود چپایی داده است و شهرک وحدت در کنار شهرستان بیهان خسوز هم مظهر چادر نشینی در گرمای داغ و با این اسناد گویا کسی نیست از ایشان بهره شایر عرض چهارسال یا صرف می‌تواند در استان بودجه بیت‌المال کتامیک از مسائل اسکان و اشتغال را حل کرده‌اند. درود شهر بوشهر به لوده‌گاهی سرزیم بنام دریابگی که فرآیند جنگ زدگان در کالیت می‌تواند. و سرپرست گل بنیاد که سرچشم به آن سطرده بود تنها رادخل یا تحریب اردوگاه و انتقال ساکنین به استان دیگر ارائه کرده است که ظاهرا این واحد هم قابل پیاده شدن نیست.

نمایندگان خوزستان از ابتدای تشکیل بنیاد معیسی قراوانی گردیدند تا با تقویت و راحتمالی و ارتداد و سرپرستی بر مشکلات آقای آیتد ولی متأسفانه بدست عدم اشتغال از فرجه جنگ زدگان و القاتلت خندان. سرپرستی بیسای همکاری در حل مشکلات و تمایب مختلفان خودسری در مقابل تحقق قانون بوده است. سرپرست کنونی بنیاد امور جنگ زدگان حدود ۹۶ ماه قبل ملی نشستهای متعدد با نمایندگان خوزستان و غرب فولیاد کچه تعلقات رسیدگی و التبراد عالی را تحت بیکره قانونی قرار دهد که متأسفانه به این وعده نرسیده و تا نکرده بلکه از تأتیا حمایت هم کرده است که بذر چند لایه می‌روانم.



ترکیه است که ظرفیت آن نهمصد و پنجاه هزار بشکه در روز میباشد. تولید نفت عراق قبل از آغاز جنگ، ۲/۵ میلیون بشکه در روز بود (همان منبع).

در این اواخر حملات بی در پی ایران و تسخیر بخشی از خاک عراق از جمله جزایر مجنون و حملات احتمالی بزرگ دیگر، آمریکا را به این نتیجه رساند که باید بیشتر مراقب سیاست توسعه طلبی رژیم جمهوری اسلامی باشد. چرا که آمریکا با وجود اینکه رژیم جمهوری اسلامی را نسبت به آلترناتیوهای انقلابی و مشرقی ترجیح میدهد، لیکن آنها را با رژیم‌های مثل رژیم سعودی و اردن - مصر و شیخ نشین‌های خلیج که از لحاظ سیاسی قابل اعتمادترند، مقایسه نمیکند.

تاموس مکنوگر، کارشناس موسسه تحقیقاتی بروکینگز مینویسد: "تهدید واقعی در ادامه جنگ نیست، بلکه در پیروزی ایران در جنگ و تسلط آن بر کشورهای تولیدکننده نفت است. تسلط ایران بر کشورهای تولیدکننده نفت و پیروزی ایران بازاری جهانی نفت را بطور مطلق تغییر خواهد داد" (گریستین ساینس مانیستور، ۲۹ مه ۱۹۸۲). همچنین یکی از سخنگویان وزارت امور خارجه آمریکا در این رابطه اظهار میدارد که: "ما نمیخواهیم رژیم‌های عقب - گراشی چون رژیم خمینی سراسر خلیج را بگیرند که اولین آنها نیز عراق باشد. حتی اگر عراق رژیم مطلوبی نباشد" (همانجا). پس سیاست امپریالیسم آمریکا ایجاب میکند که اگر لازم باشد، علیرغم خواست خود و شام عواقبی که ممکن است برایش پیش بیاید، در این جنگ مداخله کند. در این رابطه، برژیسکی، از کارشناسان مهم امپریالیسم میگوید: "ما در موقعیتی نیستیم که چیزی را به کسی دیکته کنیم و با موافقت کسی را جلب نمائیم. چرا که ما رابطه‌ای با ایران و بخصوص با عراق نداریم. بنابراین - این اگر ما مستقیماً مداخله نمائیم، شوروی خواهد برد" (همانجا). اما بر خلاف نظر برژیسکی، نظر رسمی دولت آمریکا این است که در حال حاضر صلاح بر این است که بطور مستقیم در جنگ مداخله نکند. ریچارد مورفی، کارشناس وزارت امور خارجه آمریکا در منطقه خاور نزدیک و جنوب آسیا، در این زمینه اظهار میدارد: "نظر دولت آمریکا این است که از درگیری مستقیم نظامی در

ایران اشتیاق خود را برای گسترده‌تر کردن این شواهد نشان داده است" (شیکاگو سان تایمز، ۲۲ ژوئن ۸۲).
۲- طرح خواسته جدید برای پایان جنگ، یعنی تسخیر رسمی جزایر مجنون، بجای سرنگونی رژیم مدام حسین.
در این رابطه، هاشمی رفسنجانی اظهار میدارد که "... اگر روزی بنا شد جنگ شام شود و ما خسارتان را بگیریم، طبیعتاً دولت عراق این خسارت را که بالغ بر صد میلیون دلار است، نمیتواند نقدا پرداخت کند و باید از منابع بطور تدریجی برداشت شود و یکی از جاهایی که میتواند برداشت شود جزایر مجنون است، البته این در صورتی است که توافق شود یعنی در قرارداد مشارکه جنگ این مطلب ذکر شود..." (اطلاعات، خرداد ۶۳).
۳- به تاخیر انداختن حملات بزرگ زمینی که گویا رژیم ایران از مدت‌ها قبل در تدارک آن بوده است و طبق گزارشات منابع مختلف قریب به ۵۰۰ هزار نفر را برای این حمله آماده کرده است (قبل از تاختیک جدید عراق مبنی بر کشتادن جنگ به آبهای خلیج، بنظر میرسید که رژیم ایران در یک موقعیت بسیار برتری قرار گرفته بود. ویلیام گواندت William Quandt، کارشناس جامعه تحقیقات انرژی کمبریج، در همین رابطه اظهار نمود که: "ممکن است ایران در مقطع شکستن مواضع نظامی در جنگ تدارک گرفته باشد" (گریستین ساینس مانیستور، مه ۱۹۸۲). این عقب - نشینی‌ها سبب شد که ارتش عراق نسبت به چند ماه گذشته از موقعیت بهتری برخوردار شود (گریستین ساینس مانیستور، ۶ ژوئن ۱۹۸۲). بررسی سیاست رژیم ایران و واکنش آن در مقابل تاختیک جدید عراق و امپریالیسم آمریکا، قابل مکت و توضیح بیشتری است

واکنش امپریالیسم آمریکا

آمریکا که استراتژی‌اش بازگذاشتن خلیج و حفظ موازنه قدرت بین ایران و عراق و دفاع از رژیم ایران بوده است، با این تسخیر و تحولات میبایست نقش فعال تری ایفا کند. آمریکا که با عراق رابطه سیاسی خوبی نداشته است، با استفاده از نیازهای جنگی و اقتصادی عراق و با میانجیگری کشورهای مثل اردن، سعی کرده است که با این کشور وارد مذاکره شود و روابط فیما بین را توسعه بخشد. طرح پروژه لوله نفت رسانی از طریق اردن به آبهای دریای سرخ، بندر عقبه، در جبران قطع صدور نفت از آبهای خلیج فارس و دریای مدیترانه (از طریق سوریه، با ظرفیت ۲۵۰ هزار بشکه در روز که با اوج گیری جنگ ایران و عراق، دولت سوریه در آوریل ۸۲، آنرا بست)، از جمله این برنامه‌هاست (گریستین ساینس مانیستور، ۲۲ مه ۸۲ و لس - آنجلس تایمز، ۲۶ ژوئن ۸۲). این طرح که میتواند صدور نفت عراق را تا ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد، قرار است در سال ۱۹۸۶ کامل گردد. بانک صادرات و واردات آمریکا موافقت کرده است که مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار از هزینه این پروژه - یک میلیارد دلاری را به عراق وام بدهد. کمیاشی امپریالیستی بکتل پترولیوم سانفرانسیسکو (Bechtel Petroleum) انجام کارهای ساختمانی و تکنیکی پروژه را بعهده گرفته است (لس آنجلس تایمز، ۲۶ ژوئن ۸۲).

با قطع شدن صدور نفت عراق از طریق خاک سوریه و ترمینال الفاو در منطقه خلیج که در اواسط سال ۸۰ با حمله ایران قطع شد، تنها مسیر صدور نفت عراق در حال حاضر از طریق خاک

خلیج فارس احتراز کند و بر این عقیده است که ممالک حوزه خلیج را قادر سازد بجای درخواست از آمریکا برای حفاظت از آنها، خود در مقام دفاع از خویش برآیند... (نقل از روزنامه اطلاعات، ۲۶ خرداد ۱۳۶۲).

بنا بر این در حال حاضر نه ضروری است و نه بصلاح آمریکاست که در جنگ مستقیماً دخالت کند، زیرا اولاً در منطقه خلیج رژیم‌های ارتجاعی وابسته‌ای چون رژیم سعودی وجود دارند که با توجه به امکانات نظامی شان (بویژه نیروی هوایی) و حضور رسمی مستشاران نظامی آمریکا در آن کشورها، چنانچه لازم باشد، میتوانند زیر کنترل و هدایت مستشاران آمریکا علیه ایران وارد جنگ شوند. در این میان اگرچه جمعیت عربستان حدود ۱۰٪ جمعیت ایران است، ولی از آنجائیکه جنگ با عربستان و بهمهرا آن - دیگر کشورهای خلیج، (شورای همکاری خلیج: عربستان، کویت، امارات متحده، قطر و عمان) جنگی هوایی و دریایی خواهد بود، نه زمینی و از آنجائیکه نیروی دریایی و هوایی رژیم جمهوری اسلامی بسیار ضعیف شده است (که در حال حاضر دارای ۷۰ جنگنده هوایی شامل ۱۲ فروند F-4، ۵۰ فروند F-5 و ۶ فروند F-14 است (کریستین ساینس مانیتور، ۲۹ مه ۸۴) در مقابل نیروی هوایی برتر عربستان قادر به مقابله نخواهد بود. برتری نیروی هوایی عربستان بخاطر وجود ۱۷۰ هواپیمای جنگنده شامل ۲ فرونده هواپیمای جاسوسی آواکس است که از آمریکا ظاهراً قرض گرفته شده است (فرار است عربستان ۵ فروند دیگر در سال ۸۵ تحویل بگردد، کریستین ساینس مانیتور، ۲۲ مه ۸۴)، هواپیمای جنگی

(۶۲ فروند)، که به اعتراف روزنامه واشنگتن پست (۶ ژوئن) پیچیده‌ترین و مجهزترین جنگنده هوایی در دنیا است، جنگنده‌های F-5 (۹۰ فروند)، F-14، و موشک‌های ATN 9L "حرارت جو" (heat-seeking) که قادر است هواپیمای نظامی مهاجم را تعقیب کند و موشکهای زمین به هوای "حرارت جو" استینگر که اخیراً ۴۰۰ دستگاه از آنرا آمریکا در اختیار عربستان قرار داده است (این تعداد قرار است به ۱۲۰۰ دستگاه برسد)، میباشد (واشنگتن پست، ۶ ژوئن و کریستین ساینس مانیتور، ۲۹ مه ۸۴). گذشته از برتری نیروی هوایی سعودی نسبت به ایران، اگر درگیری بین ایران و عربستان عملی شود، نیروی هوایی ایران که تاکنون قطعات بدکی هواپیمای جنگی خود را، که سازنده آنها آمریکا است، از طریق دلالت‌های امپریالیستها و اسرائیل فراهم می‌آورد، از دریافت آنها بی‌نصیب خواهد شد. طبق نوشته لس آنجلس تایمز به نقل از مجله اشرون، چاپ آلمان - اسرائیل، در ادامه ارسال اسلحه از جمله قطعات بدکی تسلیحات ساخت آمریکا به ایران قرار است در تابستان امسال ۲۰۰ موشک ضدتانک به ایران تحویل دهد. همین منبع بهای اسلحه‌های تاکنون اسرائیل به ایران تحویل داده است را ۵۰۰ میلیون دلار اعلام داشته است. جیمسز اکینز، مدیر سابق آمریکا در عربستان سعودی گفت: "اسرائیل کمک‌های نظامی خود به ایران را از سر گرفته است" (کریستین ساینس مانیتور، ۳۰ مه ۸۴). وی در رابطه با ضبط مسیر پرواز هواپیمای اسرائیلی حامل اسلحه به ایران از طریق لبنان و شمال سوریه و جنوب ترکیه توسط هواپیمای آواکس مستقر در عربستان اشاره نمود و اضافه نمود که: "ایران اسلحه‌ها را از طریق اسرائیل بدست آورده است که برای حمله به ناوگرهای نفتی کاملاً موثر است (همان منبع). همچنین در صورت گسترش جنگ خلیج و مختل شدن عبور و مرور کشتی‌های نفتی، رژیم از نظر ارز و تهیه ادوات جنگی در مضیقه قرار خواهد گرفت. مجموعه این عوامل سبب خواهد شد که رژیم ایران ترجیح دهد که علیرغم

شماره‌های شند و نیز خود علیه رژیم سعودی و غیره، وارد جنگ در آبهای خلیج نشود و آلترناتیوهای دیگری را بپذیرد و این مسئله را امپریالیسم آمریکا در سیاست خود نسبت به ایران در نظر خواهد داشت.

آمریکا با توجه به همین شرایط، سیاست دفاع از رژیم جمهوری اسلامی را با دقت بیشتری، ادامه خواهد داد. پس از اوج گیری جنگ در آبهای خلیج، بنظر میرسد که آمریکا مشکلاتی در راه تهیه ابزار نظامی آمریکایی برای ایران ایجاد کند. اما گزارشات نشان می‌دهد که حتی در اوج این بحران و درگیری‌ها، روابط اقتصادی با ایران و فروش اسلحه به ایران، گماکان ادامه یافته است. چکاندرسون، روزنامه نگار سرشناس آمریکایی، طی مقاله‌ای در تاریخ ۱۲ ژوئن ۸۴ نوشت:

"ژلگرافها از وزارت امور خارجه آمریکا به متحدین آمریکا در سراسر جهان، مبنی بر متوقف کردن ارسال وسایل نظامی به ایران سرازیر شد. اما ظاهراً این پیام به وزارت بازرگانی آمریکا که فقط ۸ بلوک با آنها فاصله دارد، نرسید" (دیلی - نیوز، ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴). این گزارش روشن میکند که نه تنها آمریکا، بلکه متحدین او در سراسر دنیا، همواره ارسال وسایل نظامی به ایران را ادامه داده‌اند. پس از اوج گیری جنگ، علیرغم نگرانی آمریکا در حلقه‌های حتمالی ایران به شیخ نشینها و عربستان سعودی و توصیه کثیری متحدین خود و کشورهای وابسته مبنی بر قطع ارسال اسلحه به ایران، خود ارسال این وسایل را به ایران قطع نکرد.

علیرغم تمامی مسائلی که در فوق بدان اشاره کردیم، اگر زمام امپریالیسم آمریکا احساس خطر کند، نه تنها سیاست حمایت از رژیم جمهوری اسلامی و ارسال ادوات نظامی به ایران را قطع خواهد کرد، بلکه سپردن سرسخت جنگ به عربستان سعودی، در یکی از حساسترین مناطق استراتژیک جهان کریسک پرمخاطره‌ای خواهد بود و در صورت لزوم، خود مستقیماً و علناً مداخله خواهد کرد. یک تحلیل گر سیاسی پرسیا سابقه عرب در رابطه با نقش آمریکا در منطقه گفت: "بطور آشکار، آمریکا دارای نقش کلیدی در این رابطه است، حتی اگر عربستان بخواهد نقشش آمریکا را تا حد ممکن کم جلوه دهد" (کریستین ساینس مانیتور، ۲۲ مه ۸۴). بنا بر این در صورت تغییر شرایط کنونی دیر یا زود امپریالیسم مجبور خواهد شد که در جنگ، به نوعی مداخله نماید. این مداخله الزاماً در خاک ایران نخواهد بود، بلکه میتواند در آبهای خلیج فارس و دریای عمان انجام پذیرد. اما همانطوریکه در بالا بدان پرداختیم، در حال حاضر بدلائیل مختلف منافع آمریکا ایجاب میکند که از مداخله در جنگ خلیج خودداری کند. از جمله اینکه:

- ۱- علیرغم شدت یابی جنگ در ماه مه و اوایل ژوئن، آرامش نسبی در آبهای خلیج حکمفرما گردیده است.
 - ۲- با مداخله آمریکا در جنگ، شرایط بیقرار از پیش بحرانی خواهد شد.
 - ۳- طبق ارزیابی تحلیل گران غرب، با مداخله آمریکا در جنگ، ثروتی نیز ممکن است وارد عمل شود.
 - ۴- مداخله مستقیم آمریکا میتواند احساسات فدا آمریکایی مردم منطقه را، که هم‌اکنون نیز کاملاً محسوس است، تقویت نماید و به جنبش‌های فدا امپریالیستی دامن بزند.
- بخاطر مجموعه این عوامل است که بنوش معاون رئیس جمهوری آمریکا، در سفر اخیر خود به منطقه در عمان اظهار نمود که:

"پایان یافتن این جنگ ۲۲ ماهه مورد استقبال تمام دنیا قرار میگیرد، ولی من در حال حاضر هیچ نقشی برای آمریکا در این میان نمی بینم" (کریستین ساینس مانیچور، ۲۲ مه ۸۴). بسوش بغوبی دریافت کرده است که نقش سرکوبگرانه و جهاشوارانه امپریالیزم آمریکا در جهان و در منطقه خلیج فارس، آنقدر شگفتی آورده ها را نسبت به دولت آمریکا برانگیخته است که مداخله آنها حتی برای باصلاح پایان دادن به جنگ، عواقبی بدتر را بدنبال خواهد داشت. روزنامه کریستین ساینس مانیچور در این رابطه اضافه میکند:

"ملت های خلیج از جنگ قدرت های خارجی راحت شده اند و عمیقاً بدنبال آلترناتیو دیگری جز آمریکا و اروپای غربی هستند. بهترین سیاست در حال حاضر عبارت از این است که صبر کنیم تا مسائل را خود کشورهای منطقه خلیج حل کنند" (۲۲ مه ۸۴). اینگونه اظهارنظرها نشان میدهد که شرایط برای جنبش های توده ای علیه حکومت های دست نشانده امپریالیزم در منطقه بسیار مهیا است. برزیلنکی نگرانی خود را در ارتباط با وضعیت

داخلی عربستان سعودی در جنگ چنین بیان کرده است: "اگر من جای یکی از شاهزاده های سعودی بودم و میدیدم که چنین دورنماشسی (دورنمای شورش های توده ای - م.م) در حال رشد کردن است، بسیار نگران میشدم" (کریستین ساینس مانیچور، ۲۹ مه ۸۴).

بنابراین مجموعه این فاکتورهاست که آمریکا را در حال حاضر از وسعت یافتن جنگ خلیج، علیرغم منافع سرشاری که یک جنگ محدود و فرسایشی کنترل شده در این منطقه برایش داشته باشد، بسیار نگران کرده است، چرا که آمریکا میداند بدنبال گسترش این جنگ ممکن است بسیاری از حکومت های ارتجاعی منطقه یا با قیامها و شورشهای مردمی و یا کودتاها ضد آمریکا شسی، سقوط کنند. پس بهترین حالت برای آمریکا، نه گسترش جنگ و مداخله مستقیم در آن، بلکه همان سیاست محدود ماندن جنگ بین ایران و عراق و تداوم این جنگ فرسایشی در مرزهای دو کشور است و این همان سیاستی است که رژیم جمهوری اسلامی نیز آنرا دنبال میکند. در شماره های بعدی جهان شعی میکنیم جنبه های دیگر جنگ ایران و عراق را مورد بررسی قرار دهیم.

مصاحبه ای با ...

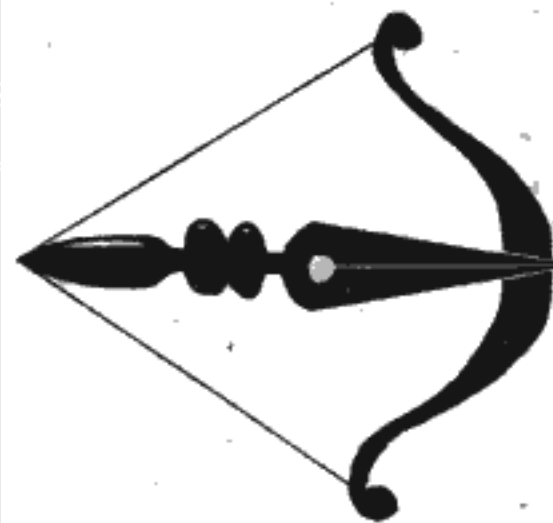
بقیه از صفحه ۳۰

انقلابی مارکسیست - لنینیستی در ایران وظیفه ای خطیر در پیش دارد. برای منزوی کردن حزب توده و جناح با اصطلاح "اکثریت" تا از این طریق توده های عظیمی را که از حاکمیت سلب اعتماد میکنند گرد بچم برنامه های پرولتاریائی جمع کند و هم زمان کل حاکمیت را با توجه به اختلافات و کشمکشهای درونی جناحهای آن زیرضربه قرار بدهد. عدم توجه به مبارزه همه جانبه با اپورتونیزم راسته در واقع مخدوش کردن برنامه پرولتاریا و به نتیجه نرسیدن برنامه حداقل است.....

"اتحاد و انضاد"، "اتحاد، مبارزه" را می نشانند ولی در عمل همان سیاست حزب توده که "اتحاد، انضاد" است به پیش میبرد. بنا براین توده ها همزمان با سلب اعتماد از حاکمیت از هر نیرویی که درکنار این حاکمیت ایستاده سلب اعتماد میکنند و با توجه به چنین وضعی است که جناح به اصطلاح لیبرال سرمایه داری متوسطی که با رمنشنی گزاشی را بدوش میکشد، در این فضای خالی با حمله به سیاستهای بغایت ارتجاعی جناح حزب جمهوری اسلامی، ارتجاعی بودن خودش را - پنهان میکند و خودش را بعنوان آزادیخواه و نجات دهنده به توده ها معرفی میکند. بنا براین سازمان که بعنوان سازمانی محوری مبارزات

یادنامه فدائی شهید ...

بقیه از صفحه ۲۷



آنگاه که از او رفیقانه درخواست میشود ایران را ترک گوید، او چنین پاسخ میدهد: "نمی توانم، شاید حق با شما باشد، اما من نسبت به "سازمان" تعهداتی دارم که نمی توانم جا خالی کنم. منمم خطر را حس میکنم، اما باید اینجا بمانم. باید." (۵)

رفیق سعید بر این اعتقاد ماند و با تمامی اعتقاد راستین خود به آرمان سرخ فدائیان خلق در راه رهائی خلق های تحت ستم در ایران و تمامی جهان، یکسدم از مبارزه ای بی امان دست بر نداشت.

کافرگان و زحمتکشان جان باخت. رفیق سعید در تمامی دوران مبارزه خویش هیچگاه حتی ذره ای سازش و مدارا را نپذیرفت و چون خود فروشان حزب توده، ارزش مبارزاتی قلم و واژه ها را با سازش با ارتجاع نیالود.

"اوشعر و نشاتر را به دشمنه های کاری بدل کرد و از پشت بلندقو، باروی مجنسه نشاتر بر قلب دشمن آرمانهای خویش فرسود آورد." (۳)

در نوعی از هنر، نوعی از اندیشه، فریاد برآورد:

باد او و تمامی شهدای بخون خفته خلق، گرامسی باد

منابع:

- ۱- "هنرکده آناهیتا" برای نخستین بار به همت مطبوعاتی اسکویی و جهت ترویج و توسعه نشاتر علمی و سیستم آسانسلاوگسی در

ایران در سال ۱۳۳۷ پایه گذاری گردید.
 ۲- شبهای شعر انشیتو کوتاه بمدت ۱۰ شب از روز دوشنبه ۱۸ مهر ماه ۱۳۵۴ در تهران برگزار گردید. رفیق سعید بیژن در شب پنجم برای مشتاقان ادب انقلابی شعر خواند.
 ۳- برگرفته شده از یادنامه رفیق سلطانپور به همت (ب- زکات)، چاپ گارچ آر کشور (تأ) اندکی تصرف صفحات ۳۵-۳۶.
 ۴- "نوعی از هنر، نوعی از اندیشه"، ص ۲۶
 ۵- "یادنامه رفیق سلطانپور"، ص ۱۸.

آسیا

بنگلادش

بنا بر گزارش روزنامه لوموند، روز ۲۸ آوریل بیش از ۲ میلیون نفر از کارگران بنگلادش با خواسته هائی مبنی بر افزایش دستمزد به میزان ۲۴٪ لغو فوری حکومت نظامی و الغای طرح انتقال تدریجی موسسات ملی شده به بخش خصوصی، دست به یک اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته زدند.

فیلیپین

روز ۲۷ آوریل دولت ژاپن علیه رسم اعتراضات نمایندگان پارلمان ژاپن و اعضای اپوزیسیون دولت فیلیپین، تصمیم گرفت که اعتباری به میزان ۱۸۸/۸ میلیون دلار به دولت فیلیپین اعطا کند تا این دولت بتواند مشکلات اقتصادی خود را کاهش دهد.

اسرائیل

اخیرا یکی از رهبران فدائیان فلسطینی شیکاراگوفه بنام انریکو برمودا، در یکی از کانالهای تلویزیونی آمریکا (NBC) اعلام کرد که بخشی از تسلیحات گروههای فدائیان پس از گرفتن آنها از جریکهای فلسطینی در لبنان توسط دولت اسرائیل برای گروههای فدائیان ارسال شده است این سلاحها عمدتا ساعت شوری هستند. ادن پاستورا یکی دیگر از رهبران فدائیان بر علیه دولت انقلابی شیکاراگوفه نیز اعلام کرد که مقدار زیادی تسلیحات اسرائیلی در اختیار دارد. حمایت فعال اسرائیل از کشورهای ارتجاعی آمریکا لاتین از سال ۱۹۷۰ بعد کاملاً محسوس شده است. دولت اسرائیل از هیکتا شوری سوموزا فعالانه حمایت میکند. شارون جلد خلق فلسطین در دسامبر ۱۹۸۲ با ژنرال آلوارز، وزیر دفاع سابق هندوراس بر سر کمک و همکاری اسرائیل به رژیمهای وابسته به آمریکا در منطقه گفتگو کرده است. کستاریکا، هندوراس و گواتمالا از مشربهای علنی تولیدات نظامی اسرائیل هستند. اسرائیل دوازدهمین دولت تولیدکننده تسلیحات است که ۲۵ کتور را از لحاظ تسلیحات نظامی تغذیه میکند. این تجارت سالانه ۸۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد دلار برای اسرائیل سود بسیار میآورد.

ترکیه

بنا بر گزارش مطبوعات ترکیه، بیش از ۵۰۰ نفر از زندانیان زندانهای متربس و گیلیکار در استانبول که جمعاً ۳۰۰۰ زندانی دارند، از روز ۱۱ آوریل دست به اعتصاب غذا زده اند. از جمله اعتراضات زندانیان سیاسی، اعتصابی این است که گردانندگان زندانها آنها را وادار به بوقیدن لباسهای زندانیان جنائی میکنند. در چند ماه گذشته حرکات مشابهی در زندانهای حکم (در آنکارا) و دیار بکیسر (در کردستان ترکیه) صورت گرفته است.

کره جنوبی

پاپ در سفر اخیر خود به کره جنوبی از پیشرفتهای اقتصادی این کشور تعریف کرده و کارگران را به پیروی هرچه بیشتر از مشیت الهی فراخواند. وی در مسعود وضعیت اسفبار کارگران کره ای سکوت انتخاب نمود. عدتکار در کره جنوبی بقدری زیاد است که کارگران بعنوان اعتراض دست به مبارزه منفی میزنند و چند بار هم کارگران خود را به آتش کشیده اند. هرکارگری بطور رسمی ۶۶ ساعت در هفته کار میکند. زنان کارگر به محض ازدواج حق کار را نیز از دست میدهند و میبایست استعفا بدهند.

لبنان

اهالی اردوگاه فلسطینی "عین العلو" در جنوب لبنان برای اعتراض به حمله ارتش اسرائیل به اردوگاه دست به نظاهرات زدند و یک اعتصاب سه روزه را آغاز کردند. اهالی اردوگاههای بیروت و اردوگاههای صبرا و شتیلا نیز به این حرکت اعتراضی پیوسته اند. طبق گفته "دفتر سازمان ملل برای کمک به پناهندگان"، ارتش اسرائیل ۸ خانه فلسطینی های اردوگاه را دینامیت گذاری کرده است. کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین خواهان تشکیل یک جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل برای انقضای حوازین و تنبیه قتل عام کنندگان شده است.

پاکستان

در حالیکه در چندین شهر پاکستان درگیری شدیدی میان دانشجویانی که خواهان آزادی فعالیت سندیکاها میباشند از یک سو و ارتش و پلیس از سوی دیگر جریان دارد، در روز ۹ مه دولت پاکستان مطبوعات را از انعکاس فعالیت های اپوزیسیون منع نمود. محدود کردن مطبوعات در روزی صورت

گرفت که ۱۱ حزب اپوزیسیون که در نهضت اعاده دیمکراسی (MRD) متشکل شده اند، پس از تشکیل جلسه کمیته مرکزی خود در لاهور، یک سری قطعنامه را تصویب کردند که به موجب آن حکومت نظامی ضیا الحق محکوم شده است. در این قطعنامه ها MRD شایع کرده است که پاکستان در یک بحران عمیق و بی سابقه بسر میبرد و یک "غلا سیاسی خطرناک" در جامعه بوجود آمده است که باید بر کسردهد. از طرف دیگر یک هیئت نمایندگی فدراسیون بین المللی حقوق بشر که از پاکستان بهار کرده است، اعلام نمود که در پاکستان "یک جو ناامنی و خودکامگی" حکمفرماست. دو وکیل فرانسوی که جز هیئت نمایندگی این فدراسیون بودند اعلام نمودند که زندانیان به سختی شکنجه میشوند و از ابتدائی ترین امکانات بهداشتی محرومند.

تایلند

در روز ۱۵ مه پاپ وارد تایلند شد. پاپ در تایلند که ۹۰٪ اهالی آن بودایی هستند یک مراسم مذهبی مسیحی برگزار نمود. ناظرین اظهار کرده اند که منظور پاپ قبل از هر چیز تاثیر گذاشتن روی مسیحی های ویتنام (۳ میلیون نفر)، لائوس (۲۰ هزار نفر) و کامبوج (۱۴ میلیون نفر) بوده است. در ویتنام مسیحی های طرفدار دولت ویتنام طی اعلامیه ای اهداف پاپ را افشا کرده اند. پاپ از وضعیت مسیحی های ویتنام اظهار نگرانی کرده بود. دولت ویتنام نیز طی اعلامیه ای اهداف پاپ را افشا کرده و دولت چین نیز در روز ۹ مه پاپ را به مداخله در امور مذهبی چین متهم کرد.

پاکستان

در روز ۱۲ مه، چند ساعت قبل از ورود جرج بوش، معاون ریگان به پاکستان، نیروهای هوایی افغانستان پایگاههای نیروهای فد دولتی در مرز پاکستان و افغانستان را بمباران کردند. جورج بوش در دیدار خود از پاکستان اعلام کرد که آمریکا ۱۲ میلیون دلار بعنوان کمک به پناهندگان اقتصادی بدهد ضیا الحق نیز اظهار داشت که "امیدوارم ریگان مجدداً در انتخابات ریاست جمهوری انتخاب شود".

کره جنوبی

در روز ۱۲ مه بمناسبت سالگرد قیام گوانگجو (مه ۱۹۸۰) هزاران دانشجو در



تظاهرات میلیونی مردم اسپانیا علیه ناتو

دانشگاههای کره جنوبی دست به تظاهرات زدند. پلیس کره جنوبی با پوروش به صفوف دانشجویان ۱۱۶ نفر را مجروح نمود و ۲۸ نفر از دانشجویان را دستگیر کرد.

اروپا

آلمان غربی

مبارزات منفی حول خواسته ۲۵ ساعت کار در هفته، جامعه آلمان را با بحران سیاسی روبرو ساخته است. دفتر فدرال کار اعلام کرده است که هیچکس از کارگرانی که در اعتصاب شرکت کرده‌اند، پول دریافت نخواهند کرد. با این حال کارگران کارخانه‌های دیگر به اعتصاب کارگران فلزکاری پیوسته‌اند. دولت آلمان تصمیم گرفته است که تقریباً تمام کارخانه‌های اتوموبیل سازی آلمان را تعطیل کند و از مدتی پیش به این کارخانه‌ها لوازیم بیدگی نداده است. سندیکای I.G. Metal تظاهرات گسترده‌ای را در روز ۲۸ مه برگزار نمود. از طرف دیگر کارگران چاپخانه‌های آلمان نیز به فراخوان سندیکای خود مبنی بر دست زدن به اعتصاب جواب مثبت داده و چند روزی از چاپ روزنامه‌ها امتناع ورزیدند. قابل توضیح است که در رابطه با اعتراضات کارگری اخیر، تا بحال ۲۶ هزار کارگر از سرکارشان اخراج شده‌اند.

انگلستان

بدنبال اعتصاب گسترده کارگران معدن انگلستان، این اعتصاب وارد سیزدهمین هفته خود گردید. در تظاهراتی که به همین منظور از سوی اتحادیه‌های کارگری معادن زغال سنگ ترتیب داده شده بود، تظاهرکنندگان با سنگ و شیشه به پلیس حمله کرده که در نتیجه آن ۶۲ نفر زخمی و مدعیان دستگیر شدند. این تظاهرات با شرکت حدود ۷۰۰۰ کارگر معدن در نزدیکی کارخانه کوکا کولا در نواحی شمالی لندن انجام گرفت. لازم به توضیح است که اعتصاب کارگران معدن به دلیل اعلام بستن این معادن از جانب دولت (به بهانه عدم سوددهی آنها) که منجر به بیکار شدن بیش از ۲۰۰۰۰ کارگر میشود، بوقوع پیوسته است.

انگلستان

بنا بر گزارش روزنامه کارهین ۲۵۰۰۰ نفر از مردم لندن در روز ۲ ژوئن بزمنی سفر نخست وزیر آفریقای جنوبی (بوتا) به

انگلستان و ملاقاتش با مارگارت تاچر، دست به تظاهرات زدند. سازمانها و تیروهایی مرفقی و فعال که نقش بسیار مهمی را در برگزاری این تظاهرات بعهده داشتند، رژیم ارتجایی آفریقای جنوبی و سیاستهای نژادپرستانه آنرا بشدت محکوم ساخته و به افشای دولت مارگارت تاچر که از بونا برای تیدارش از انگلستان دعوت کرده بود، پرداختند. بنا بر گزارش مطبوعات خارجی، هدف از این سفر همکاری هرچه بیشتر آفریقای جنوبی با آمریکا و انگلستان در رابطه با اشغال نامیبیا توصیف گردیده است. این سفر در حالی صورت گرفت که اکثر کشورهای جهان بخاطر سیاستهای نژادپرستانه آفریقای جنوبی روابطشان را با این کشور قطع کرده‌اند، ولی امپریالیزم انگلیس به رابطه اقتصادی بسیار نزدیک خود با این کشور همچنان ادامه میدهد.

اسپانیا

بیش از یک میلیون تن از مردم اسپانیا برای دومین بار در روز سوم ژوئن در تظاهراتی که علیه شرکت دولت اسپانیا در ناتو برگزار شد، شرکت نمودند. خواسته‌های تظاهرکنندگان بیشتر حول محکوم ساختن شرکت دولت اسپانیا در سازمان نظامی ناتو و وجود پایگاههای نظامی آمریکا در اسپانیا بود. از آنجا که باقی ماندن دولت "سوسیالیست" اسپانیا در سازمان نظامی ناتو روز به روز آشکارتر میگردد، مردم خواهان برگزاری referendum عمومی هستند که در مورد عضویت اسپانیا در ناتو تصمیم بگیرد.



تظاهرات مردم انگلیس علیه سفر بوتا به انگلستان

در روز ۲ زوشن ریگان در پایان سفر خود به ایرلند صحن سخنرانی های حسود آمریکائی هائی را که به ارتش جمهوریخواه ایرلند IRA کمک میکنند، محکوم نمود. در طی دیدار ریگان از ایرلند، بیش از ۱۰۰۰۰ نفر در اعتراض به سیاستهای آمریکا دست به تظاهرات زدند و در خیابانهای که مسیر عبور ماشین ریگان بود از او با تخم مرغ و گوجه فرنگی استقبال نمودند.

آمریکائی لاتین

نیکاراگوئه

دولت انقلابی نیکاراگوئه اعلام کرد که در درگیری ای که با ضد انقلابیون نیکاراگوئه (که در مرز هندوراس مستقر میباشند) در روز ۳۰ مه داشت، بیش از ۲۰۰ تن از ضد انقلابیون به هلاکت رسیدند. در درگیری دیگری که در روزهای ۲۳ و ۲۴ مه در نواحی "سن حوزه دیوکی" شهر کوچکی که در نواحی "جوتینوتوگا" در بخش شمالی نیکاراگوئه واقع است، ۳۰ تن از ساندینیستاها خود را در مقابله با ضد انقلابیون از دست دادند. تا بحال بیش از ۸۰۰۰ نفر از این نیروهای ضد انقلابی مخفیانه وارد خاک نیکاراگوئه شده و به خرابکاری علیه تأسیسات دولتی و خراب کردن مزارع کشاورزان و از بین بردن مواد غذایی مردم مشغول میباشند. در درگیری ۲۳ و ۲۴ مه بیش از ۲۰۰ میلیون دلار خسارت به مردم وارد شد و منجر به بی خانمانی بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر از اهالی گردید.

گواتمالا

در اواسط ماه فوریه کارخانه کوکا کولا در گواتمالا پس از اعلام ورشکستگی، تعطیل شد و مدیران آن از کشور خارج شدند. روز ۱۸ فوریه بیش از ۴۶۰ کارگر این کارخانه، کنترل کارخانه را در دست گرفته و خواهان معط کار خود که تنها منبع درآمدشان است، شدند. پس از چند روز پلیس کارخانه را محاصره کرده و آنرا تحت کنترل خود درآورد. در این رابطه، مرکز سندیکاشسی UITA (انجمنه سن المللی کارگران مواد غذایی و محصولات مربوطه) که مقر آن در زتو است، به مدیران کارخانه کوکا کولا شکایت میکند ولی مدیران کوکا کولا اعلام میکنند که کارخانه گواتمالا مستقل بوده و در نتیجه مسئولیت تعطیل شدن آن را کوکا کولا نمیباشد.



اعتراض مردم ایرلند علیه سفر ریگان

حورت میگیرند. در زتو موافقتنامه ای را به تصویب میرسانند. فعلا مدیران کوکا کولا از هرگونه مذاکره ای با نمایندگان اتحادیه های کارگری گواتمالا سر باز میزدند. قابل تذکر است که به منظور همسنگی با کارگران کوکا کولای گواتمالا، اتحادیه های کارگری کوکا کولای کشورهای سوئد، نروژ، مکزیک و... نیز وارد اعتصاب شدند و مده زیادی از مصرف کنندگان کشورهای آمریکائی و اروپائی نیز خرید کوکا کولا را تحریم نمودند.

کلمبیا

در روز ۱۶ ماه مه درگیری شدیدی میان ارتش و پلیس با یک سو و دانشجویان دانشگاه ملی بوگاتا از سوی دیگر صورت گرفت که در اثر آن ۲۳ نفر از افراد ارتش و پلیس و ۱۶ نفر از دانشجویان مجروح شدند. در این درگیری بخشی از دانشجویان نیز ملحق بودند.

بولیوی

کارمندان بانک در بولیوی برای یک اعتصاب ۴۸ ساعته در روز ۲۴ ماه میبه فراخوان دادند. این اعتصاب در حمایت از ۶۰۰ کارمند بانک که از ۱۸ مه به اعتصاب غذا سر میبردند، انجام گرفت. هدف این اعتصاب اعتراض به مداخله پلیس برای درهم شکستن اعتصاب کارمندان بانک مرکزی که از یک ماه پیش شروع شده بود.

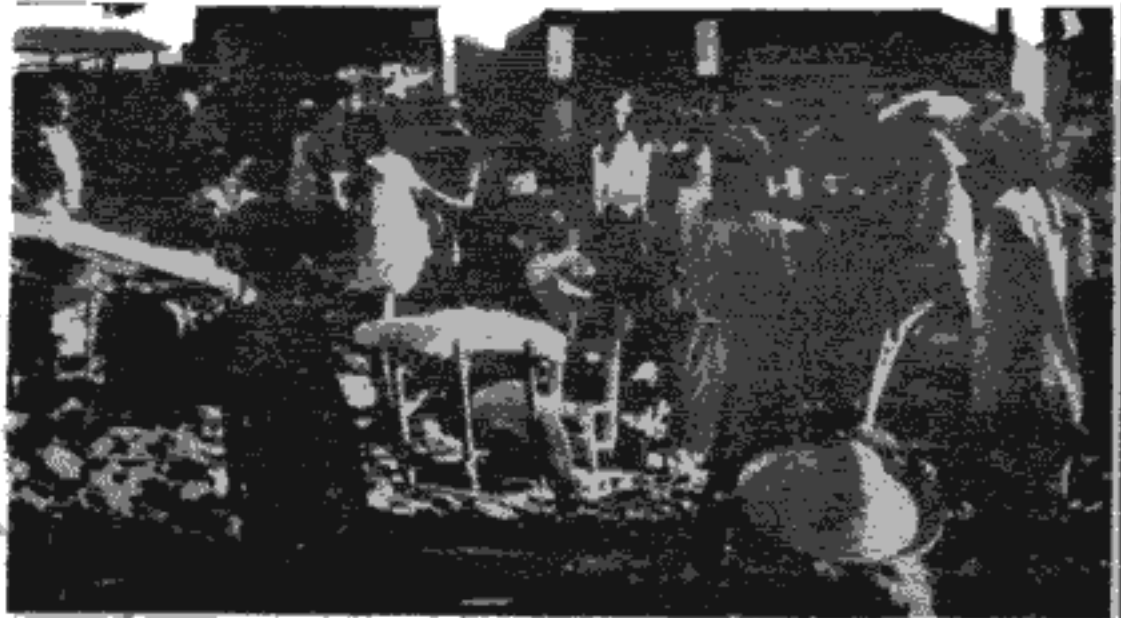
UITA برای تحت فشار قرار دادن کوکا کولا از کلبه اعضای خود در سراسر جهان میخواهد که محصولات کوکا کولا را تحریم کنند. بدنیال این خبر، این مسئله انعکاس جهانی بخود گرفت و اکثر اتحادیه های کارگری مهسان نیز از آن دفاع بر میخیزند. بالاخره بعد از مبارزات پیگیر، کارگران به خواسته های خود یعنی مافی ماسدن بر سر کارهایشان و داشتن اتحادیه کارگری دست می یابند. کارگران گواتمالائی که به مدت سه ساله کارخانه را به اشغال خود درآورده بودند، در تاریخ ۲۷ ماه می، یعنی بعد از ۲ روز بحث و گفتگو که در سن حوزه کوستاریکو و با شرکت نماینده کوکا کولا و نماینده UITA



اشغال کارخانه کوکا کولا توسط کارگران گواتمالائی

وضعیت اسفبار زندانیان در تایلند:

گزارشی از یکایرانی زندانی در تایلند



تظاهرات کسرده مردم هائیتی بعد از کشته شدن رئیس با رفاکار توسط پلیس

"در زندان در صورت مرتکب هرگونه خلافی به پا زنجیری میبندند که بعضی از اشخاص این پاینده را تا مدت چند سال به پا دارند و میتوانند تصور کنید با این پاینده فلزی هر روز حمام کردن چه بر انسان میآورد. و اکثر غارچیان که از زندان آراه میشوند، دارای علامات مشخصه پاینده هستند. چون این زخمها و زخمهای دیگر پوستی بعلت آب آلوده و نداشتن بهداشت و درمان میباشد. برای تمام مدت عمر در بدن باقی میماند. در صورت نداشتن پول از تعبیه پنکه در اطاق خودداری میکنند (چون این کشور بسیار گرم و رطوبتی میباشد) و پنکه یکی از ضروریات زندگی در اینجا است و همچنین دادگاهها به مبالغ هنگفتی که از طریق جرمینها به عنوان مختلف دریافت میکنند، دلخوش هستند.

در مورد زندان امیگریشن که خود من هم یکی از زندانیان آنجا هستم، با توجه به اینکه فقط جرمهای زندانیان اینجا نداشتن ویزا و یا کم کردن پاسپورت است، نه جرمهای جنایی، در این زندان به هیچ وجه حق استفاده از نور خورشید به زندانیان داده نمیشود و همچنین هوای تازه. در مورد غذا دو وعده در روز پرنج نپخته و آتش - کثیف که بهیچ وجه تمام غذای بشر به آن نمیتوان اطلاق کرد.

غارچیان زندانی در اینجا بعلت نداشتن مثلا ۶ ماه ویزا به ۸۰۰۰ دلار آمریکا جریمه محکوم میشوند (حدود ۴۰۰ دلار آمریکا) و در صورت نپرداختن جریمه باید در آزادی روزی ۲۰ ساعت در زندان بمانند یعنی ۴۰۰ روز بدون نور خورشید و هوای تازه و مکفی نبودن غذا.

و حتی مردمی در اینجا بعلت نداشتن جورت و یا کم کردن و متکلفان در کشور، یعنی عدم تماس با سفارتخانههای مربوطه به مدتهای ۲ سال و ۵ سال و بغاطر نداشتن بلیط هواپیما به مقصد کشور دیگر چند سال باید در این جهنم واقعی بمانند. حال میتوانید تصور کنید در این اطاقهای در بسته که همه زندانیان به اکزیم و بیماری های پوستی دچارند، چه میگردد!!!

عبر این واقعه با وجود مابینور تشبیه مطبوعات از جانب رژیم، به سایر نقاط کشور اشاعه یافت و در روز ۲۹ ماه مه در پایتخت هائیتی ۱۵ تن از مردم در مقابل یک انبار مواد غذایی تجمع کردند و شعارهایی بر علیه دولت دادند.

افریقا

سودان

کشور سودان که این روزها دچار بحران شغلی است، فوآئین ارتجایی مشابهی را همانند رژیم جمهوری اسلامی نیز داخل کشور به اجرا درمیآورد. در روز ۱۲ ماه مه یکی از دادگاههای اضطراری خرطوم حکم قطع دست راست و پای چپ دو نفر را که به جرم دزدی متهم شده بودند، صادر کرد. جرم این دو نفر این بود که از یک نفر به زور پولی معادل ۱۵ دلار گرفته بودند. دادگاههای اضطراری پس از اعلام حکومت نظامی تشکیل شده اند و در عرض دو هفته ۲ نفر را به قطع دست و پا محکوم کردند.

سودان

اخیرا صندوق بین المللی پول مبلغی اضطراری بدولت سودان کمک کرده است. بنگاههای مالی امپریالیستی (صندوق جهانی پول، بانک جهانی و صندوقهای متعلقه آنها) تصمیم گرفته اند برای نجات سودان از بحران اقتصادی و سیاسی بدولت وام بدهند. دولت سودان سالانه ۸۰۰ میلیون دلار فقط بعنوان بهره و وامهای دریافتی خود پرداخت میکند. طبق ارزیابی بانک جهانی، دولت سودان در بهترین حالت به ۱۰ میلیارد دلار نیاز دارد تا بتواند قروض خود را که بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار است، بپردازد.

هائیتی

در اعتراضات توده ای که بعلت گسرتن فقر و گرسنگی در ۶ شهر هائیتی در اواسط ماه ژوئن انجام گرفت، ۵۲ تن از مردم بی گناه بر اثر حملات وحشیانه پلیس فاشیست این کشور جان خود را از دست دادند. این اعتراضات که از روز ۲۸ ماه مه بطور خودبخودی در شهر گوناور (Gonaives) بعد از کشته شدن یک زن باردار توسط پلیس، آغاز گردید، رژیم دیکتاتوری دووالیر - (Duvalier) که بیش از ۲۷ سال از جانب امپریالیسم آمریکا حمایت میشود را به وحشت انداخته است. بنا بر گزارش یک روزنامه نوپس هائیتی، واقعه ای که در "گوناور" شهری که در حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد و یکی از فقیرترین شهرهای هائیتی میباشد، نمونه مقاومت و حاکم توده ای در این کشور میباشد. این مقاومت بدین ترتیب آغاز گردید که پلیس بدون حکم بازداشت برای دستگیری مردی وارد خانه اش میشود تا او را دستگیر کند. زن این مرد در حالیکه از همسایگان تقاضای کمک میکرد، مورد حمله وحشیانه پلیس قرار گرفته و دردم جان میدهد. بلافاصله بعد از این واقعه، مردم غمشگین به خیابانها ریخته و بطرف خانه پلیس مزبور میروند و خسارات فراوانی را به خانه پلیس وارد میسازند، بخشی دیگر از مردم به یادگان نظامی این شهر حمله میکنند. تظاهرات در حالیکه تا روز بعد ادامه داشت و میرفت که ابعاد گسترده ای - بخود گیرد، در اثر مداخله ارتش و سرکوبی وحشیانه رژیم تا اندازه ای خوابید. با این حال مردم به تظاهرات موضعی پرداختند و شعار "مرگ بر گرسنگی"، "مرگ بر بدبختی و نکبت" و "مرگ بر دووالیر" را میدادند.

در حاشیه انتخابات اخیر فیلیپین



یکی از مهاجران و مردی که با سنگ و بمب خانگی در "تاووتاس" در مقابل پلیس ضد شورش مقاومت میکنند.

پس از کشته شدن بنیگنو آکینو، رهبر مخالفان مارکوس در فرودگاه مانیل، یک سری تظاهرات وسیع توده‌ای در سراسر فیلیپین بر علیه حکومت مارکوس بوقوع پیوست که در این تظاهرات چند صد نفر زخمی و با دستگیر شدند. اما پس از آن حادثه، هزار چندگانه‌ای در گوشه و کنار شهر مانیل گروه‌های روشنفکر و دانشجویان با برگزاری تظاهرات خواهان عدالت اجتماعی، دستگیری قاتلین آکینو، آزادی زندانیان سیاسی و بیرون رفتن آمریکایی‌ها و تعطیل پایگاه‌ها شدند. اما از طرف دیگر مردم چشم‌پراه انتخابات پارلمانی بودند تا لاقلاً بتوانند نماینده‌های خود را به مجلس بفرستند.

چند هفته قبل از انتخابات تظاهراتی از طرف مخالفین مارکوس برقرار شد و مردم همگی با شعار "مرگ بر مارکوس"، خواهان برکناری او از ریاست جمهوری شدند. یکی دو روز به انتخابات باقی مانده بود که تظاهرات شکل تازه‌ای بخود گرفت و مردم با نریادهای "مرگ بر دیکتاتور"، یکپارچگی خود را اعلام کردند. اگرچه دولت قبیل از انتخابات دستور اسفالت کسب کردن خیابانهای شهر، ایجاد مدرسه و پارک و خلاصه چندین اقدام نمایی و فرمایشی نظیر زمان شاه داده بود، اما این نمایشات نتوانست خلی در همبستگی مردم وارد آورد. در روز ۱۴ ماه مه، صندوقهای رای پر از آراء مردم شد، اگرچه بیشتر مردم به کاندیداهای مخالف مارکوس رای داده بودند، ممهذاً بواسطه دخالت دولت در امر انتخابات و تقلب در آراء عمومی، برخلاف رای مردم در چندین شهر، کاندیدهای

طرفدار دولت بیشترین آراء را "تعاصب" کردند.

در روز انتخابات در چندین شهر، صندوق‌های رای بوسیله اعضا ارتش جدید خلق (N.P.A.) ربوده شد و چریکها طی چند حمله به پایگاههای مختلف توانستند مقدار زیادی اسلحه و مهمات محاربه کشند.

با این وجود دولت به دروغگویی خود در رسانه‌های خبری ادامه داد. با اطمینان میتوان گفت که تمام خیابانهای شهر از شعار "زنده باد ارتش جدید خلق"، "مرگ بر مارکوس" و یا "رای ندهید" پر شده بود. این اعتراضات در زمانی بوقوع میبویند که فیلیپین با بحران اقتصادی شدیدی روبرو است و سفرهای سزار ویراتا، نخست‌وزیر به واشنگتن و ملاقات با با تکهای مختلف و اعطای IMF برای گرفتن وام جدیدی بمبلغ ۶۵۰ میلیون دلار، ادامه دارد. هنوز چند روز از انتخابات نگذشته که دولت قیمت بنزین

را افزایش داده و بدنبال آن قیمت تمام کالاها افزایش یافته است. بخاطر بحران اقتصادی که فیلیپین با آن روبروست، ارسال سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور خیلی ناچیز بوده است و دولت با کمبود دلار روبروست. قیمت اجناس با سرعت سرسام‌آوری بالا می‌رود و حتی اجناسی نظیر بودر شیر، مایون و شکر که فیلیپین یکی از تولید کنندگان آن در بازار جهانی است، در بسیاری از سوپر مارکتها موجود نیست.

دولت در برابر فشار مردم و اعتراضات آنها، پاسخشان را با گلوله میدهد و ارتش از یک هفته قبل از انتخابات تاکنون حدود ۱۶۳ نفر بعنوان همکاری با ارتش جدید خلق و وابستگی آنها به کمونیستها، به گلوله زده است. در تظاهرات روز ۲۱ ماه مه مردم شهر سبو که بیشتر از دهقانان، دانشجویان و کارگران کارخانجات تشکیل شده بود، به نفر کشته و تعداد زیادی زخمی شدند. رهبران این تظاهرات دستگیر و به جاهای نامعلومی فرستاده شدند. اما مردم تا پاسی از شب با آجر و ککتلمولوتف با پلیس مارکوس گلاویز بودند و از خشم چراغهای شهر را شکسته و میله‌های آهنی خیابانها را کج کردند.

امیرالبحر آمریکا نیز همچنان از مارکوس حمایت میکند و گناه را همیشه به گردن مخالفین مخصوصاً ارتش جدید خلق که بزرگترین گروه کمونیستی است، میگذارد. اما اینکه دیکتاتور تا کی میتواند در فیلیپین دوام بیاورد، شوالی است که توده‌های فیلیپینی باید با مبارزات متشکل و متحد خود به آن پاسخ گویند. ■



سیمی از چریکهای ارتش جدید خلق در میندا ناو

تحلیلی از کمیته مرکزی

"جبهه خلق برای آزادی فلسطین"



مقاومت نیروهای انقلابی در بیروت - تابستان ۱۹۸۲

(۱)

توضیح: مقاله‌ای که در زیر میخوانید، ترجمه‌ای است از جدیدترین نظرات کمیته مرکزی "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" (PFLP). بخاطر اهمیت مطالب این مقاله، که توسط عده‌ای از رفقای هوادار در بلژیک از متن فرانسوی ترجمه شده است، عیناً در "جهان درج میگردد. لازم به یادآوری است که درج این نوشته در "جهان"، لزوماً به معنی تأیید تمامی تحلیل‌ها و مواضع مندرج در آن نمی‌باشد. بویژه در رابطه با موضع PFLP منشی بر اینکه "جنگ عراق بر علیه انقلاب ایران باعث بهم خوردن توازن قوا در منطقه گردید"، لازم است توضیح دهیم که سیاست‌های جنگ افروزان و پیمان - اسلامی رژیم جمهوری اسلامی پس از عمده‌ترین عوامل ادامه جنگ خاندان ساز ایران و عراق بوده است. از این - ضمن انتقاد از این موضع PFLP، معتقدیم که سردمداران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نه نماینده انقلاب ایران، بلکه نمایندگان فدا انقلاب حاکم هستند و وظیفه هر نیروی انقلابی در جهان، موضع گیری بر علیه آنهاست.

بخاطر طولانی بودن این مقاله به ناچار آنرا در سه بخش متوالی در "جهان" درج - میکنیم. فهرست مطالبی که در این مقاله پیرامون آنها بحث خواهد شد، عبارتند از:

- مقدمه
- آثار نعره‌ها و پیش‌بینی‌های مربوط به آن
- تصمیمات مربوط به آتش‌بس و مذاکرات
- مواضع خلق ما در فلسطین اشغال شده
- مواضع جبهه خلق برای آزادی فلسطین در هنگام جنگ
- جنبش ملی لبنان: موضع و نقش آن در سیرده
- مواضع و نقش حکومت ارتعاشی لبنان و حزب فالاتیونست‌ها
- موضع رسمی اعراب هنگام جنگ لبنان
- جبهه پایداری و امتناع
- جنبش آزادیبخش ملی عرب
- درسهای سیاسی و نظامی جنگ
- مخالفت و تماد در صفوف تشکیلات نظامی

مقدمه

نبردی که ۴ ژوئن ۱۹۸۲ از قلمبه "تکیه" تا بیروت با حمله وسیع نیروهای صهیونیستی بر علیه مواضع انقلاب شروع شد، بسیار سخت و دشوار بود. دشمن بخشش عظیمی از نیروهای نظامی خود را اعم از زمینی، دریایی و هوایی همراه با سلاحهای مدرن ساخت صنایع جنگی امپریالیسم آمریکا بکار گرفت که خیلی از این سلاحها بسیاری اولین بار استفاده می‌شدند. با اینحال علیرغم استفاده وسیع از این نوع سلاحها، نبردی بسیار شدید بمدت ۳ ماه و بشکلی مداوم، درگرفت. این نبرد، چه از نظر وسعت و چه از نظر مدت زمانی، از آن حدی که دشمنان و دوستان ما پیش‌بینی کرده بودند، فراتر رفت. این نبرد، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، جای ویژه -

ای را بخود اختصاص داد. از جمله جلسات متعدد (۲ بار) سازمان ملل، شورای امنیت و کشورهای غیرمشهد و علاوه بر اینها، شامهای فراوان و جلسات مختلف دیگر که در این مورد برگزار گردید. این نبردها باعث گردید تا تظاهرات شده‌ای در اکثر کشورهای بر علیه اشغال و کشتار وحشیانه دشمن صهیونیستی در لبنان و اجرای حمایت از مقاومت قهرمانانه ملی صورت گیرد. خصوصاً حرکت شده‌ای سازماندهی شده بوسیله "جنبش برای صلح فوری" در قلب خلیج آویو که بیش از ۱۰۰ هزار نفر در آن شرکت کردند. این حرکت بخوبی تفادها و تشنجهای درونی کلیت صهیونیستی را منعکس کرد از این نظر که تهاجم توسعه طلبانه آنها در لبنان، باعث از دست دادن بمب‌ساری از نیروهایشان گردید. آن چیزی را که باید به آن اشاره کرد این است که اگر مقاومت قهرمانانه خلقهای فلسطین و لبنان و مقاومت قهرمانانه نیروهای مشترک در مقابل نیروهای اشغالگر نبود، هیچکدام از این جلسات و مذاکرات و حرکتها صورت نمیگرفت.

اینها همه با وجود یک نابرابری چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت بین نیروهای دشمن و نیروهای انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان انجام گرفت. در واقع این مقاومت قهرمانانه در شرایط نابرابر بود که اهمیت نیرویمان را در سطح جهانی افزایش داد. زیرا افکار عمومی جهان عادت داشت که طی مدت بیش از ۳۰ سال جنگ اعراب و صهیونیسم و نبردهای بین آنها، همیشه شکست اعراب و پیروزی و -

تثبیت برتری دولت صهیونیستی و افسانه غیرقابل شکست آن را مشاهده نماید. این نظریه بر برتری تکنولوژی ماشین نظامی صهیونیستها منتهی بود. دشمن در این جهت تا جایی پیش رفت که مدعی کسب پنجمین مقام نظامی در جهان، بعد از اتحاد شوروی، آمریکا، فرانسه، انگلستان و چین شد.

بدون شک حملات امپریالیستی - صهیونیستی برای از بین بردن انقلاب فلسطین چیز جدیدی نیست ولی این آخرین نسبت به حملات گذشته بسیار مهم بوده است. از طرفی دیگر این تهاجم در شرایط مساعد برای آنها بوقوع پیوست و در همه جا اشغال صهیونیستها عوامل اولیه و ثانویه را تقویت نمود تا موقعیت این طرح نبردی رسیدن به اهداف تضمین گردد. این تهاجم مصادف با بالا رفتن شاجات امپریالیسم آمریکا و روی کار آمدن ریگان، بمنشوان نماینده انحسارات نظامی بود. این گرایش در سطوح مختلف چه در افزایش تشنج بین - المللی در رابطه با نصب موشکهای اتمی در اروپا و تولید بمب نوترونیو همچنین در دست گرفتن سیاست "Zero Option" در مقابل پیشنهادات مسالمت آمیز شوروی و با گرفتن مواضع خشن در مقابل جنبش‌های آزادیبخش ملی، خود را نمایان کرد.

همینطور ریگان در دفعات متعدد اعلام کرد که سیاست آمریکا، سیاست تسخیر مطلق امپریالیسم و اردوگاه غرب از نظر برتری نظامی نسبت به اتحاد شوروی و از - بین بردن تمامی نیروهای فدا امپریالیست و بخصوص جنبش‌های آزادیبخش ملی، که برای

استقلال و استحکام موقعیت خود و پیشرفت اقتصاد ملی مبارزه میکنند، می‌باشد. در همین زمان امپریالیسم برای پایان دادن به روند شکست خود که ناشی از مبارزات پیروزمند خلقها بوده است، مناطقی حساس را برای مقابله با هدف پیروزی در نظر میگرفت. امپریالیسم میدانست که مناطق عربی بهترین مکان برای اینگونه مقابله‌ها است و برای بازسازی منطقه و تنگ کردن حلقه فشار و همچنین تضمین مناقش برای سالهای متعادی در این منطقه، اول باید به نیروها شیکه مخالف سیاست و منافع او هستند، ضربه وارد کند. بحران اقتصادی نیز که زائیده سیستم کاپیتالیستی است، این جهت‌گیری را عمیق‌تر کرده و همچنین وجود نیروهای محلی که منافعی با منافع امپریالیسم گره خورده است و مأمور اجرای طرحهای مشترک هستند، این جهت‌گیری را مساعدتر کردند.

این نیروها در وهله اول کلبنت صهیونیسم و در وهله دوم رژیمهای ارتجاعی عرب میباشند. کما ملا روشن است که دلایل کاوشهای امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاعی برای طرح ریزی این جنگ بسیار زیاد میباشد. طرح امپریالیستی - صهیونیستی - ارتجاعی که خواهان تسلط سیاسی - اقتصادی - نظامی امپریالیسم بر تمامی مناطق عربی میباشد با قرارداد "کمپ دیوید" و امضای آن از طرف مصر به تحقق نپیوست زیرا وسعت بخشیدن به این طرح با یک مانع اساسی برخورد نمود. علیرغم کوششهای انجام شده، در حد توافق با مصر محدود ماند. مقاومت متحد مردم لبنان، فلسطین و سوریه و به شکست کشاندن طرح خودگردانی اداری از طرف شوندههای فلسطین در سرزمینهای اشغال شده و مقاومت در مقابل فشار امپریالیسم که خواهان گسترده کردن طرح "کمپ دیوید" تا جبهه شرق بود، مانعی شد در مقابل پیروزی امپریالیسم و مخصوصاً در مقابل طرح مربوط به جبهه شرق. ولی علیرغم مشکلاتی که این طرح با آن برخورد کرد، موفقیت‌هایی هم به همراه داشته است.

اول: امپریالیسم حمایت سیاسی - اقتصادی - نظامی خود را از صهیونیستها افزایش داده و قرارداد همکاری استراتژیک با آنها امضا کرده است.

دوم: امپریالیسم مواضع نیروهای ارتجاعی منطقه را نیز محکم کرده است.

سوم: امپریالیسم حمایت خود را از نیروهای ارتجاعی سوریه بالا برد و با این

هدف که از دولت سوریه امتیازاتی سیاسی در رابطه با جنگ غاوریانه، بخصوص لبنان بگیرد، فعالیت‌های مخالف‌آمیز آنها را نسبت به حکومت سوریه شدت بخشید. ولی این اقدامات با شکست مواجه شدند.

چهارم: امپریالیسم بدنبال آماده کردن شرایطی بود تا ضربه بزرگی به انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان وارد آورد. - نبرد ۱۹۸۰ نیز یک شروع کاملاً روشن در جهت اجرای این طرحها بود و علاوه بر این بدنبال این نبرد، حرکت‌هایی از سوی حکومت لبنان با حمایت ارتجاع عرب برای فشار وارد آوردن بر روی نیروهای مقاومت و مجبور کردن آنها به دادن امتیازاتی، آغاز گردید.



فلانژینها از سلاحهای سنگین امریکائی استفاده میکنند

- تبعیت کامل رژیمهای ارتجاعی عرب از سیاست امپریالیسم آمریکا و اهداف آن در منطقه و اینکه رژیمهای یاد شده ابزار دست امپریالیسم آمریکا برای اجرایی طرحهایش میباشند.

- جنگ عراق بر علیه انقلاب ایران که باعث بهم خوردن توازن قوا در منطقه و اینگونه عراق و ایران ظرفیت و پتانسیل خود را بجای مبارزه با دشمن صهیونیستی، در جنگ با یکدیگر صرف میکنند.

- ضعف شدید جبهه بیداری و خاتخوانی آن در رسیدن به سطحی موثر، بطوریکه بتواند قطبی ملی در مقابل قطب ارتجاعی منطقه تشکیل دهد.

ضعف شدید و از هم گسیختگی جنبش‌ها از دیدبخش ملی عرب

در لبنان، تهاجم امپریالیستی - صهیونیستی موفقی انجام گرفت که اتحاد فلسطین - لبنان - سوریه در حدی نبود که بتواند هماهنگ‌کننده طرفین در مقابل مسائل اساسی در لبنان و همچنین آماده کردن آنها در مقابل تهاجمی که انتظار آن میرفت، باشد. از سوی دیگر این تهاجم زمانی بوقوع پیوست که یک نوع بی حرکتی و افسردگی در نزد توده‌ها مشاهده میشد. این افتهم عمیقاً نتیجه افزایش یک نوع بی عملی نسبت به توده‌ها بود. چیزی که آنها را به مواضع منفی در رابطه با تشکیلشان حول اتحاد ملی (لبنان - فلسطین - سوریه) و بخصوص حول انقلاب فلسطین کشاند. از طرف دیگر در حالیکه نیروهای جدایی طلب شواشتند تهاذهای خود را با استفاده از شیوه‌های خشن فاشیستی به نفع رهبریت و سلطه تک حزبی حل کنند و بختهای

پنجم: دولت آمریکا بعد از تماسهای مکرر با بشیر جمایل موفق شد اختلافات بین حکومت ارتجاعی لبنان و نیروهای جدایی طلب به رهبری حزب کثاب را حل نماید و این اقدام برای هماهنگ کردن و عملی کردن این طرح انجام میگرفت. همچنین از طرف دشمنان حرکاتی در جهت استحکام بخشیدن به نیروهای اسلامی سنتی و بهبود روابطشان با آنها و متخسف کردن وظایفشان، آغاز گردید.

این اقدامات در مجموع با بالا رفتن امکانات امنیتی دشمن در مناطق ملّی، همراه بودند. در همان مناطقی که قبلاً یک موج ترور و انفجار، امنیت آنها را تهدید میکرد. در سطح نیروهای غرب تهاجم امپریالیستی صهیونیستی در زمانی بوقوع پیوست که افضی شدید در سطح رسمی و همچنین در سطح توده‌ای حاکم بود. این افت را میتوان نتیجه عوامل زیر دانست:

- نتایج "کمپ دیوید" و اشارات منفی آن بر روی اعراب و ظرفیت برخورد آنها با دشمن صهیونیستی.



منطقه‌ای بوجود آورند، (البته این تقسیم‌بندی‌ها با حاکمیت دولت و حفظ مشروعیت اداره‌های آن، به گفته خودشان در تضاد بود) و توانستند با اصطلاح نوعی شیسات و امنیت در مناطق تحت کنترلشان بوجه آوردند، متأسفانه جنبش ملی لبنان نتوانست بنویسه خود، امور مناطق ملی را سرو سامان بخشد. یکی از دلایل این عدم موفقیت این بود که جنبش ملی لبنان می‌ترسید که مبادا اقدامات اداره مناطق ملی با اقدامات جدائی طلبان یکسان گردد و این سیاست بعنوان یک جهت‌گیری جدائی طلبانه قلمداد شود. دلیل اساسی دیگر نیز ضعف هماهنگی بین اعضا پیمان ملی لبنان - سوریه - فلسطین و حمایت نکردن دو عضو دیگر از جنبش ملی لبنان در تنظیم امور مناطق ملی بود. و حتی در بعضی موارد آنها مانع اجرای تصمیمات و اقدامات اجتماعی و امنیتی جنبش ملی لبنان نیز می‌شدند. در چنین شرایط کلی (از نظر بین‌المللی، اعراب و منطقه‌ای) بود که اشغال امپریالیستی - صهیونیستی سرزمین لبنان بوقوع پیوست.

آغاز تعرضات و پیش‌بینی‌های مربوط به آن

قبل از ۶ ژوئن ۱۹۸۲ روز آغاز تعرضات، مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان در تحلیل‌های سیاسی خود به این مطلب که دشمن صهیونیستی در حال تدارک حمله نظامی بر علیه آنهاست، اشارة می‌کردند. علیرغم اخباری که از منابع مختلف مبنی بر تصرف جنوب لبنان و کوهستان و محاصره بیروت به جنبش مقاومت فلسطین می‌رسید رهبریت مشترک فلسطین - لبنان این خبرها را جدی نمی‌گرفت زیرا تصور می‌کرد که در نهایت دشمن تنها جمعی محدود خود را در برخی مناطق ادامه خواهد داد و اگر هم دست به تصرف بزند از منطقه "زهرانی" Zahranl با حداکثر از شهر "میدا" فراتر نخواهد رفت. چنین پیش‌بینی‌هایی منحصر به اتحاد فلسطین - لبنان نبود، بلکه محافل عرب و بین‌المللی نیز براین عقیده بودند. بدین ترتیب تا قبل از آغاز تعرضات، پیش‌بینی‌ها محدود به چگونگی تغییر نتایج این تهاجم میشد. بهمین دلیل شکی که بخاطر پیشروی دشمن بوجود آمد و بسیار قوی بود، باعث شد که برای پاسخ دادن به تهاجم دشمن وقفه ایجاد شود که از نظر سیاسی و نظامی اثری منفی داشت. همچنین عوامل زیر را نباید از نظر دور داشت:

از نظر سیاسی و از لحاظ دیگر، توازن قوا به نفع نیروهای دشمن بود و او ظرفیت اجرای حداکثر اهدافش را داشت. از سوی دیگر، اگر رهبریت انقلاب، یاف و دیگر سازمانها دیدی صحیح از وسعت تهاجم داشتند و اگر احتمال اینها میدادند که دشمن تا چه حد خواهان تخلیه آنها از خاک لبنان میباشد و با در نظر گرفتن تمام این احتمالات، اگر تمام اقدامات سیاسی و نظامی، تشکیلاتی و خبری خود را بسیج می‌کردند، این همه خدمات را متحمل نمیشدیم. دلایل این اشتباه سیاسی را که انقلاب دچارش گردید، میتوان بوسیله چند عامل توضیح داد:

۱- پریها دادن به شوان نیروی فلسطین و جنبش ملی لبنان از نظر سیاسی و نظامی و کم بهادادن به میزان سفاکی دشمن و به اراده‌اش مبنی بر تخلیه انقلاب فلسطین بهر قیمت از لبنان. بدین ترتیب در محافل فلسطینی میگفتند که دشمن قادر به تحمل بهائی که باید برای جان این همه انسان بپردازد، نخواهد بود و ترجیح میدهد که جنگی طولانی درپیش‌گیرد و احتمالاً جنگی که به مناطق دیگر نیز کشیده شود.

۲- رهبریت انقلاب به مسیر جدیدی که سیاست دولت ریگان درپیش‌گرفته بود، یعنی شدید بحران بین‌المللی، شریع سابقه تسلیم‌گاشی، لطمه زدن به جنبش‌های آزادی‌بخش ملی، سیاست توسطه ظلمی یا هدف استقرار سلطه امپریالیسم آمریکا در دنیای عرب یا همراهی کامل دشمن صهیونیستی و

همکاری کامل ارتجاع عرب، آگواه نبود. در این سطح جنبه خلق برای آزادی فلسطین جزو سازمان‌هایش است که از وسعت تهاجم و آنچه که بعداً بوقوع پیوست، ارزیابی صحیحی نداشت. جنبه خلق برای آزادی فلسطین با تمام آگاهیش بر اینکه نیروهای اردوگاه دشمن امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاع عرب تکمیل یکدیگرند و طرح و هدفشان یکی است (از بین بردن انقلاب فلسطین در لبنان) اشتباها، چنین ارزیابی می‌کرد که اجرای این طرح به ارتش ارتجاعی لبنان که در حال متشکل شدن بود و از حمایت نیروهای جدائی طلب لبنان برخوردار بود، واگذار خواهد شد. قبول این اشتباه به هیچ وجه از مسئولیتی که ارتش ارتجاعی لبنان در چهارچوب از بین بردن انقلاب فلسطین و نیروهای ملی لبنان بعهده داشت، نمی‌کاهد. نقشی که این ارتش از فرمای محاصره بیروت (با واداشتها - اختناق، تعقیب‌ها، محروم کردن فلسطینی‌ها از حق کار کردن و فعالیت سیاسی و غیره) ایفا نمود، کاملاً نمایانگر این واقعیت است.

این نبرد نشان داد که چگونه تشکیلات نظامی فاشیستی لبنان و نیروهای فلسطینی یکی نقش دیگری را برای رسیدن به اهداف مشترکشان، بعهده میگرفت:

۱- وارد آوردن ضربه‌ای کشنده به انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان بطوری که دیگر نتوانند تهدیدی جدی از نظر سیاسی، نظامی در راه طرح‌های امپریالیستی -

صهیونیستی - ارتجاعی منطقه بوجود آورند،
۲- تضعیف سوریه و وادار کردنش به ترک لبنان ،

۳- به روی کار آوردن یک حکومت مرکزی ارتجاعی در لبنان و امضا پیمان صلح بر اساس تصمیمات کمپ دیوید با تسریع روند کاپیتولاسیون در لبنان .

واضح است که لازمه رسیدن به این سه هدف ، اجرای یکسری اقدامات دیگر است که به دشمن امپریالیستی - صهیونیستی امکان تسلط بر تمامی منطقه عرب و لطمه زدن به تمام سازمانهای ملی جنبش آزادیبخش ملی را میدهد . همچنین بوقوع پیوستن این اهداف ، یکی دیگر از اهداف دائمی پایگاه دشمن را ، یعنی ضربه زدن به روابط دوستی و همبستگی بین خلقهای منطقه و اتحاد جماهیر شوروی و کلیه کشورهای سوسیالیستی را ممکن میسازد .

تصمیمات مربوط به

آتش بس و مذاکرات

پس از دیدارها و تصمیمات اتخاذ شده در شورای امنیت ، اولین موافقت نامه - آتش بس توسط فیلیپ حبیب و حکومت لبنان در تاریخ ۸۲/۶/۱۳ به امضا رسید . در این تاریخ ، با وساطت نخست وزیر لبنان ، مذاکراتی دشوار ، پیچیده و طولانی بین رهبریت انقلاب و دشمن امپریالیستی - صهیونیستی شروع شد . از همان آغاز روشن بود که این برنامه در حالی جریان داشت که توازن قوا به نفع دشمن صهیونیستی بود . مذاکرات در مورد تداوم انقلاب در تمام انگلش میبود و هدف اصلی دشمن صهیونیستی

امپریالیستی - ارتجاعی ، متلاشی کردن مقاومت فلسطین و حداقل خواست دشمن ، درهم کوبیدن تاجمان مقاومت فلسطین و خروجش از بیروت بود .

رهبریت انقلاب در همان حال که درگیر مذاکرات بود ، حداکثر استقامت سیاسی و نظامی را برای به ثبوت کشاندن تهاجمات دشمن در هنگام محاصره غرب بیروت ، انجام داد . بطور مثال از نظر نظامی : کشیدن خندق ، سنگریزی ، مین گذاری و غیره و همچنین مقاومتی قهرمانانه در برابر تهاجمات نیروهای دشمن و اقداماتش در جهت پیشروی .

در این مورد ، بنظر ما نشان دادن عقاید و طرحهای مطرح شده از سوی فیلیپ - حبیب لزومی ندارد . فقط باید به این مطلب اشاره نمود که فرستاده آمریکا در این مذاکرات یک واسطه نبود ، بلکه دائماً بکطرفه و در جهت اجرای اهداف دشمن ، یعنی امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع ، گام برای نابودی انقلاب نقشه میکشیدند ، پیش میرفت . علیرغم واقف بودن رهبریت (سابق) به نوع مأموریت ، نقش و اهداف فیلیپ - حبیب ، مذاکرات در حالی شروع شد که دشمن صهیونیستی - امپریالیستی و حکومت ارتجاعی لبنان حاضر به پذیرفتن هیچ میانجی دیگری نمیشدند .

در جریان این مذاکرات ، حقایق نیز مطرح گشتند که بدین فرارند :

۱- در همان حال که رهبریت انقلاب مقاومت و مبارزه نظامی را رهبری میکرد ، مبارزه مذاکراتی را نیز با قابلیت پیش میراند و تاکتیکش بطور کلی در این مذاکرات صحیح بود . مقاومت نظامی ، موضع

تاکتیکی رهبریت انقلاب را در جریان مذاکرات ، مستحکم میکرد .
۲- تداوم وحدت ملی فلسطین در تمام مدت جنگ و مذاکرات . بدین ترتیب رهبریت انقلاب توانست بطور کلی ، وحدت موضوع فلسطین را با رد پیشنهاد تسلیم و دیگر شرایط پیشنهاد شده از سوی دشمن حفظ کند .

۳- استحکام وحدت فلسطین - لبنان و پابرجا ماندن این وحدت در صحنه نبرد و در تمام مدت مذاکرات به این صورت که نیروهای ملی لبنان در جریان مذاکرات مواضعی میگرفتند که همبستگی خدشه ناپذیری با مواضع انقلاب فلسطین داشت . عالی ترین سطح این همبستگی زمانی بود که ولید جنبلاط دعوت به یک گردهمایی فوق العاده نمود . در این گردهمایی که تعدادی از مسئولین تشکیلات انقلاب فلسطین و نیروهای ملی لبنان برای مطالعه شرایط و تحولات موجود حضور داشتند ، رهبریت مشترک ، تصمیم خود را مبنی بر رد شرایط پیشنهاد شده از طرف فیلیپ حبیب و دفاع از بیروت بهر قیمت را گرفت .

۴- نزدیکی حکومت لبنان (به نمایندگی خط سرکیس - بوتروس) و جبهه لبنان در کنار دشمن ، در صحنه نبرد نظامی و در جریان مذاکرات .

۵- موضع رهبریت در طول مذاکرات بموازات تحولات عملیات نظامی تنظیم میشد .
۶- موضع اعراب به همان ترتیب که در فعالیت های نظامی تاثیر تداوست ، در جریان مذاکرات نیز نتوانست عامل موثری در جهت منافع رهبریت انقلاب باشد .
ادامه دارد

بقیه از صفحه ۲۴

انقلاب آقای رجوی

۱۳- همانجا ، ۸۲:۲۲	۲۷- همانجا ، ۱۶:۲ ، ۱۷:۸۵ ، ۲۰:۱۵ ، ۱۶:۱۰۲
۱۴- همانجا ، ۶۹ ، ۵۰ ، ۱۱:۲۵ ، ۵۹:۷	۲۸- همانجا ، ۲:۲۵۲
۱۵- همانجا ، ۲۷-۵۷:۲۶	۲۹- همانجا ، ۲:۹۷ ، ۲۸:۷۸ ، ۴:۷۰
۱۶- همانجا ، ۳:۱۳ ، ۱۸۵:۷	۳۰- همانجا ، ۱۸۲:۲۶ ، ۱۰۲:۱۶ ، ۱۷:۱۹ ، ۸۷:۲ ، ۱۱۹:۵
۱۷- همانجا ، ۸-۱۹۲ ، ۲-۱۹۱:۷	۳۱- احمد بن حنبل ، المستدر ، ۵ ص ۱۵-۲۱۲
۱۸- همانجا ، ۶۱:۹ ، ۲۳:۳۸ ، ۲۶:۲۱	۳۲- قرآن ، ۲۲:۲۲
۱۹- رجوی ، ج ۱ ، ص ۲۷	۳۳- همانجا ، ۸۵:۱۷ ، ۹-۵:۲۲
۲۰- همانجا ، ج ۲ ، ص ۲۶	۳۴- همانجا ، ج ۶ ، ص ۲۲
۲۱- رجوی ، ج ۲ ، ص ۲۵	۳۵- همانجا ، ج ۶ ، ص ۲۵
۲۲- همانجا ، ج ۲ ، ص ۲۸	۳۶- قرآن ، ۱۱۶:۲
۲۳- قرآن ، ۹-۵:۲۲	۳۷- رجوی ، ج ۲ ، ص ۲۲
۲۴- همانجا ، ۲:۲۸ و نیز ۲۵۸:۲ ، ۲۶۰:۲ ، ۱۱۶:۹ ، ۵۹:۲	۳۸- همانجا ، ج ۲ ، ص ۱۱
۲۵- همانجا ، ۲۹:۸ ، ۱۵:۲۲ ، ۷۲:۲۸	۳۹- قرآن ، ۳۲-۳۰:۲۱ ، ۱۲-۱۰:۲۱
۲۶- همانجا ، ۹۱:۲۱ ، ۱۲:۶۶	

چرا مجاهدین در امر بازگشایی سیته کاشکنی می کنند؟

اولین بار رسود (و آخرین بار هم نخواهد بود) که رهبران مجاهدین تلاش نمودند تا در مبارزه نیروهای که مستقلاً و عداوت و بیادبانه است به حرکتی راهگشا میگردانند. منقش همیشگی ترمزکننده خود را ایفا سازند.

روز جمعه ۱۶ آذر ۱۹۸۴ در جریان شخصی که از طرف کمیته هماهنگی دانشجویان ایرانی برای بازگشایی سیته تدا و گه بده شده بود اعلامیه ای تحت عنوان جراه در ضمن حرکت نموی کشیم با امضاء کمیته هماهنگی سابق به قصد اختلال در ضمن ارجاست مجاهدین و موطنین سقا هرجیب آنها پخش گردید. در این اعلامیه چشمگیر از فعالیتهای مداوم و پیگیر کمیته هماهنگی درگیر تخریب و واقعات، گشمان حقایق، استفاده از پرسشهای ناخیا نه تا بست کردن که از اراده عبوری درست از نظر مطالبین خودنا حرنه و نوجریه سفرات و قلب واقعات برای آنان به آیه مقدسی تبدیل گردیده است آسبا گلهای هم از شناخت درون کمیته سابق، شکلگیری اختلافات، جناحیهای درونی و انحلال آن بر زبان نمی آورند. زیرا میفرسند که مورد در ازشها راجع و توضیحات خود رسوا گردنند و بدینگونه فراهمی برای پی بودن به گه مطلب و حقایق را از طرفدارانش کذب میکنند. سببارتی دیگر برای آنجگه در کمیته سابق گشت از منطقه نظریاتی برای "اختلاف جوان" مجاهدین "شورائی" و پیاءکا رگرو عبیره که از همان ساقطه بست و انگرم گشته و مظلوم صرفه نیست. اما واقعت چیست؟

شکلگیری دانشجویی هواداران نیروهای انقلابی و مترقی که در ابتدا با قضاوتها همگی فعالیتهای خود در جهت بازگشایی سیته حرکت مشترکی را سازمان داده بودند عمده دستجات سلطنت طلب در روز ۱۲ آوریل ۸۴ ارتویت با حکومتی سابق تھا حم راد در کشور کار خود ترا دادند. (هواداران مجاهدین قسلاً اعلام داشته بودند که در گریختن و بگریختنند) ضرورت افشاکری سیاسی و مقابله با نفوذ مجدد این دستجات سیاه نشور و سرونی خود را با اعلامیه ای با امضاء کمیته هماهنگی دانشجویان مبارز در فراسه "ما بدینستد (مجاهدین ابتدا از امضاء این اعلامیه بدلیل آنکه به دولت در آنه و نیز به مدافعین سلطنت طلبان سرخوردند) گرفته شد. غانه حالی گردید اما بعد از تنظیم و تدوین آن برادران بر طرفی رو افقیات پذیرفته اند. ایس تریول رندم موافقت آنان را به تنگنا پونداحت نابلگه کمیته را از اهداف اصلی آن باز دارند. بر پیشبرده مقات خود سیاست تفرقه اندازی و تهمینه بخشی از نیروها (از جمله کوچه از راه پیش بردن نابلگه فعلی) نشیای عمقی ضروری را سقا خیر اندازند. بعد از این اعلامیه عملاً تلاش نمودند تا کمیته هماهنگی را در مسیر یک اختلاف سیاسی و باز سیاسی دیکلماتیک و بست برده در چارچوب خط مشی خود رهبر خود بسته کنند.

نیروها و مقامی دمکراسی سوی دهند. سبب این جهت مجاهدین و راهکارها اعلامیه ای را در اسطای نامعلوم موضعگیریهای "شورای ملی مقاومت" در بولنسی که در همان هفته بنام هواداران مجاهدین بخش گردیده به نیروهای درون کمیته پیشنهاد نمودند. از سلطنت نظریات نجرم دانشجویان ایرانی در فراسه (هواداران سازمان چریکهای فدائیس خلق ایران) و هواداران سابق دیکرامیست از دمکراسی صحبت کردند. می آنکه از برگ کارگران و محنتگان از دمکراسی محلی سخن نباید آورد. همچنین در سرخوردنه هفت فدائولت و مدافعین آن در کمیته فوق طبقاتی از آنکه در حال آنکه مجاهدین و متحدین جدید آنها طرفیت پذیرش این بد سیاست را داشته بدینگونه نشان مجاهدین برای تبدیل "کمیته هماهنگی" از حالت یک همسویی فعلی به یک اختلاف سیاسی حول سفرات آسبا عقیم ماند. چرا که کمیته "سازمضمون و وظائف خود (همانک نمودن نیروها) و ترکیب خود (و جسد حربیات تماماً مخالف هم) طرفیت سرخورد سیاسی و احزابین مسائل را داشت و اینها مجاهدین برای حمایت و همدراری امعادارین زمینه خود سبتریش و اما سبترین عامل اختلال کمیته بود. در ابتدا برای حلگری از نشانی کمیته موسودی زیر سر تاریخ ۱۴ مه ۱۹۸۴ ارجاست کلیه نیروها پذیرفته شد.

گفته می شود که دانشجویان مبارز در فراسه به منظور بازگشایی سیته شکل گرفت. با حفظ سلطنت طلبان به سیته دوره سه ساله تقابل در سراسر آنها در دستور کار این کمیته اولویت مادی یافت. با سبتریت مساحت روشن شده شبریم و خودرینیت توافق در میا ره فعلی بر طبق دستجات سلطنت طلب توان در نظری حول مسائل مظلوم در این مورد بدلیل اختلاف نظرمسب سیاسی در مقطع فعلی میرنست اما برینت فعالیت مشترک حول مساله بازگشایی سیته کماکان موجود است.

اما درست در همان هفته، هیاهو از اعلامیه لیسرالی را که در کمیته رفته بود، ناامنی مجاهدین و موطنین سقا هرجیب و سقا محافل بنام و نشان آنها پخش گردید. در حقیقت این اعلامیه مدگرگی زننده در مورد سلطنت طلبی سیاسی جریانی از لیسرالی را که رگرا که شنیدن بین دوسدلی شیوه همیشگیان بود، در سواقی عملی ما شورای ملی مقاومت بدست داد.

این درک مجاهدین از کمیته و اختلاف آن با درک دید ما سبترین دلیل جا سیدی و انحلال کمیته سابق بود. آنها سبترین عملی خواهان دست سیاسی به اختلاف سیاسی خود بودند. جا لاینگه ما خواهان همکاران و همکاران همگی فعالیتهای دانشجویی برای بازگشایی سیته و دفع توطئه مطبوعه آن بودیم.

درنگ از این جهت، دست سقا طرف همگرایی و دودرک متعادار کمیته مجاهدین خواهان حضور تشکیلاتی دمکراتیک و سرحامل گوناگون طرفدار شورای ملی مقاومت در کمیته هماهنگی بودند. این مسالعه ویژه همکاران تشکیلاتی دمکراتیک می نسه مساله آن ما سبترین نبود. ما بنا متقدا دمکراتیک گشائی که فراهمی همگی فعالیتهای دانشجویی هواداران سبترند آرد و خود سبتریک مسالعه سبترین تشکیلاتی گردیده است ضروری ندارد که کمیته های اختلافی که خود سبتریمائل مشخص دیگر و وظائف دیگر و اشکال فاسوسی مبارزه کرده آمده اند شرکت جویند. این امر بدون آنکه کوچکترین گمگی بحل مساله واقعی در جهت بازگشایی سیته بریاند، موجب گسندی کار آنها و اردست دادن حرکت و... کمیته میگردد. در حالی که ایگونه کمیته ها متواستند از طریق امضاء خود که در کمیته هماهنگی حضور داشتند نظرا تمود را ارائه دادند و از فعالیتهای کمیته هماهنگی بختیانی گشتند.

اما از آنجا که درک اختلاف سیاسی مجاهدین کمیته اجرایی ما همین هدف خود (با دور شمای جاری شدن در شورای سوزوئی ملی مقاومت) مدیده، این مساله کم اهمیت و ناخوانی راه مسالعه ای اصولی تبدیسل نمود چرا که بنام آنها ما سبترین جریانات سبتریک به مجاهدین، جناح راست درون کمیته تقویت گشته و مساله بازگشایی سیته از دورا ملتی و محور فعالیتها خارج میگشت.

آمریکا - لس آنجلس

بمناسبت سومین سالگرد شهادت فدائیس شهید، رفیق سعید سلطانپور، مراسم بزرگداشتی در تاریخ ششم ۲۳ شهریور در دانشگاه U.S.C. برگزار گردید. در این مراسم، بیوگرافی و اشعار رفیق سعید بصورت دکلمه و به همراه موزیک، ارائه شد. آنگاه اشعار مختلفی که در باره رفیق سعید سروده شده بود، خوانده شد. در این برنامه همچنین مقاله کوتاهی در باره زندگی و مبارزات خلق ترکمن حرا به سمع حضار رسید. سپس شعر "توماج" سروده رفیق سعید سلطانپور دکلمه گردید. در پایان فیلم "حرف بزن، ترکمن" نمایش داده شد. این برنامه بویژه فیلم "حرف بزن، ترکمن" که گوشه ها سی از سقا وردهای شوراهای دهقانی در ترکمن - حرا و نقش برجسته فدائیس شهید، توماج و دیگر رفقای فدائی در سازماندهی آنرا نشان میداد، مورد استقبال قرار گرفت.

نوئد - گوتنبرگ

در جلسه تبلیغی شورای ملی مقاومت که در تاریخ ۸۴/۲/۱۸ در این شهر و با شرکت دکتر منوچهر هزارغانی و دو تن از نمایندگان حورا در کشورهای اسکانندیناوی و به همت هواداران مجاهدین خلق ترمینس یافته بود، هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سوئد - گوتنبرگ شرکت نمودند. رفقا ضمن شرکت فعال خود در این نشست و با طرح بیش از ۸۰ درصد از کل سوالات مطرح شده در این جلسه عملاً انتظار خوشبینانه هواداران مجاهدین خلق و هوادا- ران حورا را از موفقیت و پیروزی این نشست با شکست مواجه نموده.

واحد گوتنبرگ با توزیع مجسمه سوالات از پیش طرح شده پیرامون مسائل حورا در بین شرکت کنندگان و پیگیری، سقا و تصمیم بحث توانست نقش واقعی آقای هزار- غانی و همراهان را در مقام مدافعین برنامه بورژوا - رفرمیستی شورای ملی مقاومت برای همگان روشن و برملا سازد. ممانت و حفظ احترام به جلسه (تک تک رفقای واحد در شروع طرح سوالات خود از آقای هزارغانی و همراهان او در ترمینس دادن این جلسه تشکر کردند) از نکات بسیار موثری بود که کاربرد هرگونه پروووکاسیون را به حفر رسانید و اثر بسیار خوبی بر حاضران جلسه داشت.

سوئد - گوتنبرگ

بعناست روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران سراسر دنیا، امسال نیز همچون سالهای گذشته تظاهرات بزرگ و با شکوهی از طرف کارگران شهر گوتنبرگ، که بزرگترین شهر کارگری سوئد میباشد، برگزار گردید. سازمان دانشجویان ایرانی در سوئد - گوتنبرگ هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیز امسال همچون سالهای گذشته در مراسم اول ماه مه و در صفرزه حزب مارکسیست - لنینیستهای انقلابی سوئد با آرم سازمان و شعار "مرکز رژیم جمهوری اسلامی ایران؟ برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق" شرکت نمود. واحد گوتنبرگ با جمع آوری کمکهای مالی و بخشبیشتر از سه هزار اعلامیه افشاگرانه کوشش نمود تا هر چه بیشتر بتواند مسائل سیاسی ایران را در بین کارگران این شهر نشر و تبلیغ نماید.

اطریش - وین

در چارچوب جشنواره بین المللی وین که در هفته آخر ماه مه در شهر وین برگزار گردید، "مرکز فرهنگی - هنری مستقل وین WUK" که سازمان دانشجویان ایرانی در وین، هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیز عضو این مرکز میباشد، مدت سه روز در این آکسیون شرکت نمود. در روز اختتام این فستیوال، هواداران - سچفا با ارائه برنامههای هنری - سیاسی از هنرهای فرهنگ ملی و سنتی ایران را به نمایش گذاشته و از سوی دیگر به افشاکاری از رژیم ترور و وسطانی و ارتجاعی جمهوری اسلامی پرداختند. رفقا با اجرای ترانههای فولکلوریک، موسیقی ایران و نمایش تئاتری از وضعیت زندانیان سیاسی در ایران به زبان آلمانی، توجه حاضرین در جشن را

قابل از شروع مجدد فعالیتهای خود در رابطه با بازگشایی "سینه" با سیاه اعلام نمودیم که گمانا کارهای همگامی و ایجاد هماهنگی سراسری مسئله هستیم. در این رابطه برنامههای خود را نیز با آسپادریان گذاشتیم. بهمن ماه فریب از انتشار فراخوان به نفع، از مجاهدین و مؤسسه فکری آنها دعوت به شرکت کردیم. تا کنون خبرها شیکه ما این هماهنگی عملی و سیاست راهبگال در پیرو بود به سینه اعتقاد دارند. در کمیته... برای بازگشایی سینه "شرکت فعال نمایند. اما آنها از پذیرش آن سر باز زدند. مجاهدین و شرکا که سبب از اختلاف و سببهای سیاسی به هیچ چیزی نمی اندیشند بعد از فراخوان نفع با استفاده از نام کمیته فکری شروع کارکنش کردند. بررسیهایی که بگنارده بگردای سامع تبلیغی مجاهدین گشت و سیاستها در میان راه حقوقی و نظراتیک ما برین. ملزومات یک فعالیت مشترک و پیوسته برداری از حاصل تلاشهای دیگران در جهت تفریب اهداف جنبش دانشجویی، بطور عینی نمایان ساخت. (تصویر را بکنید، بخش اعلامیه "نفع نگیند" درست در لحظه ۲۰۰۰ در خصوص با سو استفاده از نام کمیته فکری چه اهدافی را دنبال میکند؟) اما در مقابل چشمان حیرت زده و بیخواب انتظار آنها سیاست را - دیگرال استفاده از نام کمیته نوانست پس از مدتها عقب نشینی و برگرد فعالیتها بگنارده بگردیم راجح جنبش دانشجویی در بازگشایی سینه را بنامش گذارد.

مجاهدین این تا کنون را "بظروا بازگشایی سینه" ارزیابی کرده، معتقدند که مقدمات و مراحل را با یاد از سر گذرانید. ما بر این اساس این مراحل گوناگون و مقدمات پیشنهادی آنان چیست؟ اعلامیه فارسی خبری از آن نیست. اما با استنادی هوشیار و بر اعلامیه فرانسوی آنها منظورشان روشن میشود: "فعلاً بیشتر است که همگی با مشورتن نامه نگاری کنید. این امری است بعد از دو ماه تلاش باید به مجاهدین هیچ خبری گشت چه مقدمات دلپذیری و چه سیاست راهبگالی. خیر، مجاهدین تا کنون با تعقیب سیاست ما از دستورات همیشگی خود با عمومیت بیشتر به آن حتی در مرفه جنبش دانشجویی نمیتوانند با به ریزیک حرکت اصولی برای بازگشایی سینه" باشند. برای آنها مسئله اختلافها بدان با امیرالایم فرانسویس از بازگشایی سینه و سرخوش جنبش دانشجویی ارزش دارد.

اما حرکت نفع که بر عهده مجاهدین گامی در جهت بازگشایی سینه ارزیابی نمیشد "خواست پیروزیهای سیاسی بر ارزشی گنید. نه تنها در زبردت رتخص" سیاست سینه "تحتاً در محل نفع حضور یافت. نه تنها در راه مذاکرات را پذیرفت، بلکه در جریان مذاکرات به بخش مهمی از خواستهای جنبش دانشجویی پاسخ مثبت داد. و سیاست سینه "تقبل کرد که مسئله را با تقاضای تشکیل جلسه فوراً انعاده نزد مقامات ذیصلاح دولتی اورارت کشور و وزارت فرهنگ دنبال کند. آزادی فعالیت در خود بیشتر را در شکل کمیسی آن قانونیت بخند و حتی تا بازگشایی نیایشی مالی مرکزی برای کردها نی و میرگذاری مالی را در محوطه سینه در اختیار دانشجویان قرار دهد. این نتایج حاصل اولین اقدام جدی، با انگیزه پیروزی بودههای دانشجویان بگرم میبمان مبارز بود. این پیروزی برهان انگاری بود بر حفاست این امر که با انگیزه به حرکت نموده ای است که مستوان در مذاکرات دستاوردهایی گنید نمود.

روشن است که دستاوردهای حاصله، نه دستاوردهای گروه یا یک کمیته، بلکه دستاوردهای جنبش دانشجویی در خارج از کشور بشمار میرود و بدین جهت باید از وی و تلاش در جهت ارتقاء آن و طبقه کلیه سراسر نیروهای سیاسی است. با انگیزه ما این پیروزی مبارزه خود را برای بدست آوردن قلمی آزادی نجمع بیان اندیشه و فعالیت گسترده تبلیغی در مانی مرکزی سینه ادامه خواهیم داد. این مبارزه مبارزه ما است. شکی نیست که ما همگام و واحد کلیه نیروهای سیاسی و هم میبمان مبارز بود. بهمن ماه اطریش را در پیروزی اعلامیه اختلاف نظرات سیاسی میان نیروها، از جنبه تشکیلهای سیاسی و دمکراتیک دعوت میکنیم تا بر اساس خط و برنامه راهبگال کمیته هماهنگی مبارزه واحدی را برای ارتقاء دستاوردهای کمیسی سینه پیش برند.

کمیته هماهنگی دانشجویان ایرانی برای بازگشایی سینه
۱۹۸۴ ژوئن

ای پیرامون اوضاع سیاسی ایران و وضعیت ترکمن صحرا به زبانهای فارسی و آلمانی فراکت گردید و سپس دکلمه شعری بنام "مرثیه ترکمن" اجرا شد. پس از آن فیلم به نمایش گذاشته شد که بسیار مورد توجه حاضرین در این مراسم قرار گرفت. همانند این برنامه نیز در شهر اینسبرگ - اطریش در تاریخ ۸۲/۶/۷ و با حضور تعداد زیادی از نیروهای شرقی ایرانی و اطریشی اجرا گردید.

بیشتر از پیش به اوضاع ایران معطوف داشته و روحیه همبستگی بین المللی را تقویت نمودند. این برنامهها بسیار مورد توجه حاضر قرار گرفت.

اطریش - وین

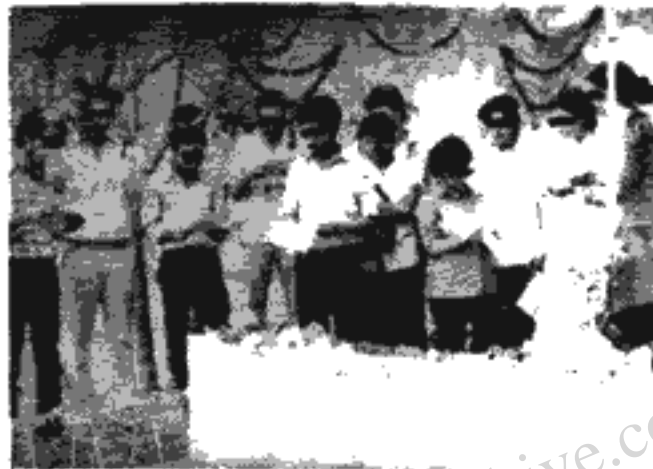
در تاریخ جمعه ۱۸ ماه مه از سوی سازمان دانشجویان ایرانی در وین - اطریش هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مراسمی جهت نمایش فیلم "حرف بزن، ترکمن" برگزار گردید. در این مراسم ابتدا مقاله



گرامی با دومین سالگرد شهادت فدائی خلق، رفیق شهرام میرانی



مزار فدائی شهید شهرام میرانی در علیگر- هندوستان



مراسم بزرگداشت بر سر مزار رفیق میرانی

بمناسبت دومین سالگرد شهادت رفیق فدائی شهرام میرانی، از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در هند، در روزه ۱۰ روشن مراسم یادبودی بر سر مزار این رفیق، در شهر علیگر برگزار گردید.

در آغاز این مراسم که با شرکت جمعی کثیری از هواداران سچفا و دیگر دانشجویان مبارز برگزار شد، به پاس احترام رفیق شهرام و دیگر شهیدای به خون غنچه خلق، یک دقیقه سکوت اعلام گردید و سپس پیامی از طرف سازمان دانشجویان فرستاده شد. بدنبال آن قطعاتی از اشعار سعید سلطانپور و مرضیه احمدی اسکوتی و چند قطعه شعر دیگر توسط رفقا خوانده شد. در خلال برنامه نیز چند سرود توسط کلیه رفقای شرکت کننده در مراسم اجرا گشت. این برنامه که بمدت یکساعت و شش جریان داشت، با سرود همبستگی پایان یافت.

بهمین مناسبت، هزاران اعلامیه انگلیسی در شهرهای دهلی، علیگر، پونا، بنگلور، میسور، ایندور، پوپال، جبل پور و حیدرآباد و ... از طرف سازمان دانشجویان پخش گردید.

فرانسه - لیل

در روز اول ماه مه، رفقای انجمن دانشجویان ایرانی در لیل، هواداران سچفا همراه با سندیکاهای C.G.T. و F.O.T. و دیگر نیروهای دمکرات و سندیکاهای کارگری در تظاهراتی که از ساعت ۱۰ صبح شروع شد شرکت کردند. در این تظاهرات رفقا با

۳۰۰۰ نفر بود. در این تظاهرات همچنین تعدادی از ایرانیان دمکرات و هواداران دیگر نیروهای سیاسی ایرانی نیز شرکت داشتند.

فرانسه - لیل

در تاریخ پنجمین ۳ ماه مه، دانشجویان ایرانی مقیم لیل و هواداران سچفا در مقابل کمسولگری هلند در لیل تجمع کرده و ضمن تقاضای آزادی رفقای دربند (با جمع آوری حدود ۱۸۰ امضا) که در آکسیون ۲۶ آوریل دستگیر شده بودند، ماهیت کثیف جمهوری اسلامی ایران را در مقابل خبرنگاران تلویزیون محلی و روزنامه محلی افشا کردند. خبر و عکس این آکسیون و شرایط سیاسی و دلایل این آکسیون در روزنامه منطقه‌ای (Lavoixdenord) چاپ شد.

تظاهرات ۳۰ خرداد

به مناسبت دومین سالگرد ۳۰ خرداد از طرف انجمن های دانشجویان مسلمانی هواداران سازمان مجاهدین خلقی در خارج از کشور، تظاهرات و آکسیونهای مختلفی در جهت افشای چهره متفور رژیم جمهوری اسلامی و حمایت از زندانیان سیاسی ایرانی در شهرهای لندن، واشنگتن، لوس آنجلس، مونترال و چند شهر دیگر برگزار گردید.

بخش تراکت و با همراه داشتن آرم سازمان باندول "کارگران جهان متحد شوید" و - بلاکاردهای "مرکز رژیم جمهوری اسلامی" "زنده باد جمهوری دمکراتیک خلق" و همچنین خبر انجام موفقیت آمیز آکسیون سراسری ۲۶ آوریل، این روز را گرامی داشتند. تعداد کل شرکت کنندگان در حدود



اعتراض هواداران سچفا در لیل - فرانسه برای آزادی رفقای در بند در هلند

جمع بندی برگزاری جشن نوروز در گوتنبرگ - سوئد: تجربه ای از همکاری با سایر نیروها

گزارش جشن عید نوروز

شماره ۱۸۹ / ۸۲ / ۰۱ / ۸۱ / ۰۱ / ۰۱

نشریه دانشجویان هواداران سازمان چریک های فدائیان خلق ایران در خارج از کشور (جهان)

رقیبی مبارز

اگر از جشن بزرگی که بنام "سید هسینکلی با ایران" در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۸۰ از طرف هواداران سوئد در این شهر تشکیل گردید، یاد می کنیم در شهر گوتنبرگ که بیش از ۸۰۰ ایرانی در آن مهم می باشند هیچگونه تجمع بزرگی رخ نداد و شکوه جشن عید نوروز اصالتش وجود نیافته است.

هواداران سازمان چریک های فدائیان خلق ایران در گوتنبرگ یکبار دیگر خواست طین و طوایف و بیگونی غیر قابل توصیف خود را در گردن هموطنان ایرانی این شهر و طبری روی، آوارگان و برکازوی عید نوروز - باستان به تنگ تنگ ایرانیان این شهر نشان دادند و به هنگام ثابت نمودن که تنها و تنها نیروی سیاسی در این شهر بوده اند که نه فقط در حرف بلکه در عمل نیز صداقت انقلابی و مسئولیت سنگین سیاسی خود را کالای درک و تقبول نموده اند.

چگونگی طرح ریزی تدارکات عید نوروز جمع بندی حاصل از آن

برنامه ریزی اولیه ونشری عید نوروز از نوامبر ۸۲ آغاز گردید. و بعد از یک ماه در اواخر آگوست ۸۲ واحد گوتنبرگ به جمع بندی زیرتالی آمد.

- ۱- با تهیه پانته چربانه های راست و تویوال ایرانی این شهر در مورد خطل نمودن و به هیز کشیدن سایر ایرانیان و پاس نمودن و جویب میباشند و با ترتیب دادن جشن هایی از قبیل جشن مهرگان - (در سال گذشته) نقطه های اولیه این شرکت را پایه گذاری میکنند. باید تنها به انقلابی فاتحانیده و علا الثنائیه شرقی و انقلابی در برابر این چربانه ها سازمان داده شود. اگر ما در جشن مهرگان این اقدامات شرکت نموده و انرا تصمیم گیریم در مورد خود چه التنائیه ای ارائه دادیم؟ و آیا تنها می توان از طریق ویاتکال جشن تحریکها و دانشانی ها حرکت های چربانه ها را متوقف نمود؟
- ۲- وضعیت این است که تصمیم ها و انقلابی ها لازم است اما کافی نیست. باید با دستبرد و التنائیه نوی مبارزه طوری بود است و علا در صحنه مبارزه نشان داد که پب انقلابی تنها از ابزارها صحبت نمی کند.
- ۳- اگر ما اصالت عید نوروز باستان را برگزار نکنیم و نیز عمل را خود به دستگیریم این کار را چربان راست انجام خواهد داد یا کمپین ناچیز (جشن مهرگان ۶۰ نفر شرکت داشتند) اما کافی برای برانگیزه نمودن ایرانی ها و با کلیش بی محتوا و دشمنان.

۴- انتخاب موضوع برگزاری جشن عید نوروز از لحاظ زمان مناسبترین وقتی است که واحد سوئد می تواند حد اکثر ایرانی های این شهر را گرد هم آورد.

۵- حرکت واحد در برگزاری جشن عید نوروز در حد گسترده و بزرگ باعث خواهد گردید که پیرو گویه های های دیگر ایرانیان در این روز از هم بیایند و علا الثنائیه اسل این برنامه بماند. سوئد در این شهر باشد.

۶- با اینکه واحد گوتنبرگ از لحاظ تدارکات و اجرای کل برنامه توانایی لازم را به تنهایی ندارد میباید اما برای استقبال بیشتر و شرکت انبوه ایرانیان واحد تهیه میباید که تدارکات و برگزاری این جشن از طریق کمیته عمومی انجام پذیرد.

۷- کمیته تدارکات بنام "کمیته تدارکات و برگزاری عید نوروز باستان" باید جمع گویه افراد د مکررات متعدد و نیروهای سیاسی باشد که از سازمانهای انقلابی ایران پشتیبانی می کنند.

۸- واحد گوتنبرگ باید از پیش برپای تبلیغ چنین کرد هائی رفت و باعث روند و تقویت این فکر در بین ایرانیان این شهر گردد و بدین انکه انرا نظریه خوب بداند.

از نوامبر ۸۲ علا به تبلیغ و نشر برپای عید نوروز و به خصوص شرکت همگانی ایرانیان در تدارکاتشان پرداختیم و بزودی در حلقه زمان دریافتیم که یکبار در ستیز و تعطیل خود از مسائل دست فکر کرده و دست عمل نموده بودیم. در ۸۱/۰۲/۰۷ اولین اطلاعیه فراخوان عمومی برای نشست نخست "کمیته تدارکات و برگزاری عید نوروز باستان" پیرین داده شد و شتاب آن برای نیروهای سیاسی این شهر نامه های سازمانی ارسال گردید. از چهار نیروی که با این نشست نخستین دعوت گردید به بودند:

- ۱- هواداران راه کارگر (پشتگر) جویب شداد
- ۲- هواداران حزب دموکرات گوتنبرگ (پشتگر) جویب شداد
- ۳- هواداران مجاهدین خلق هرگز جویب ندادند
- ۴- هواداران حزب کمونیست ایران (۲ نفر) در نشست تالی شرکت نمودند و جشن خود را در

اقلیت یافتند با تعیین و فغانی به جلسه سه سه جشن را تعریف نمودند اما در تنب جشن بی نظیر دیده و با حفاقت به بین سالن خریدند.

در دو بین نشست جمعی دیگر از ایرانیان شرکت خود را در تدارکات جشن اعلام داشتند و در همین جلسه مسئولیت های تدارکات جشن تقسیم گردید و تقریباً تمامی آن بکارگزاران ما افتاد.

بی نظیر و انبوه جشن طرح و چاپ گردید. جای جشن در محل انعامی و دانشجویان دانشگاه گوتنبرگ بنویسند و گروه های رقص کوی - آذری - به ری تشکیل گردید و تعیین کمیسی آغاز گردید. گروه موسیقی ایرانی تهیه داده شد. یک گروه موسیقی چپ سوئد که فقط ۱۸ نوازنده داشت با همکاری خود را برای شرکت در جشن

تلاش نمودند. و اکثری بیانی و اسبابهای نیز با افتخار ایران در جشن شرکت نمودند و کم کم فعالیت ها شریک گردید و تلاش مذبوحانه مشی خسر گمراه و لومین در خارج هرگز نتوانستند رژیم و همه را کوچکترین خطی وارد ساعت و احوالات مذبوح حرکت ما گردد.

الاحیه در ریز بیست مارس ۸۱ بعد از دو ماه تلاش و کار پیگیر جشن آغاز گردید و بیش از ۲۸۰ نفر هیجان - جوانی و غارچ در آن شرکت نمودند. در پیرو سالن به تمام نیروهای انقلابی خارجی و ایرانی اجازه برگزاری گزینش داده شد (هواداران حزب کمونیست با سزاقتدی حضور داشتند، مجاهدین باز اجتماع می نمودند) جشن با مقاله تاریخی عید نوروز که از نشریه جهان سال گذشته ارائه شده بود آغاز گردید و همین همین مقاله - بزبان سوئدی بعد از مقاله فارسی فراوان گردید. در آغاز هر یک از بخش ها و موسیقی های مختلف خلقی ایران از تاریخچه و چگونگی اوج و انحلال این خلقها صحبت نمودند. جشن با ساعتی طولانی انجامید و مطمئن هستیم که هیچکدام از میهمانان که در این جشن شرکت نمودند خاطره زبانی آن شب را فراموش نخواهند نمود.

برگزاری این جشن و تقویت هواداران سوئد از این سوئد را از نظر بالا محسوس باعث بالا رفتن پرستیژ عمومی واحد ما و شناساندن شدن هر چه بیشتر نام سازمان در میان ایرانیان این شهر گردید.

برگزاری این جشن در این شهر و به گوشش واحد ما نمونه بسیار گویایی است که بی نظیر واحد های هواداران سوئد در نقاط دیگر می تواند یاد آورش التنائیه و دست ابرنامه سوئد و شرکت فعال در انکتیبه های ایرانیان در خارج از کشور خلاصه راه و واضح شکل گیری التنائیه های چربانه ها راست و اپورتیونیت گردید.

با گزینش نیرو های رفیقا

هواداران سازمان چریک های فدائیان خلق ایران در سوئد - گوتنبرگ

هواداران سازمانهای سیاسی در گوتنبرگ
 ۸۱ / ۱۹۹ / ۰۱
 بدینوسیله از شما دعوت میگرد که در اولین نشست عمومی برای تدارکات و برگزاری جشن نوروز باستان که در تاریخ پنجشنبه ۸۱ / ۰۲ / ۰۷ در هتل نورسکالی میگردید شرکت نمایند.

هواداران سازمان چریک های فدائیان خلق ایران - گوتنبرگ

روضت به:

- ۱- هواداران حزب دموکرات گوتنبرگ
- ۲- هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
- ۳- هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران
- ۴- هواداران حزب کمونیست ایران

اطلاعیه

هموطنان گرامی

با شروع بهار و نشوونگی شبکه های پرا ایرانیان باره پیشواز جشنی میروند که سترا از سه هزار سال است که بر آن جشن نوروز نام نهاده اند. و نیزین باستان با تمام رسم مردمی و با شکوه جشن آن - چهار رشته سرخ ها سبزی که انقضا و سیرین به رها بین گرفته تا از نو ساختن آنچه که خلق روشنانی خاست و کشته و در بر بخش انبیا که شملق بنا بر یکی است این سالترین و بالاترین مراسم فرهنگی مشرقان ایرانیان و در کل خلقهای سرزمینهای پراچین است.

هیچ چیز به جنگ با همه ظلم و ستم بالاین خانه صبر فتنون های اشغالگر بیگانه در ایران و نه جانب ستمی و نه ستم و ظلم مذبوحانه کشور زیم حنا بنار و روش حبهوری اسلامی نتوانست است و نه خواهد توانست کوچکترین گزندی باین فرهنگ و سنت باستانی ببارد. مبارز ایرانیان هر سال با آموش گشاده شرو انجاس را مستخر به پیشواز این جشن میروند و رسم رجوی آن میروند و در پایان هر چه با شهواتر آن میگردند.

اصالت و برای اولین بار در این شهر (گوتنبرگ) تلاشی بسیار برای فراهم آوردن تدارکات اولیه و در نتیجه برپایش این مراسم عظیم صورت پذیرد. و بسیاری از هموطنان عزیز ایرانیان در این شهر اقدامی نمودند برای شرکت در این مراسم و تدارکات آن از قبل اعلام نمودند. اما تا بدین حد این مهم توجه کافی را صدق داشت که برای برگزاری و میولیت این جشن همگانی یک گروه و یک چند نفر به هیچ وجه نمی توانست نقش تعیین کننده اساسی را ایفا نماید که شرکت عمومی ایرانیان این شهر میباید داشته باشد.

بنابراین استدلال است که از شما گویه هموطنان عزیز ایرانی خود در این شهر میباید که در اولین نشست عمومی تدارکات این جشن که در تاریخ پنجشنبه ۸۱ / ۰۲ / ۰۷ در محل برگزاری میگردان شرکت نمایند.

در جهت تشکیل کمیته برگزاری جشن نوروز باستان در گوتنبرگ ۸۱ / ۰۲ / ۰۷

ادرس : STUDENT KAREN GÖTTBERGSBOGATAX 17 : ساعت ۱۸ این ۲۱

یادنامه فدائی شهید سعید سلطانیور، ستاره سرخ ادبیات انقلابی ایران



فدائی شهید، رفیق سعید سلطانیور، شاعر، نویسنده، بازیگر و کارگردان تئاتر در سال ۱۳۱۹ در یکی از شهرهای خراسان با به جهان نهاد و پس از سالها مبارزه عملی و فکری در راه آرمانهای انقلابی و آزادی نوده‌های تحت‌تسلیم ایران و تحمل شکنجه در زندانهای رژیم منفور پهلوی و حکومت‌خدا پهلوی و ارتجاعی جمهوری اسلامی، سرانجام در ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۰ در تهران بدست پاسداران سرمایه و ارتجاع و بدستور خمینی خون‌آشام به جوغه اعدام سپرده شد.

رفیق سعید سلطانیور تا قبل از آنکه وارد "هنرکده آناهیتا" (۱) بشود، دبیر دبیرستانهای تهران بود. با تاسیس هنرکده آناهیتا که نخستین و آخرین انجمن تئاتر علمی و منهد ایران بود، او از جمله نخستین داوطلبین بود که عضویت آنرا پذیرفت. رفیق سعید دوره این هنرکده را (از سال ۳۹ تا ۴۴) گذراند. هنرکده آناهیتا بعداً بخاطر عدم حمایت مالی از سوی رژیم حاکم، به ورشکستگی گراشید.

پس از انحلال "آناهیتا"، با مهین - اسکوشی در اجرای موفق نمایش "نامه سه خواهر" اثر آنتوان چخوف همکاری نزدیکی داشت.

همزمان با فعالیت تئاتری از سال ۴۴ تا ۴۸، دوره دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را بیابان میرساند.

در سالهای دانشجویی با تلاش و کوشش فراوان، علیرغم تمامی تنگناها و کارشکنی‌های مسئولان امور، نمایشنامه‌های "مرگ در برابر" اثر "وسلین هنجفت" و "ایستگاه" نوشته خود را به صحنه میبرد. در سال ۴۷ با همکاری نزدیک ناصر رحمانی نژاد "انجمن تئاتر ایران" را بنیان میگذارد.

پس از یکسال کار و کوشش مداوم در سال ۴۸ نمایشنامه "دشمن مردم" اثر ایبسن را به صحنه میبرد. این نمایش در شب‌های چهارم اجرا، توسط ماموران ساواک تعطیل میشود.

در سال ۴۹ "آموزگاران" اثر "محسن پلفانی" را کارگردانی میکند که به سرنوشتی همانند گرفتار میگردد و نویسنده و کارگردان همگی در شب‌اجرا دستگیر میشوند.

در سال ۵۰ همزمان با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، نمایشنامه "چهره‌های سیمون ماشار" نوشته "برتولت برشت" را به

در شبهای شعر انستیتو گوشه، به زعم همه کوششی که به آذین و معدودی از اعضای کانون نویسندگان بعمل می‌آورند تا آنها با "آرامش" و "ملح و مفا" برگزار کنند، او با خواندن اشعار آتشین، مردم و نسل جوان را به مبارزه دعوت میکند. او در این شب چنین میگوید:

"سلام، تکستان سالهای سیاه، تنگستان آزادی، خواهران و برادرانم، سلام. عضو کانون نویسندگان ایران هستم و با حفظ استقلال اندیشه خود و پذیرش تمام مسئولیت آن، از پایگاه کانون نویسندگان ایران با شما حرف میزنم و برایتان شعر میخوانم."

صحنه میبرد که مثنی بر بوزه دستگاه حاکمه است. این نمایش در مدت ۱۵ شب دوبار و - سرانجام برای همیشه توقیف میگردد.

از سال ۵۱ تا ۵۳ دوبار به چشم نوتس - چاپ و بخش "نوعی از هنر، نوعی از اندیشه" دستگیر و زندانی میگردد. در طولهای انفرادی بارها شکنجه میشود و لبریه گفتن نمی‌گشاید. در این بازجوییها به سه سال زندان گرفتار میشود. مجموعه شعر "از گشتارگاه" حامل سالهای زندان است.

در سال ۵۵ شبهای شعر انستیتو گوشه دانشکده صنعتی را در تهران به سنگر مبارزه آشکار بر علیه رژیم تبدیل مینماید.



آثار فدائی شهید، سعید سلطان‌نپور

در حیطه شعر:
 - صدای میرا
 - آوازه‌های بند
 - از کشتارگاه

در حیطه نقد، بررسی و مقاله:
 - ایستگاه
 - حسنگ

- عباس آقا، کارگر ایران ناسیونال
 - مرگ بر امپریالیسم

نمایشنامه‌هایی که رفیق از دیگران اجرا کرده است:

- سه خواهر، چخوف با مهین اسکویی
 - مرگ در برابر، هنچف
 - دشمن مردم، ایپسن
 - آموزگاران، یلفانی

- چهره‌های سیمون ماشار، برشت
 - خرده بورژواها، گورگی با ناصر رحمانی نژاد

و همچنین تعداد زیادی مصاحبه، شعر، نقد، بررسی که در روزنامه‌ها، مجلات و جنگ‌های مختلف از رفیق چاپ شده است.

تاکنون چهار کتاب از من چاپ شده است: "صدای میرا" اولین مجموعه شعرهايم در سال چهل و هفت چاپ و اجازه انتشار یافت ولی بلافاصله پراز انتشار جمع شد. کتاب "نوعی از هنر، نوعی از اندیشه"، تحلیلی در باره هنر و ادبیات، بویژه تئاتر، هرگز اجازه انتشار نیافت. تنها به جرم! نوشتن آن مدتی را در بازداشت بسر بردم. کتاب "حسنگ"، نمایشنامه‌ای بر بنیاد گزارش ابوالفضل بیهقی، تاکنون اجازه انتشار نیافته است.

کتاب "آوازه‌های بند" که تنها به جرم! سرودن آن سه سال در بازداشتگاه‌ها و بندها بسر بردم و چون دیگران عقوبت‌های نابجای و وهن آور کشیدم، منتشر نشده است.

دو هفته پیش کتاب "صدای میرا" که در سال چهل و هفت تنها به بهانه چند صفحه جمع شده بود اجازه انتشار یافت. گفتند که انتشار این کتاب آزاد است در صورتی که بیست و یک صفحه آنرا برداری، یعنی تمام شعرها را تکه تکه کنی و از هوبست بیندازی. می‌بینید، نشر اندیشه و هنر در مورش که آزاد نباشد، آزاد است!

در زمینه تئاتر، تمام نمایشنامه‌هایی که اجرا کرده‌ایم اجازه نمایش داشته‌اند و با اینهمه غضب‌پاداران سکوت و سانسور را همواره برانگیخته‌اند. (۲)

مدتی بعد، رفیق سعید ایران را ترک می‌کند و در اروپا "کمیته از زندان‌ها - تبعید" را در دفاع از انقلابیون در بند، بوجود می‌آورد. اقامت او در اروپا دیری نمی‌پاید و سرانجام در پروسه قیام، به ایران برمیگردد.

رفیق سعید پس از دست‌بست شدن قدرت و برپاشی حکومت ارتجاع و سرمایه، و از همان ابتدای امر، با بینش قوی و دیدی علمی که در مسائل طبقاتی داشت و با آگاهی از ماهیت فدیشری رژیم جمهوری اسلامی و با توجه به مسئولیت‌خاطر خود در چنین مقطعی از تاریخ، هرچه بتواند اثر و علنی‌تر مبارزه با رژیم خمینی و تمامی عمال ارتجاع را به پیش میبرد و صدای خود را بر علیه سانسور، و اعدای خودسرانسه رژیم به گوش جهان نیا می‌رساند.

رفیق در سال ۱۳۵۸ به نمایندگی از طرف سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در انتخابات مجلس شرکت می‌کند و به افشای رژیم جمهوری اسلامی می‌پردازد.

سعید که دیگر زمان را چون بسیاری از محافظه‌کاران، سازش‌کاران و کاسه‌لیسان، زمان مناسبه و مدارا نمی‌بیند، سرخشانسه و بی‌محابا به هر شکل ممکنه با رژیم

سازمان، فعالیت می‌کند. رژیم ارتجاعی و خمینی دجال به راستی از شماست و بی‌باکی سعید در افشای جنایاتش به هراس می‌افند. علیرغم تمام هشدارها و افزایش جو خفقان، هجوم ناپاورانه نوده‌ها به میشتنگ‌ها و سخنرانی‌های رفیق سعید هرروز فزونی می‌یابد.

جلاد بزرگ تاریخ، حکم نهایی خود را صادر می‌کند! پاسداران ارتجاع رفیق سعید را در ۲۷ فروردین ماه سال ۱۳۶۰ در شب عروسی دستگیر می‌کنند و علیرغم تمامی تلاش‌هایی که انجمن‌های ادبی ایران و جهان و سازمان‌های بین‌المللی، بویژه هواداران سچقا در خارج از کشور برای آزادی او - بعمل می‌آورند، سرانجام در ۳۱ خرداد ماه همان سال بهمهرا ۳۶ رزمنده انقلابی دیگر به شهادت میرسد. بدینگونه سعید سلطان‌نپور همچون صدای فدائی فانگ، در راه آرمان

ارتجاعی خمینی به مبارزه برمی‌خیزد.

با نوشتن و کارگردانی نمایشنامه‌های "عباس آقا، کارگر ایران ناسیونال" و "مرگ بر امپریالیسم"، نه تنها برای نخستین بار پایه‌های تئاتر کارگری را در ایران بنا می‌شود، بلکه از این رهگذر و با اجرای آنها توسط دسته‌های گوناگون (سیار) در هر کوی و برزن و بویژه در محلات فقیر نشین و کارگری، بشکل بی‌سابقه‌ای در ارتجاع و رشد آگاهی سیاسی کارگران و نوده‌های زحمتکش نقش فعال بازی می‌کند.

رفیق سعید منویسم، می‌راید، می‌خواند و کارگردانی می‌کند. او یک لحظه آرام ندارد. در اینجا، در آنجا، در میتینگ و در شظاهرات می‌خروشد.

در مقطع اشعاب ابورتوتیست‌های "اکثریتی" از سچقا، بی‌رحمانه به افشای آنها می‌پردازد و در گرد آوردن عناصر و افراد انقلابی به حول برنامه انقلابی

در گذشته حقوق مردم نبود، کسانی که برایشان بی شدند...
در باره نیايش مستند
... و ... شهید می شدند.

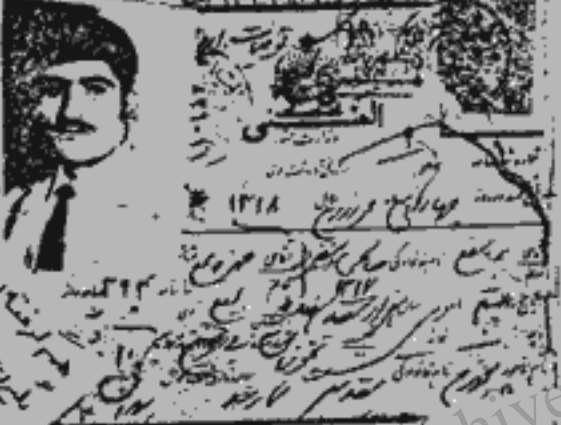
ممن از آزادی... ست و مردم برای به
... با کماسی، با کماسی
... تادشمن می آمد
... با تبلیغات کالونی بر روی کار
... شایع کن و شایع کن
... این مهربا دروغ بگین

هنر نمی توانست آشکارا، در راه مردم، به سوی مردم
بیاید و برای مردم باشد. نیايش هم نمی توانست در میان
مردم باشد. از سرد یاد بگیرد و به سرد یاد دهد. گاهی هم
بود، به گوش همه نمی رسید
نیايش
... می آقا،

... اقتصاد
... اصلاح
... اقتصاد

سازگار ایران ناصیونال

عباس آقا
... هفت ساله بود. بعد از فرستادن
... هفت ساله بود. بعد از فرستادن
... هفت ساله بود. بعد از فرستادن



ای دارا...
... نیايش
... نیايش
... نیايش

کارگاه هنر ایران
کارگاه نیايش
... دستاورد دوره گردان نیايش مستند

... نیايش
... نیايش
... نیايش
عباس آقا
سازگار ایران ناصیونال

... نیايش
... نیايش
... نیايش
عباس آقا
سازگار ایران ناصیونال



کارگاه هنر ایران
کارگاه نیايش
... نیايش
... نیايش

پتک است خون من در دست کارگر
 داس است خون من در دست بزرگر



مصاحبه‌ای با

فدائی خلق سعید سلطانیپور،

پیرامون

جنبش چپ انقلابی در ایران

توضیح

متن زیر بخش‌کوتاهی از مصاحبه‌ای است که خانم شاهره - شرما، ایرانشناس، محقق، و استاد ادبیات فارسی در دانشگاه جامعه اسلامی دهللی نو در آذر ماه سال ۱۳۵۹، در رابطه با مسائل انقلاب ایران، با فدائی خلق، سعید سلطانیپور بعمل آورده است. متن کامل این مصاحبه که توسط خانم شرما در اختیار هواداران سازمان در فراصه قرار گرفت، در برگزیده آثار سعید سلطانیپور از انتشارات هواداران سفیفا در فرانسه به چاپ رسیده است. بمنظور آشنائی خوانندگان "جهان" با اندیشه‌های سیاسی رفیق سعید، بخش‌کوتاهی از این مصاحبه را در اینجا درج میکنیم.

پس از خیانت حزب توده (چپ با مشکلات بسیاری روبرو بود. نیروهای انقلابی مارکسیست - لنینیستی در جستجوی راهی بودند. در واقع در جستجوی خروج از این پست. زندانها پر بود از نیروهای کسی هنوز در عرصه مبارزات به حرکت درنیامده، دستگیر شده بودند. زندانها پر بود از نیروهای که در گفتگوهای زیر ضربه‌های دیکتاتوری قرار گرفته بودند. در یک چنین شرایطی بفرنجی بود که گروهی از مارکسیست - لنینیست‌های انقلابی ایران با توجه به این وضعیت بفرنج، تئوری تازه خودشان را رقم میزدند و طرح عملی پیاده کردن این تئوری را مورد مطالعه و بررسی قرار داده بودند. رستاخیز خونین سیاه‌کل طلسم توین مبارزات کمونیستهای ایران بود که به یکباره ارزش‌های انقلابی نزدیک به هفتاد سال جنبش انقلابی ایران را در درون خودش متبلور کرد و رستاخیز سیاه‌کل در عمر دیکتاتوری علیرغم خلا‌ای که در اثر خیانت حزب توده در جامعه ایجاد شده بود اگرچه بکنندی، ولی سرانجام باور توده‌ها از زیر خاکستر مبارزات خفته مردم بیدار کرد. مردم کم کم ایمان خودشان را به نیروهای انقلابی مارکسیستی - لنینیستی ابتدا در گفتار و بعد در حمایت‌های عملی به نمایش گذاشتند. اینجا سخن از خدشه ناپذیری رستاخیز سیاه‌کل و تئوری نهفته در درون این رستاخیز نیست. مسئله مهم برای جنبش کمونیستی ایران این است که در مجموع به ازای تمام کمیوها آیا رستاخیز سیاه‌کل سنت‌های انقلابی مارکسیستی - لنینیستی را زنده کرد یا نه؟ آیا توانسته است در درون خلا پیوندی تازه و خونین با توده‌ها برقرار کند یا نه؟ آیا توانسته است در دوران خلا مبارزات، عرصه‌های تازه‌ای برای مبارزه باز کند یا نه؟ در این رابطه است که جواب ما به تمام این سئوالات مثبت است.

سؤال: در چنین وضعیتی یعنی وجود بحران اقتصادی، اجتماعی، امروز جنبش چپ، جنبش چپ انقلابی از دیدگاه شما چه وظایفی به عهده دارد؟

جواب: توضیح وظایف چپ انقلابی بدون آنکه وضعیت گذشته و حال این چپ تا حدودی مشخص بشود در پرده‌ای از ابهام خواهد ماند، بنابراین ابتدا باید دید چپ در گذشته چه بوده، چه کرده، و در جریان انقلاب چه باری را به دوش گرفته و در درون جنبش انقلابی خلق کجا به جنبش امثلا بخشیده و کجا شقی بازدارنده داشته و در واقع آب به آسیاب سرما به داری ریخته. جنبش چپ در ایران و با بهتر است بگوئیم جنبش مارکسیست - لنینیستی در ایران جریان پرتجربه‌ایست، آنچنان که امروز، ما و جامعه ما، نیروهای انقلابی، کارگران پیشرو، زحمتکشان آگاه و مبارز، فریب لفاظی‌های چپ‌نمایانه را نخواهند خورد. میدانید مصاحبه در ایران و با یک ایرانی این مشکلاتی را که در این مصاحبه بسوای ما پیش می‌آید، ندارد. به دلیل اینکه ایرانیان دست کم شناختی نسبی از تاریخ مبارزات ایران و تاریخ مبارزات چپ در ایران دارند، در نتیجه احتیاجی به درازگویی نیست، هرچند که من مجبورم اشاره‌ای به گذشته بکنم. چشم اندازه‌های را که کم و بیش شناخته شده، باز مطرح کنم، اما برای خلقهای هند، حتی آن بخش از نیروهای آگاه و مبارز، کافی نیست، در این فرصت کم، پرداخت همه جانبه‌ای را نمیتوان ارائه داد، بنابراین من گذارا به مسائلی اشاره میکنم.....

در یک جنبش..... شرایطی (دوران

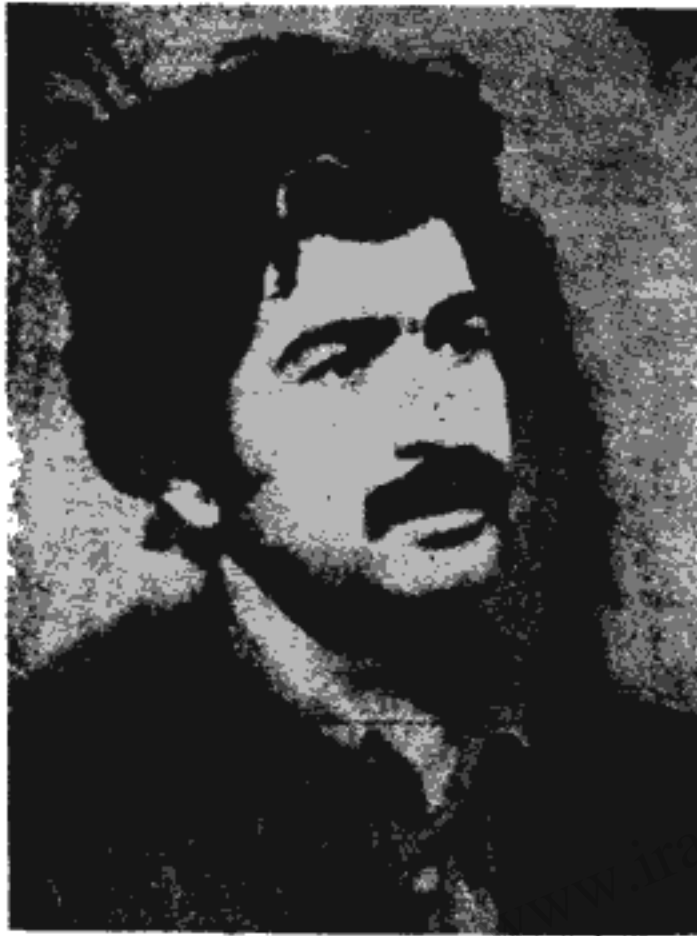
در واقع دیکتاتوری شاه و امپریالیسم بخشی از انرژیش را صرف این میکرد که آتش این رستاخیز در توده‌ها نگردد. حتی دکترینی در این زمینه از طرف سیا به ساواک ایران پیشنهاد شده بود. ساواک علیرغم تمام کمبودهایی که این جنبش از نظر دیدگاه مارکسیستی - لنینیستی داشت این رستاخیز را آغازی خطرناک برای این سیستم در نظر گرفت و به سرکوب همه جانبه آن پرداخت. اما علیرغم تمام امکاناتش، تمامی امکانات تاریک و شومش با توجه به حرکت انقلابی سازمان دیگری، یعنی مجاهدین خلق، که عملکردی مشابه و یگانه داشتند، هرچند در عرصه نظری طبیعتاً مبانی متفاوتی را به درون جنبش می‌بردند. ما دیدیم که با شروع بحرانهای اقتصادی، امپریالیسم و دولت دست‌نشانده اش در ایران با دامن زدن به فضای باز سیاسی در واقع ناتوانی خودشان را در جلوگیری از پیوند رستاخیز سياهکل و مبارزات انقلابی توده‌ها آشکار کردند. در واقع طرح امپریالیستها این بود که با ایجاد "فضای سیاسی" در ایران و دادن پرچم آزادی و آزادیخواهی به دست عناصر فریب‌کار بورژوازی و فریب‌سب روشنفکران، تا مدتی بتوانند در مقابل جنبش انقلابی تاب بیاورد. ولی از آنجا که اصولاً طرح آزادیهای دمکراتیک، هرچند با توطئه و فریب آمیخته باشد، در جامعه وابسته خطرات جدی بدنبال دارد، سگان چنین جریان‌های از دست بورژوازی خارج شد و انرژي انقلابی توده‌ها، روشنفکران و نیروهای چپ علیرغم تصور امپریالیسم و دولت وابسته اش بیش از پیش شکوفائی پیدا کرد و در واقع جنبش توده‌ای طبقه‌های خودش را در درون جنبش آشکار کرد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با پشتوانه تقریباً یک دهه مبارزات خونین انقلابی با جنبش توده‌ای تنگاتنگ گره خورد. جنبش آتش از شد. فکر میکنم علاقه‌مندان به جریان جنبش‌های انقلابی جهان، کمابیش از جنبش جدید ایران که به انقلاب انجامید، آگاه باشند. کافی است من این جا تنها به این مسئله اشاره کنم که دلیل کمبودهایی که بصورت تاریخی جنبش کمونیستی ایران از آن رنج میبرد. در درون این جنبش، کمونیستها به دلیل عدم شکل طبقه کارگر حتی نداشتن یک خط و برنامه منجم نتوانستند همزبانی طبقه کارگر را در جنبش شکل بدهند و حتی کار به جایی رسید که در اواخر به دلیل قرار گرفتن رهبری مذهبی در پیشاپیش جنبش و نقش تاریخی فرهنگ مذهبی مردم، خطوط نیروهای درون جنبش سخت به هم ریخت و جنبش انقلابی ایران در واقع پرچمداری بظاهر خرد بورژوازی را تا آستانه سقوط دیکتاتوری شاه پذیرفت. درست آن موقع که ما باید در درون جنبش عناصر به اصطلاح لیبرال و با سازمانندگان جنبه ملی را زیر ضربه قرار میدادیم، از این امر غافل مانديم. جنبش مارکسیستی ایران کمتر به این فکر میکرد که بعد از سقوط شاه چه کسانی به قدرت خواهند رسید و طبیعتاً نتوانست همزمان با صف‌آرایی مشخص در برابر رژیم دیکتاتوری شاه، این نیروها را در درون اپوزیسیون منزوی کند و در واقع دیدیم که چطور انقلاب دچار وقفه شد و سرمایه‌داری متوسط تحت ارگان سازش‌ساز در برابر پتانسیل انقلابی توده‌ها و بویژه انقلاب مسلحانه توده‌ها در برابر سیستم سرمایه‌داری وابسته شد. حضور چنین ارگانی در جامعه ما معضلات زیادی را - برای جنبش کمونیستی ایران مطرح کرد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که کمابیش پیشاپیش خواست‌های دمکراتیک و انقلابی توده‌ها حرکت میکرد از آنجا که از یک مبارزه ایدئولوژیک غنی و همه جانبه‌ای برخوردار مانده بود، زمینه‌ای برای رشد اپورتونسم در بزرگ‌ترین سازمان مارکسیست - لنینیستی ایران شد. در واقع اپورتونیستهای سازمان که در مرکزیت سازمان راه برده بودند

این بزرگترین سازمان مارکسیست - لنینیستی و انقلابی ایران را به کج راهی سوق میداد که در گذشته حزب توده جنبش را به چنین کج راهی کشانده بود. ولی این بار تجربه شلخ و تاریخی جنبش کمونیستی ایران باعث هوشیاری بیشتری در درون جنبش چپ‌شده بود. در نتیجه اینگونه حرکت‌ها به آسانی امکان پذیر نبود و سریعاً با برخورد جدی و همه جانبه نیروهای انقلابی سازمان مواجه شد. اپورتونیستها، حاکمیت وابسته به امپریالیسم را، ارگان سازش را که ترکیبی از دو جناح بورژوازی متوسط به اصطلاح لیبرال و بورژوازی متوسط کلریکال بود، حاکمیت خرد بورژوازی البته در وجه غالبش! نام نهادند و موجب شستش و تفرقه در صف نیروهای چپ مارکسیست - لنینیستی شدند. بحث در چگونگی شکل‌گیری اپورتونسم که سرانجام به انشعاب آن از سازمان چریکهای فدائی خلق انجامید، بحثی است مفضل که ما به علاقه‌مندان پیشنهاد میکنیم برای اطلاع بیشتر از چنین روندی، "نبرد خلق شماره ۱" سازمان را مطالعه کنند و نیز "پاسخ اقلیت به نامه مرکزیت" را. در این دو کتاب علاقه‌مندان میتوانند نقطه نظرهای انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق را و همچنین روندی را که به انشعاب اپورتونیستها انجامید، مورد مطالعه قرار بدهند. قصد من اینجا از طرح این مسئله بیشتر در رابطه با بیان وظیفه مارکسیست - لنینیستها در این مقطع از جنبش است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در برابر اپورتونیستهای انشعاب‌گر طرح مبارزه عملی ایدئولوژیک را به درون جنبش برد و از این طریق جنبش کمونیستی ایران برآستی بنائی تازه پیدا کرد و در جریان همین مبارزه ایدئولوژیک در این چند ماه ما شاهد اعتلای جنبش کمونیستی ایران هستیم و در واقع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با طرح پیشنهاد برنامه حداقل و تدوین نهائی آن برای جنبش، گامی سترگ در جهت اعتلای چپ، اعتلای جنبش مارکسیست - لنینیستی برداشت. در "کار" شماره ۸۷، ارگان سازمان، پنجشنبه ۱۳ آذر ۵۹، وظائف مارکسیست - لنینیست‌ها طرح شده و سازمان در جهت تدوین نهائی این برنامه کوشی پیگیر را آغاز کرد که من بخشهای این طرح را میخوانم:

این طرح که به کل جنبش کمونیستی پیشنهاد شده، بوسیله سازمان بیژودی تدوین میشود و در اختیار جنبش قرار میگیرد. با توجه به این طرح بروشنی میبینیم که کمونیستها بویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میرترین وظائف جنبش را در مقطع کنونی در دستور بررسی و تدوین قرار داده‌اند و طبیعتاً با تدوین یک چنین برنامه‌ای جنبش کمونیستی ایران قادر خواهد بود نقش ویژه خود را در این مقطع بحرانی جنبش به پیش ببرد و جریان انقلاب ایران را در واقع تداوم این انقلاب را - به رهبری پرولتاریا به پیش برده و از درون انفجار بحران که در چشم انداز است با صف‌آرایی مشخص طبقاتی بتواند راهگشای جنبش کمونیستی ایران باشد. البته باید توجه داشته باشیم که یکی از میرترین وظائف مارکسیست - لنینیست‌های انقلابی مبارزه بسی امان با حزب توده، در واقع این فرصت طلبان کهنه کاروا نشعا بیون از سازمان تحت نام "اکثریت" این تازه‌کاران فرصت طلب است. در واقع شرایط بحرانی ایران طوری است که توده‌های مردم بویژه کارگران و دهقانان از حاکمیت سلب اعتماد میکنند و این روندی است روبه گسترش و شتابی دم افزون دارد. در یک چنین وضعیتی حزب توده و انشعا بیون از سازمان "اکثریت" سیاست "اتحاد، اشتقاد" را نسبت به حاکمیت در پیش گرفته‌اند. هرچند اصطلاح "اکثریت" بجای ترکیب

مصاحبه‌ای با شاعر و هنرمند انقلابی سعید سلطانپور،

پیرامون هنر مقاومت



توضیح

هنر مقاومت بطور اعم، و هنر مقاومت ۲۵ سال اخیر، مضمون سلسله گفت و شنودهایی با سعید سلطانپور است. این گفت و شنود در ادامه خود، بیشتر روی هنر مقاومت دهه پنجاه، و هنرهای که سلطانپور در آن متخصص است (مثل شعر و نمایش) فرود خواهد آمد. عموماً نمایش خیابانی و یا تئاتر فضای آزاد، و شناخت معیارهای حقیقی آن، در این گفت و شنود مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نظر به اینکه سلطانپور با اجرای نمایش «میان آقا»، کارگردان ایران ناسیونال و «مرگ بر امپریالیسم»، از پیشگراؤلان این شیوه تئاتری در ایران است، صحبت‌های او در این زمینه، عموماً برای کسانی که در شیوه تئاتر خیابانی تعریف میکنند، بسیار سودمند تواند بود. در این مقدمه توضیح دو نکته را لازم میدانیم:

۱- متن این گفت و شنود روی نوار ضبط شده، برگردان زبان شفاهی نوار به زبان نوشتاری، در ضمن حفظ مفاهیم و کلمات سلطانپور، گهگاه تغییراتی را در محدوده لحن و زبان، و نه مفاهیم، باعث آمده است.

۲- در این گفتگو سعی کرده‌ایم تا از طریق پرسشها، پیش هنری سلطانپور را برای خواننده روشن کنیم. در باره‌ای مسواری میان مصاحبه کنندگان و مصاحبه شونده توافق نظر وجود ندارد. این تعارض‌ها در متن گفت و شنود، با اطلاق متغی نشده و بیجا کمتر منجلی شده است. زیرا هدف این گفت و شنود ایجاد یک مباحثه نبوده، بلکه صرفاً شناخت نقطه نظرهای هنری سلطانپور بوده است که وقتی این دیدگاه از طریق گفت و شنودها، بصورت منسجم و سازمان یافته‌ای ظاهر شد، بعدها میتواند مورد بحث نظریات مخالف و موافق قرار بگیرد.

فرامرز ظالمی - با توجه به اینکه هنر مقاومت توانسته تا حدی وظیفه تاریخی خود را در دوره ستمشاهی انجام بدهد، دوشوال - مشخص دارم، اول اینکه هنر مقاومت از نظر شما به چه معنی است و - دیگر اینکه با توجه به معنی و هدف هنر مقاومت این حرکت تا چه حد توانسته به هدفش برسد؟

سلطانپور - طبیعتاً ست که وقتی از هنر مقاومت حرف میزنیم باید بدانیم چیزی در برابرش هست که باید مقاومت صورت بپذیرد. و ما برای اینکه مقاومت کنیم باید آن چیز را بشناسیم. یعنی باید از شموله‌های پیش به ما پیش‌پس ببریم و باز از طریق شناخت حدی از ماهیت مجدداً به نمود مراجعه کنیم. و مجدداً همینطور برگردیم شناختمان کامل بشود. در این ارتباط، مفهوم هنر مقاومت در پیش خود عمیق تر و گسترده‌تر میشود. بنابراین هنر مقاومت از یک سطح نازل انعکاسات اعتراضی، تا عمیق ترین اشکال سیاسی - اجتماعی خود، پیش میرود. وقتی در برابر چیزی مقاومت میشود به نسبت اینکه آن چیز در میان توده‌ها چقدر شناخته شده باشد، هنر مقاومت هم میتواند به همان نسبت گسترش توده‌ای پیدا کند. یعنی هنر مقاومت به نسبت ادراک سیاسی - اجتماعی جامعه، و اگر عمیق تر بگویم، ادراک طبقاتی گسترش مییابد. اگر هنر مقاومت را تنها در درون خرده بورژوازی و روشنفکران انقلابی و حتی مارکسیست انقلابی که به دلیل شرایط کل اجتماعی، هنوز پایگاه توده‌ای کسب نکرده‌اند ببینیم، این هنر مقاومت تنها در عصر خودش دارای مفهوم خواهد بود. چنین هنر مقاومتی را بعد از بحرانهای عظیم اجتماعی - چه بیروز

بشوند و چه نشوند - دیگر نمیتوان مطرح کرد. هنر مقاومت از دیدگاه پرولتاری، هنر مقاومتی عقب مانده، و از دیدگاه خرده بورژوازی انقلابی، پربار و ارزنده است از این نظر ابعد علمی - هنری این هنر نمیتواند آن چیزی باشد که مارکسیست‌های انقلابی حتی در آن دوره انتظارش را داشتند. یعنی هنر مقاومت از این دیدگاه هنوز سامانی نپذیرفته. با این دیدگاه تنها، جرعه‌هایی و سنگ پایه‌هایی میتوانیم در هنر و ادبیات جستجو کنیم. وقتی میگویم هنر مقاومت در دوره ستمشاهی هنر مقاومت خرده بورژوازی بوده هرگز به این مفهوم نیست که عناصری از سوسیالیسم را در خود نداشته اما حتی اگر عناصر سوسیالیستی در درون این هنر مقاومت دیده میشد، در رابطه با مسائل عینی توده‌ها و در رابطه با مسائل مبارزه طبقاتی نبوده، بلکه مجرد عمل میکرد و به دلیل اینکه میخواهد با عناصر خرده بورژوازی زیستی ترکیب بشود کُعدواقعی و علمکردواقعی خود را از دست میدهد و تضعیف میشود. و بدین ترتیب شاید بیشتر مورد پذیرش خرده بورژوازی قرار میگیرد، چون خرده بورژوازی این عناصر سوسیالیسم را در رابطه با مسائل طبقاتی دریافت نمیکند. اگر اینطور آنرا دریافت میکرد طبیعتاً در چشم انداز خودش آسایش ستمی نبود. بنابراین حال داشتیم هنرمندانی را که سراپا مدافع تفکر خرده بورژوازی بودند اما از هنری هم که عناصر سوسیالیستی داشت دفاع میکردند. این به آن معنی نیست که گرایش عناصر دفاع میکردند دارای ادراک سوسیالیستی بودند، بلکه آنها سوسیالیسم را در حد

دریافت طبقاتی و زیبایی شناسانه‌ی خودشان را همیدند. ما ناگزیریم برای اینکه بتوانیم ارتباط این مفاهیم را با خوانندگان توده‌یی تر مطرح کنیم، بیان خود را ساده‌تر کنیم. ما میدانیم که هنرمقاومت انقلاب مشروطیت میتواند برای جامعه ما، با ویژگی‌های این عصر، مطرح باشد. هنرمقاومت مشروطه را اگر از طریق شعر آن، و شیوه‌ی نوشتاری آن (از جمله دهخدا ارزنده‌ترین چهره‌ی مقاومت آن دوران) و پوسترها، یا کاریکاتورهای که از آن زمان در دست هنرآرزیایی کنیم، میبینیم هنرمقاومت سخت‌نودهی و در عین حال دور از معیارهای تاریخی هنروادبیات توده‌ها بود. این بحران و این گسست از ارزش‌های کلاسیک هنروادبیات طبیعتا در رابطه با روابط فئودالی و شکل‌گیری جامعه‌ی بورژوازی تجاری ترکیبی با روابط فئودالی، میتواند شبیه شود. عناصرش در وی هم در آن زمینه داشتیم که تجلی‌آرمانخواهی یک قشر معینی بودند مثل کمرویی که با تمامی عظمتی که کارهایش دارد در این زمینه بر فدا ارزش‌های تاریخی هنرم قیام میکند. صرفا به دلایل شیفتگی اش به مسائل روز و مسائل حاد سیاسی و ارزشهای ویژه‌ی هنروادبیاتی که بتواند در توده‌ها نفوذ داشته باشد.

طالبی - این ارزشها را شما چگونه تعبیر میکنید؟

سلطانپور - اینطور جمع‌بندی میکنیم که هنرمقاومت مشروطه از دیدگاه ارزشهای تاریخی - هنری توده‌های مردم، لازم، ضروری، تاریخی، اما کم بعد و سخت نازل است. در تبیین این موضوع باید گفت تمام هنرها ارزشهای خود را در طی تاریخ از درون هنرتوده‌یی کسب میکنند. چون توده‌های مردم منبع تجربیات عظیم و ارزشهای هنری هستند، چون توده‌های مردم حتی شعر میگویند و نقاشی میکنند، نگاه تاریخی میکنند. چون توده‌های مردم سایه‌پاژی میکنند یعنی سینما، به شکل گام‌های نام و ابتدائیش را تداعی میکنند. ما منبع عظیم هنرتوده‌یی را خود توده‌های مردم میدانیم. اگرچه جمع‌بندی اکتساب این هنر به دلایل ویژه پایگاه اقتصادی به نیروهای که از درون خرده‌بورژوازی بلند میشوند، بازگشت میکند. حتی هنر بورژوازی عناصر اولیه خودش را از هنر توده‌ها غارت میکند. ما باید با تحلیل علمی - هنری، تمام عناصر تاریخی هنرتوده‌ها را که لوٹ شده، زدی شده، آرایش شده، تمام این لعابها، وزنی‌های بورژوازی را از آن سلب کنیم و عناصر خالص آنها که دست‌آور و روابط سرمایه دارانه شده، نجات بدهیم. و دوباره آنها را برگردانیم به درون توده‌ها.

طالبی - شما مشخصا از دهخدا نام بردید. دهخدا را در بر خورد بسا هنر توده چگونه ارزیابی میکنید؟

سلطانپور - دهخدا تمام ارزشهای بیانی توده‌ها را از تاریخی گرفته و از زبان گرفته و به توده‌ها برگردانده است.

طالبی - اگر ما بخواهیم به شکل مشخص و دقیق تر این بحث را - ادامه بدهیم، لطفا بگوئید ادامه این حرکت را به چه شکلی تا بحال دیده‌اید؟

سلطانپور - اگر بخواهیم فرود بیاییم روی چهره‌ها ...

طالبی - روکارها حتی ...

سلطانپور - روی کارها حتی، بحث به درازا میکشد. من چندان نمونه میدهم برای تبیین فکری خودم. و اگر ما بخواهیم مقوله‌ی زبان دهخدا را دنبال کنیم باید ببینیم در ادبیات معاصر چه کسی این نقش را ایفا کرده و در چه ابعادی و با چه ارتباط توده‌ای، خواه ناخواه بر میگرددیم به یک هنر خاص مثل گزارش نویسی مثلا ...

طالبی - منظور من کلا و عمدتا تجربه‌یست که در این مدت بدست آمده.

سلطانپور - میخواهید ببینید چه کسانی حامل این تجربه‌ها

هستند؟

طالبی - و یا اینکه این تجربه‌ها در ارتباط ارگانیک با جامعه به کجا رسیده.

سلطانپور - ببینید من این تجربه را از زبان شروع نکردم تا بخواهم روی حرف زبان متمرکز شوم. طبیعتا اگر بخواهیم روی این مسائل متمرکز بشویم بحث به درازا میکشد. ما بلافاصله هدایت جماعی و بزرگ علوی را داریم. و طبیعتا اینها ادامه دهندگان همان زبانها، همان ارزشها و ترکیبات هستند. و حال این ارزشها تا چه پایه به ویژگی هنری توده‌ها وفادار است بیک نقد علمی - هنری احتیاج دارد.

طالبی - آیا ما چنین منتقدینی نداریم؟

سلطانپور - ما ناقدان جامع بسیار کم داریم. ناقدان ما باید جامع هنرها باشند. ناقدان ما باید روشناسی توده‌ها را، روشناسی هنر را، تاریخ هنرتوده‌ها را، دقیقا مطالعه کرده باشند و در واقع باید راهنمای هنرمند در جهت حرکت بسوی سوشالیسم، بسوی هنر انقلابی و هنرتوده‌ها باشند. و چون ما نمونه‌ی ارزشمندی نداریم میتوانیم از منتقدین بزرگ و شکوهمندی چون بلینسکی بهره بگیریم و البته با حفظ تمام مواضع انقلابیمان از لوکاچ، پلخانف، استفاده کنیم. نظریات بلین هم در باره‌ی هنروادبیات قابل توجه است. و همینطور نظریات ما شو در زمینه هنروادبیات و انقلاب فرهنگی. اگرچه مسائل انقلاب فرهنگی علامت‌سؤالی در جریان انقلاب چیست و تدویم آن بجای گذاشت ولی در هر صورت بیان و بررسی آن جای مطالعه ویژه‌ی دارد و مخصوصا میشود راهنمای هنرمندان و ناقدین ما در این راه باشد.

بهباد عقی - آقای سلطانپور، هنرمقاومت مشروطه را، و حتی به اشاره چگونگی ادامه‌ی آنها، بیشتر بصورت عام مطرح میکنید و کمتر به موارد مشخص آن اشاره میکنید. مردم اما با این هنرها از طریق آثار خاصی برخورد میکنند. برای آنکه ماهیت عام هنر مقاومت برای مردم بهتر روشن شود، اگر از طریق هنرهای خاص شعر، نقاشی، قصه و ... و هنرمندان خاص این مسائل را بررسی کنید، مطلب گویا تر میشود و کاشی‌ها و توانایی هنرمقاومت در پیکان مردم معرفی میشود.

سلطانپور - من مشکوکم که توده‌ها هنرمقاومت را بشناسند. زیرا سیستم ستم‌های نمیکشاند هنرمندان و ظالمان ریخی خود را انجام دهند. باید یکبار دیگر در درون انقلاب هنرمقاومت مشروطه معرفی بشود و ارتباطش با هنر خفاان بجلوی تبیین شود. و باز ارتباط - هنرمقاومت آن دوره با هنر مقاومت دوران پس از قیام معلوم شود.

بنابراین اگر امروز بخواهیم از هنرتوده‌ها صحبت کنیم ابتدا باید توده‌ها را با گذشته آشنا کنیم. ابتدا باید تجدید نظر عظیمی در روابط هنری و ارزشهای هنری انجام بدهیم. ابتدا باید زبان هنر را با توده‌ها مورد بازبینی قرار بدهیم. و بیاییم عناصر بورژوازی و -

خرده‌بورژوازی هنر را - البته آن قسمت از عناصر خرده‌بورژوازی هنر که ایستاده - از آثار هنری گذشته جامعه تفکیک کنیم، تا آن -

ارزشها به آینده جاری بشود. در این صورت است که میتوانیم -

رابطه با توده‌ها برقرار کنیم. بنابراین اگر ما بیاییم روی سیستم شمال توقف کنیم و باروی آثار خودزاده، می بینیم که این آثار در

دسترس توده‌ها نبوده و فراموش شده. شاید بعضی از ادبیات، بعضی از شکل‌های کاریکاتوری، به صورت زبانی نقل شده باشد. ولی

این جریان هرگز آگاهانه نبوده و از طرف هنرمندان کمک -

شناساندن آن نشده و امروز جا دارد که این حرکت صورت بگیرد تا

توده‌های مردم بدانند که ما راجع به چه چیز صحبت میکنیم. این

حرکت باید بشود تا توده‌های مردم ما چشم اندازی از گذشته ، -
 حال و آینده در این زمینه داشته باشند .
 عشقی - با عقیده شما موافقم . گفتید مشکوکم که هنرمقاومت ما با
 توده‌ها ارتباطی داشته باشد . بله . و اصلا درست تر است که صراحتا
 بگوئیم هیچ ارتباطی نداشته . جز البته در بعضی زمینه‌ها هنر
 مقاومت در بخش سینما ، علی‌رغم تمام انحرافات جرده بورژوازی ،
 با مردم تماس نزدیکی داشته است . گفتید که هنر مقاومت پایگاه
 خرده‌بورژوازی داشته ...
 سلطان‌نپور - درست است . پایگاه اما نه خواستگاه ، چگونگی
 خواستگاهش نمیتوانست سوسیالیستی هم باشد . ولی از پایگاه خرده -
 بورژوازی بیان شده .
 عشقی - در این بیست و پنج سال اخیر به دلیل شرایط اختناقی
 و سانسور امکان ارتباط هنرمقاومت با مردم نبوده و امکان تخریبی
 هنر از مسائل واقعی مردم وجود نداشته . هنرمقاومت چه در شکل وجه
 در محتوا ، به هنر خلقی در مفهوم حقیقی خود نزدیک نشد . در ایستادن
 نزول هنری هنرمندان ما رکسیت و دمکرات بیگ اندازه سهم بودند .
 شی گویم روی چهره‌ها و هنرهای خاص مکت کنیم ، تا توده‌های کثیر
 آنها را بشناسند ولی برای هنرمندان ما ، چه هنرمندان گذشته ، وجه
 هنرمندانی که پس از قیام رشد میکنند ، باید باز دید دقیقی از هنر
 مقاومت گذشته داشته باشیم ، یعنی ما باید ببینیم که اساسا این
 هنرها را باید دور ریخت یا عناصری از آنها را حفظ کرد . ما در تاریخ
 هنر دوره‌اش را داریم که کل آن دوره‌ها از لحاظ تاریخی متروک -
 میشوند . مثلا شعر در زمان قاجاریه . هنرمقاومت ۲۵ سال اخیر را مشخص
 تر معرفی کنید . چه قسمتهایی از آن را باید نگاه داشت و چه قسمتهایی
 را باید دور ریخت و یا شاید اساسا همه را باید دور ریخت ؟
 سلطان‌نپور - من از مشروطیت و هنرمقاومت مشروطیت حرف زدم دقیقا
 به این دلیل که به اینجا برسم . سعی میکنم سربسته به این سؤال
 برسم . دستاوردهای انقلاب مشروطیت دستخوش ملامت بورژوازی تجاری
 و همچنین فئودالیسم با زمانه در ترکیب محمدرضا شاه قرار میگیرد .
 با تفکیک‌هایی که حتی در همان قانون اساسی نیم بند میدهند ، میبینیم
 که مشروطه مشروعه بالاخره مهر خودش را بر قانون اساسی همان موقع
 زده بود . هنر و ادبیات هم در این رهگذر منزوی میشود و خلفان در آن
 حاکم میگردد . طبیعتا روند مبارزه طبقاتی ادامه داشته و اگر
 تضادهای در برهه‌هایی از زمان کمتر عمل میکردند ، ما نمیتوانیم این
 را دلیل برای بداندیم که در هنر و ادبیات هم این مبارزه تابع
 صرفا نمود تضادهای طبقاتی بوده بلکه قویتر از این نمودها عمل
 میکرد . با بهتر است بگویم به عنوان قویترین نمود ، خودش را نشان
 میداد . برای مثال ما تحول ادبیات سوسیالیستی را داریم اگرچه از
 نظر ارزشهای زیبایی شناسانه هنر در گذر ادبیات بورژوازی و با
 خرده بورژوازی قرار میگیرد ولی با تمام قدرت این پیوسته‌ها را
 میشکند ، از آن عبور میکند و اگرچه در درون یک سیستم ملکی -
 توده‌ای و عام نمیتواند قرار بگیرد ولی در صورت آن پیوسته‌ها را
 شکسته و بخشی از ارزشهای آن هنر را حفظ میکند . نیما را از جامعه
 خودمان مثال بزنیم . میدانیم که خلفان و دیکتاتوری رضاشاه به
 دلیل جنگ جهانی که پیش آمد ، به دلیل مبارزه خلفا بورژوازی
 مبارزه اردوگاه سوسیالیسم با فاشیسم شرایطی در جهان پیش آورد که
 دیکتاتوری‌ها و حاکمیت‌های سیاسی طبیعتا در آن مفاصل
 نمیتوانستند تمام حاکمیت ویژه و مطلق خود را روی جامعه
 بگسترانند . در یک چنین فضای ما میبینیم که نیروهای مشرفی و -
 انقلابی و حتی عناصر سوسیالیسم در درون جامعه به رشد و پویایی
 خود ادامه میدهند . جامعه ما از سال ۱۳۲۰ در واقع وارد یک چنین
 مرحله‌ای شد و ما میدانیم که فی التکلیف نمود سیاسی خود را در حزب -

توده پیدا کرد . حزب توده به عنوان یک حزب فدا شستی بود ، نه یک
 حزب سوسیالیستی ، و دقیقا میدانیم که در آن مقطع استالین محسور
 مبارزات کمونیستی جهان را بر ضد فاشیسم سازماندهی میکرد . و در -
 همین ارتباط بود که حزب توده در جامعه ما پایه میدان گذاشت .
 در آن شرایط اگرچه ما جز کشور های - ظاهرا - بی طرف بودیم ولی
 مجموعه عوامل اجتماعی کمک کرد که جامعه ما متمایل به متفقین
 عمل کند . در این ارتباط بود که طبیعتا عناصر انقلابی -
 سوسیالیستی هنر و ادبیات هم شکوفا شد . و در این مقطع ما نیما را
 داشتیم و باز هدایت را داشتیم ، و بزرگ علوی را که اینها در واقع
 چهره‌های درخشان انقلابی ادبیات مقاومت آن دوران بودند . البته
 هدایت آثارش با عناصر ویژه‌ای از زیبایی شناختی خرده بورژوازی
 یافته شده بود . ولی در مجموع فرهنگی که از خود به جا گذاشت یک
 فرهنگ مقاومت به نفع توده‌های مردم بود . ما نمیتوانیم هدایت
 را به صرف داشتن کتابی مثل "بوف کور" که جامعه بورژوازی آنرا -
 علمش کرد و به عنوان قله ادراکات هنری مطرح کرد به آن تکیه
 کنیم و زیر سؤال قرار بدهیم . ما نمیتوانیم هدایت را به عنوان -
 هنرمندی که با معیارهای هنر خرده بورژوازی در یک سیستم مجرد و
 انتزاعی مسائل خودش را مطرح کرده ، مهربان بزنیم . همانطور که
 گفتیم مجموعه آثار هدایت به نفع توده‌های مردم است . حتی آثاری
 مثل "طاجی آقا" که حاکمیت و ارتباطات حاکمیت و نهاد های اجتماعی
 را مطرح میکند در شرایط امروز هم از کتابهای ممنوعه بود . البته
 در باره‌ی آثار دیگرش با وجود اینکه ارزشهای استاتیکی خودش را
 از یک نوع پیش متافیزیکی و مجرد از ماده کسب میکند ولی در عین
 حال بر ضد پیش متافیزیکی هم برمیخیزد . مثل "انسانه آفرینش" . با
 این حال هدایت جز چهره‌های ادبیات مقاومت ما است در باره یکسایه
 خرده بورژوازی . و باید گفت که در آثار او عناصر سوسیالیسم
 ضعیف است
 عشقی - گفتید که تناقضی در کارهای هدایت وجود داشته . از سویی
 از نظر شکل بیان متأخر از زیبایی شناسی بورژوازی غربی بوده و
 در عین حال رویکرد به مسائل زحمتگشان داشته . این تضاد در آثار
 هدایت به سنتری ختم میشود که در مجموع به نفع توده‌ها بوده این
 عقیده شماست . من اما هدایت را به شکلی دیگر میبینم . هدایت
 به طبقه مرفه جامعه ایران خلق داشته در نتیجه با غرب ، و با
 فرهنگ غربی بورژوازی ، تماس نزدیک داشته . یعنی مواد اولیه
 تفکر هنری خود را از غرب میگرفته ، هدایت بتکل غالب معتقد به -
 نوعی مادی گرایی نهیلیستی است . به این خاطر در چندین هدایت
 هنرمندانی ارج می یافتند ، که بیانگر هنری انحطاط فرهنگی -
 بورژوازی ، چه آگاه و چه نا آگاه بوده اند . هدایت در آثارش به -
 نفعی متافیزیک میرسد ، اما با نفعی متافیزیک به اخلاقی اجتماعی امید
 بختی نمیرسیده . و با اینکه به مادی گرایی تاریخی در مفهوم عملی
 اش نزدیک نمیشد . هدایت حتی هنرمندانی را در ایران پاس -
 میداشته ، و از آنان متأثر میشده ، که از جانب بورژوازی غربی ، -
 مهربان خورده بوده‌اند . البته بورژوازی غربی و جوی از -
 اندیشه‌ی آنان را تا شید میکردند که از جنبه‌های بالنده‌ای برخوردار
 دار نبوده‌اند . مثل خیام . عیان خیام بر علیه‌ی خام اندیشی -
 های قشری زمانه ، که بوسیله‌ی قدرتمندان ، انسان را برای -
 دست یابی به سعادت ، به جهان باقی حواله میدادند و از لذت های
 مادی این جهان برخوردار میباشند . این عیان ، که در زمان -
 خود بسیار مترقی بود ، در چندین منتقدین بورژوازی خیام یا -
 اصلا مورد اعتنا قرار نمیگرفته ، و با اینکه کمتر مورد اعتنا قسرا
 میگرفته . بیشتر ناامیدی ، پاس و زندگی بیکوری و لذت طلبانه‌ی شاعران را

که در پوسته ظاهری اشعارش جریان داشته، مورد بررسی منتقدین بورژوا قرار میگرفته. هدایت هم بصورت غالب، این بخش از شخصیت خیام را مورد توجه قرار میداد. مجموعه آثار هدایت را به دو بخش میتوان قسمت کرد. آثاری که نگرش فردی هدایت و اصولاً "من" - نویسنده را گزارش میداده مثل "بوف کور" و "یاقوت خون" و "پایین سمت" ... این آثار در عین حال بورژوازی ترین اسلوب را در سری کارهای هدایت داشته، و نیز چون نگرش فردی نویسنده را بیسان میکرد، از ملموس ترین و جاندارترین آثار او محسوب میشود. از سویی دیگر هدایت آثاری دارد که از نظر مضمون به مسائل زحمتکشان و مردم کوچه بازار نظر داشته. در این قبیل آثار گرچه هدایت در توصیف جزئیات زندگی، از جمله رفتارها و گویشها، بظاهر زندگی را چنانکه بوده نشان میدهد، اما دیدگاه نیهیلیستی و واژدهی خود را به زندگی مادی کارا کترها پیش که در زندگی واقعی نمیتوانستند اند چنین باشند، تحمیل نمیکرد. فرجام زندگی زحمتکشان آثار هدایت جز بعضی از استثناها، مثلاً "حاجی آقا" که اشاره کردید، پایه مرگ ختم میشده یا به خودکشی و یا به چشم اندازی خاکستری از هستی. به اعتقاد من سمت و سویی که زحمتکشان در آثار هدایت دارند؛ نمایانگر شخصیت واقعی آنها نیست، بلکه این روح منزوی هدایت است که در کالبد زحمتکشان، هر چند که این کالبد بظاهر واقعی بنظر میرسد، جاری میشود. خلاصه کنم، به اعتقاد من، در آثار هدایت هنر مقاومت بوده بی بسیار رنگ باخته و نامشخص است.

سلطانپور - بخشی از صحبتهای شما مورد نظرم هم هست عنصر سوسیالیستی به شکل منحنی در آثار هدایت وجود ندارد. عناصر توده‌یی به نفع زحمتکشان اما هست چون وقتی به عنصر سوسیالیستی اشاره میکنیم دقیقاً به آرمان طبقه کارگر میانندیم و این در آثار شما دست کم مثلاً در "وجه عاشق در نا قوس" حضور پیدا میکند، هدایت نه. اما اینکه بگوییم هدایت زحمتکشان را از دیدگاه خودش نگاه نمیکرد، نمیتواند درست باشد. کم نیستند آثار هدایت که زندگی طبیعی زحمتکشان را تصویر میکنند. گویش زحمتکشان، کاراکترشان، اشیاء مادی پیرامونشان در آثار زیادی از هدایت بدرستی متجلی و متبلور است اما پایان بندی این آثار از همسان دیدگاه خرد بورژوازی واژه و منزوی پرغور دارند. البته این پایان بندی در همه جا مطلق نیستند. به این دلیل هدایت هم به اجتماع میپرداخت، هم به مجموع فرهنگ درونش از کودکی. تا تمامی تجلیات این فرهنگ در رشد فردی خودش و اینکه چطور باید با این زندگی کنار بیاید. هدایت از تناقض سرشار است. هدایت با خودکشی خود در واقع نهایت حرکت مادیاته خودش را نسبت به کل زیست اجتماعی فردی خودش مادیته بخشید. این سخن بدین معنا نیست که هنرمندی خودکشی کند مادی است هرگز. ولی مجموعه محصولی که از زیست خودش به نفع توده ها باقی گذاشت، دقیقاً بدین معناست که او دیگر نمیتوانسته برای زحمتکشان و برای زندگی اجتماعی مفید باشد. سرانجام بورژوازی، و فرهنگ بورژوازی، در درون هدایت، هدایت را کشت. هدایت وجه اجتماعی خود را نکشت، وجه اجتماعی مادی هدایت حضور دارد. در واقع وجه غیر اجتماعی روان پریش چون آمیز هدایت او را به نفع وجه اجتماعی شخصیت هنریش، نابود کرد.

طالبی - عنصر سوسیالیزم را در آثار شما چگونه میبینید؟ سلطانپور - در آثار شما، عنصر سوسیالیزم موج میزند. شما اولین هنرمند مارکسیست - لنینیست ایران است. در اشعار دوران اولیه زندگی هنری شما که جوانی پر شور و پر استعداد بود، عناصر متافیزیکی وجود دارد. بعداً از طریق برادرش لارین - که میدانیم

از اعضای فعال حزب عدالت بود شما مارکسیست - لنینیست آشنا میشوید. بعد از این به شدت عناصر متافیزیکی در آثارش رنگ میبازد. شما فقط در فکر شکل نبود، بلکه برای مجموعه مفاهیم و ادراکات هنری اجتماعی، ناگزیر به سوی چنین شکلی رانده شد. ما اغراضاً راهم باید به عنوان هنرمندی خلقی نام ببریم. به ویژه در اشعار گیلکیش که به هیچ وجه قابل قیاس با هنرمندان مردم گرای دیگر مثل نسیم شمال نیست. چون او ارزشهای هنری را در درون ارزشهای اجتماعی و زیبایی یافته و به نوعی دارای ساختمان هنری است. ما میبینیم که یک عکس العمل طبیعی در مقاومت دوره عقلمندان بهلوی نسبت به هنر مقاومت مشروطیت پیش می آید. در این زمان دو عنصر مشخصاً عمل میکنند: اول عنصر دیکتاتوری است. بویژه بعد از سالهای ۲۲، این عنصر در راندن محتواهای مترقی به سمت قالبهای مبهم نقش ایفا میکند. عنصر دوم تمایل هنرمند در فاصله گیری از سطح نازل هنر شعار دوران مشروطیت است این دو عنصر هنر و ادبیات را به جهتی میبرند که فرم با محتوا در عین آنکه از یک دیدگاه همخوانی دارد، از یک دیدگاه ناهمخوان است عنصر سوسیالیزم باید به درون اشکال هنری شده ها واریز بشود. باید از زیبایی شناختی ویژه‌یی مورد تجربه‌ی هنرمند قرار بگیرد. در این صورت است که مایک رابطه واقعی بین هنر و توده خواهیم دید. در شرایط صورت هنر همان سرنوشتی را پیدا میکند که شعر شما پیدا کرده بود. این به آن معنی نیست که در ارزشهای تاریخی هنر شما شک کنیم. بلکه اشعار شما را ناقصین مارکسیست جامعه می باید مورد ارزیابی قرار دهند، تا عناصر سوسیالیستی شعرش به آینده واریز شود و هنر و ادبیات خلقی ایران را آبیاری کند. در اینجا فقط یک انتقال ساده شکل و محتوای آثار شما منظور نظریست بلکه رهنمودی است برای شناخت تجلی آرمانی هنر توده‌ای. شما هنرمندیست - خاکستگاه سوسیالیستی، بررسی اشعار شما میتواند سیر نظریات بورژوازی که منگرتشیببین مسائل اجتماعی از طریق هنرمندان سیاسی ست، مهیج را طل بزند.

مادر ایران هنرمندی با چشم اندازهای گسترده‌ی شما نداریم. ویا کمتر داریم. شما نماینده‌ی هنری اجتماعی و مبارز است. اما بدلیل درگیری با دوا رفاهی تحمیلی هنر و ادبیات (دیکتاتوری از سوشی، مقاومت در مقابل هنر شعاری از سوشی دیگر)، نارساییهایی دارد. منظور البته زبان شما نیست. اما فضا سازی، نموده‌های هنری، شیفتگی بیش از حد به تعاویر پیچیده، باعث شد شما رابطه‌ی توده‌ای برقرار نکنید. اما شما توانست توسط هنرمندان دیگر بدون جامعه راه ببرد. تا عیان مبارز اجتماعی به شما رجعت میکردند. شعر آنها با شما شروع نمیشد، ولی به شما ختم میکردید. و این نشانه‌ی شکوه شما در زمینه‌ی هنر مقاومت است. البته با ذکر این نکته که دیدگاه اشتقاقی نسبت به شما میباید همواره حفظ شود. ادامه دارد

پوشش و تمجید

- در جهان شماره ۱۹ در مورد گزارش جشن عید در مونترال - کانادا تعداد شرکت کنندگان بجای ۳۵۰ نفر، ۵۰ نفر ذکر گردیده بود.
- در جهان شماره ۱۹ در اخبار مربوط به نیکاراگوئه، کانتراس، نیروهای ضد انقلابی نیکاراگوئه، احتیاجاً به معنی یکی از مخالفین دولت این کشور قید شده است.
- در جهان شماره ۲۰ در مقاله "اعتیاد به اعتیاد" افغانستان جزو کشورهای تحت سلطه امپریالیسم آمده است.
- تاریخ روی جلد جهان شماره ۲۰، اشتباهاً بجای خرداد و صفر قید شده است.

هنر و حقیقت عینی

عینی بودن حقیقت در شناخت‌شناسی
مارکسیست - لنینیستی

توضیح

در بزرگداشت خاطره هنرمند فدائی خلق، سیدسلطانپور که در طول زندگی کوتاه ولی پر بار خویش، هیچگاه از شناخت حقیقت عینی غافل نماند و آثار هنری او چیزی جز انعکاس آگاهانه و آینه‌نمای عینی جامعه آن نبود، مقاله کوتاه زیر - اثر لوکاچ در مورد هنر و حقیقت عینی را درج میکنم. این اثر معمول دورانی از زندگی لوکاچ است که وی هنوز ایدئولوژی مارکسیست - لنینیستی را نپذیرفته بود. ما چاپ این اثر را بخاطر آشنایی بیشتر خوانندگان "جهان" با شناخت‌شناسی مارکسیست - لنینیستی حقیقت عینی در اینجا مناسب تشخیص دادیم.

"جهان"

درباره نویسنده

کشرک لوکاچ (۱۸۸۸ - ۱۹۷۱) فیلسوف، منتقد ادبی و یکی از رهبران حزب کمونیست مجارستان، در اولین ماههای جمهوری شوروی مجارستان در سال ۱۹۱۹، به سمت کمیسر آموزش و فرهنگ انتخاب شد. بعد از سقوط جمهوری مجارستان از کشور منواری شد و تا پایان جنگ جهانی اول در اتریش، آلمان و شوروی زیست. لوکاچ در سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹ در فعالیتهای حزبی شرکت داشت. نوشته‌های این دوره وی "تاریخ و آگاهی طبقاتی"، "لنین: مطالعه‌ای در مسوود انسجام فکری او" و "نوشته‌های سیاسی" میباشد که علیرغم اشعاراتی که در آنها دیده میشود، از بهترین نمونه‌های ادبیات مارکسیستی است.

بعد از سال ۱۹۳۵، وی فعالیتهای سیاسی را ترک گفت و به نقد ادبی پرداخت. در این دوره وی در بسیاری از شوریه‌های دهه ۳۰ خود، از جمله نظری "بازتاب" که کلا بر اساس نظریات مارکس، انگلس و لنین بنا شده بود، تجدید نظر نمود. بعد از سال ۱۹۴۵ به مخالفت جدی با حزب کمونیست شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی پرداخت. لوکاچ تا آخرین سالهای عمر خود به تالیف آثار در مورد زیبایی‌شناسی و فلسفه پرداخت.

مارکسیسم - لنینیسم که در رابطه با مسئله عینیت در بازتاب هنرمندان واقعیت اهمیت دارند، محدود ماژیم.

نخستین مسئله‌ای که باید بسندان پرداخت، بازتاب‌های مستقیم دنیای خارج است. شناخت در این بازتابها نهفته است آنها اس و اساس و نقطه آغازین هر شناختی میباشد. اما آنها فقط نقطه آغازین اند و نه تمامی آنچه که روند شناختن را تشکیل میدهد. مارکس در این رابطه با وضوح کتمان ناپذیری مینویسد:

"اگر نمود Appearance و واقعیت کا ملا یکسان بودند، علم بسیار بی محتوا - میشد." و لنین در مطالعه‌اش در باره منطق هگل این مسئله را مورد مذاقه قرار داده، به فرمولبندی زیر دست یافت:

"حقیقت نه در آغاز، بلکه در پایان روند شناخت، و با بطور دقیق تر، در طی این روند یافت میشود. حقیقت تا شبیه نخستین نیست." لنین به پیروی از مارکس با مثالی از اقتصاد سیاسی، مشاهده‌زیر را بعمل آورد: "ارزش مفردهای است که کالاها را از مادی بودن شان محروم میسازد، معیاد از قانون عرضه و تقاضا حقیقی سر است." با تکیه بر این مشاهدات مقدمانی، لنین به تعریف کارکرد Function سرمایه مجرد، مفاهیم، قوانین و غیره در کلیت درک بشری از واقعیت و نشان دادن مقام آنها در نظری کلی بازتاب و شناخت عینی

درستی عنوان شود و پاسخی برای آن پیدا کرده. معیاد همین که مسئله تا سطح یک سوال مربوط به شناخت‌شناسی Epistemology ارتقاء مییابد، متفکرین بورژوا با در ماتریالیسم مکانیکی اسپر میشوند و با در ایده‌آلیسم فلسفی غرق میگردند، لنین با وضوح بی نظیری خلقتها و محدودیتهای هر دو جریان تفکر بورژوازی را برشمرده. او در - باره ماتریالیسم مکانیکی مینویسد:

"تکست عمده (ماتریالیسم مکانیکی) فرنانوا ناشی این دیدگاه در کارا بریدیدالکتیک در نظری بازتاب* و در روند و تکامل دانش نهفته است. وی ویژگی‌های ایده‌آلیسم فلسفی را به گونه زیر برمی شمرد:

"برعکس از دیدگاه ماتریالیسم دیالکتیکی، ایده‌آلیسم فلسفی تکامل یک جانبه، انزوا آمیز، مفرط و برجسته شدن بیش از حد یکی از جنبه‌ها، یکی از وجوه و یکی از حیطه‌های دانش در مطلق مقدس و جدا از ماده و طبیعت میباشد. ... تک بعدی بودن، یک جانبه بودن، حجج، ذهنیت‌گراشی و کوردلی، اینها هستند ریشه‌های شناخت‌شناسانه ایده‌آلیسم."

اساس هرگونه درک صحیح از واقعیت، چه واقعیت طبیعت و چه واقعیت جامعه، در شناختی و قبول Recognition عینی بسودن جهان خارج، یعنی وجود جهان خارجی مستقل از شعور بشری، نهفته است. هرگونه ادراک دنیای خارجی چیزی بیش از بازتاب جهان مستقل از ذهن در شعور نمیباشد. بدیهی است که این واقعیت ساده در مورد ارتباط بین شعور و هستی در رابطه با بازتاب هنرمندان Artistic Reflection واقعیت نیز صدق میکند.

نظری بازتاب‌پایه مشترک هرگونه احاطه تئوریک و پراتیک بر واقعیت را از طریق شعور فراهم می‌آورد. در نتیجه این نظری پایه تئوری بازتاب هنرمندان - واقعیت نیز میباشد. در بحث حاضر ما میکوشیم که جنبه‌های ویژه بازتاب هنرمندان را در چهارچوب تئوری کلی (بازتاب - م) بررسی نمائیم.

برای شخصین بار ماتریالیسم دیالکتیک در نوشته‌های مارکس، انگلس و لنین تئوری بازتاب را به گونه‌ای صحیح و جامع عرضه نمود. درک تئوری صحیح عینی بودن عالم و بازتاب واقعیت مستقل از شعور در ذهن که تئوری ماتریالیستی و دیالکتیکی میباشد، برای ذهن بورژوا غیر ممکن است. البته در عمل نمونه‌های فراوانی از بازتاب صحیح واقعیت در علم و هنر بورژوازی یافت میشود. همچنین کوششهای فراوانی بعمل آمده است که این مسئله به

واقعیت می‌پیداؤد: "همانگونه که ادغام ساده ارزش، عمل ساده مرادف کالای ساده گونه‌ای جنبشی هم‌منفاده‌ای اساسی سرمایه - داری را در بردارند، ساده‌ترین تمیمها Generalizations، ابتدائی ترین و ساده‌ترین فرمولبندی مفاهیم (فنا و نتایج) گریها (نیز در بردارنده ادراک دانشما در حال رشد بشر از جهان بزرگ عینی میباشند." بر این اساس است که وی میتواند جمع‌بندی زیر را ارائه دهد: "انتزاع ماده، قانون طبیعی، ارزش و بطور خلاصه تمامی انتزاعات علمی (صحیح، بدقت بررسی شده، عقلانی) طبیعت را دقیق تر، ژرف تر، با صحت بیشتر و کامل تر منعکس می‌نمایند. از مشاهده فعال به تفکر انتزاعی و از آنجا به عمل - چنین است جریان دیالکتیکی ادراک حقیقت و واقعیت عینی."

لنین از طریق تحلیل مقام انتزاعات مختلف در شناخت‌شناسی، با دقت فراوان دوگانگی دیالکتیکی درون آنها را تاکید کرد. او میگوید: "اهمیت کلیت Universal متضاد است: کلیت چیزی بیجان باغالی Impure ناکامل و... میباشد، در عین حال فقط مرحله‌ای در شناخت مجرد میباشد. چرا که ما هیچگاه مجرد را نمی‌توانیم کاملاً دریابیم، مجموعه نامحدودی از مفاهیم کلی، قوانین و غیره هستند که مجرد را در کلیتش فراهم می‌آورند." این دوگانگی به‌شکل دیالکتیک نمود و واقعیت را روشن می‌سازد. لنین میگوید: "پدیده از قانون غنی تر است." و سپس درباره بکر از تعاریف هگل مینویسد: "کلمه (منفعل) توضیح درست و کاملاً ماثریا - لیستی است. هر قانونی با آنچه که منضمل باشد سروکار دارد - و به این دلیل قانون، هر قانونی، ناقص، محدود و تقریبی میباشد با چنین بینش ژرفی از ناکامل بودن بازسازی ذهنی Intellectual Reproduction واقعیت - هم در بازتاب آینه‌وار پدیده‌ها و هم در مفاهیم و قوانین (هنگامی که آنها یک جانبه، غیردیالکتیکی، خارج از پروسه نامحدود فعل و انفعالات دیالکتیکی در نظر گرفته میشوند) - لنین نواخت همه فرمول بندی های دروغین شناخت‌شناسی بورژوازی را به گونه‌ای ماثریالیستی رد کند. چرا که انواع مختلف شناخت‌شناسی بورژوازی به گونه‌ای یک جانبه به اولویت یک روش در شناخت واقعیت و یک شیوه بازسازی آگاهانه واقعیت تاکید کرده‌اند. لنین به وجهی مشخص فعل و انفعال دیالکتیکی پروسه شناخت را عرضه میکند. "آیا تمویل ادراکی Preceptual Image از تفکر به واقعیت نزدیک تر است؟ هم آری هم نه. تمویل ذهنی نمیتواند

حرکت را کاملاً درک نماید. مثلاً از درک سرعت سیصد هزار کیلومتر در ثانیه عاجز است. اما تفکر میتواند و باید بشواند این را درک کند. بنا بر این تفکر حامل از ادراک منعکس کننده واقعیت است. "به این طریق دیالکتیک بر اهمیت کمی که تفکر ایده‌آلیستی به مراحل "پاشینی" شناخت میدهد، فاش آید. لنین با اشکلا اکید به ماثریالیسم شناخت‌شناسی اثر و - پافشاری تزلزل ناپذیرش بر اصل عینیت، قادر است به رابطه صحیح دیالکتیکی شیوه - های ادراک بشری از واقعیت در جریان دینامیسم شان دست یابد. او در باره نقش تغیل در شناخت میگوید: "برخورد غرد بشری به چیزهای منفرد و متاثر شدن (به‌تواتر - دن یک مفهوم) از آن امری ساده، مستقیم و بی - روح نیست، بلکه عملی پیچیده، دوگانه و زیگزاگ وار میباشد که طبیعتاً این احتمال را در بردارد که تغیل از زندگی فاعل - بگذرد. چرا که حتی در ساده‌ترین نوع تمیم از ابتدائی‌ترین ایده‌های عام (مثلاً ایده میز) تصویرسازی و تغیل به کمین می‌نشیند (بالعکس) احقانه است که نقش تغیل و تصویر راحتی در دقیق‌ترین علوم نفسی کنیم." تنها از طریق دیالکتیک میتوانیم به نقی تجرید و نازائی هر یک از جنبه های شناخت فاش آئیم. تنها از طریق انطباق صحیح و آگاهانه دیالکتیک است که میتوانیم به ناکاملی پروسه پایان ناپذیر شناخت غلبه نموده و تفکرمان را به بیگرائی بویای واقعیت عینی نزدیک تر سازیم. لنین میگوید: "ما نمیتوانیم حرکت را بدون گسیختن پیوستگی آن، بدون ساده نمسودن و تنزل آن به سطحی ابتدائی، تجزیه کردن و پایان دادن به دینامیسم آن، تصورنمائیم تبیین کنیم، اندازه بگیریم و یا تکرار نمائیم. نمایش عقلانی و تجسم ذهنی حرکت همواره در سطحی ابتدائی و بیجان میباشد و این نه فقط در خلال تفکر، بلکه در طی احساس‌ها و نه تنها در مورد حرکت، بلکه در رابطه با هر نوع مفهوم دیگری صادق است و کنه دیالکتیک در همین نهفته است. فرمول وحدت و یگانگی اجزاء متضاد همانا کنه دیالکتیک است."

وحدت دیالکتیک ماثریالیستی با عمل Practice، منتج شدن آن از عمل، کنشول آن توسط عمل، نقش راهنماگر آن در عمل، بر درک عمیق دیالکتیکی واقعیت عینی و دیالکتیک بازتاب آن در شعور تکیه دارد. -

تئوری لنینی عمل انقلابی بر شناسائی این حقیقت بنیان نهاد شده است که واقعیت همواره غنی تر و متنوع تر از بهترین و کامل ترین تئوری ای که میتوان برای شناخت واقعیت تدوین نمود، میباشد و معنادار با

نظایق فعال دیالکتیک انسان میتواند از واقعیت بیاموزد - عوامل مهم و نویسن را درک کند و آنها را در عمل بکار بندد. لنین مینویسد: "تاریخ - بویزه تاریخ انقلاب همواره از نظر محتوی غنی‌تر، پیچیده‌تر، بویا تر، دقیق تر از آنی بود که کارساز - ترین احزاب، آگاه‌ترین پیش‌آهنگ‌سازان مشرفی ترین طبقات هرگز تصورش را کرده‌اند." اشعار فوق العاده تاکتیکی لنین، توانائی او در انطباق سریع با تغییرات ناگهانی در تاریخ و بیشترین بهره‌گیری از این تغییرات در درک ژرف او از دیا - لکتیک عینی ریشه دارد.

رابطه بین عینیت اکید در شناخت شناسی (۱) و رابطه درونی آن با عمل، یکی از جنبه‌های مهم دیالکتیک ماثریالیستی مارکسیسم - لنینیسم است. عینی بودن جهان خارج بهیچوجه عینی بودن بیجان و جامد نیست که اعمال بشری را جبراً تعیین نماید. عینیت دنیای خارج، به دلیل استقلالش از شعور، رابطه‌ای بسیار نزدیک و جدا نشدنی با عمل دارد. لنین هرگونه مفهوم جبر - گرایانه، انتزاعی و غیردیالکتیکی از عینیت را در اوان جوانیش نامصحیح و دستاویزی برای دفاع طلبی قلمداد نمود. وی در مبارزه خود علیه ذهنی گراشی میخاشیلوفسکی - از "عینی‌گراشی" استرووه که آشکارا دفاع طلبانه بود، انتقاد کرد. لنین عینی گراشی را ماثریالیسم دیالکتیکی را بدرستی و عمیقاً به مثابه عینی گراشی عمل و مبارزه جویانه درک نمود. در جمع‌بندی مخالفش با استرووه لنین گفت که ماثریالیسم "عنصر رزمندگی را به دلیل اینکه وظیفه خویش را ارزیابی هر پدیده‌ای به گونه‌ای مستقیم و بی - پروا از زاویه یک گروه اجتماعی مشخص تعیین میکند، دربردارد."

"در اصل تئوری تماویل Theory of images بوده که ما همان تئوری بازتاب را بکار بردیم. مترجم.

۱- عینیت به مفهوم ظاهر به تحمل هر نوع موقع بی تفاوت نسبت به مبارزه، بلکه به معنای قبول عینیت کامل طبیعت و جامعه و قوانین شان است.

یادشده‌ای تیرماه گرامی باد

غزل رفیق

ای سحر شبانهام ، آتش جاودانهام
 ای گل سرخ خانهام
 شور من و شرار من
 زخمه ماندگار من
 چشم تو خنده سحر
 دست تو تنگری مرا
 در شب سرد کارگر
 ای ز سحر نشانهام
 نیل ستاره بار من
 زخمه ماندگار من
 ای تب تند هشیام ، تبخربلند و بستیم
 گرچه به خون شکستیم ، گرچه به شعله بستیم
 با تو و بی تو من توام ، جنگی و جنگ ، هر دوام
 تاب و تب کرانهام
 موج گران گذار من
 زخمه ماندگار من
 سبلی زنگدار تو ، جوهر جاودانه شد
 غم هراسبار تو ، جذبه بیکرانه شد
 ای غم جاودانهام
 شادی بیکرانهام
 شورش من ، قرار من
 زخمه ماندگار من
 با تب و خون خندهات ، شب آفتاب میشود
 دره برف بام یخ ، می تپد ، آب میشود
 می تپد آبرنگ خون ، رود شراب میشود
 ای غزل روانهام
 ای تپش ترانهام
 نغمه روزگار من
 زخمه ماندگار من
 با تو برآه می زنم ، تا همه باغ خون شوم
 لاله واژگون شوی ، لاله واژگون شوم
 ای گل سرخ سازمان
 چشمه و آبشار من
 لاله و رودبار من ، دره و کوهسار من
 غلغل ارغوان توئی
 آتش نغمه خوان توئی
 بلبل آشیان خون
 در شب خونچکان توئی
 ای... آ
 خونگل واژگون توئی
 وا... ای منم
 پرپر تند خون توئی
 خنده اشکبار من
 حق حق بیقرار من
 حادثه زمانهام
 برق خزان بهار من
 زخمه ماندگار من
 سعید سلطانپور



زندانی قلات

ای دوست

ای برادر زندانی

اینجا

میان سلخ اندیشه و امید
 روی قلات خون و فلز و کار
 روی کران ماهی و مروارید
 در بندر نظامی نفت و ناو
 در کشتزارهای برنج و جای
 و در کنار کله و گندم

ما

این بام های کوچک توفان

آهنگ پیشگویی توفان ناگهان

در بند های سرد قزل قلعه و اوین و حصار

زندانیان خسته ای این خاک نیستیم

زندانیان خسته ای این خاک دیگرند

زندانیان خسته ای این خاک

در بند کارخانه و کار سنجگونند

اشبه سرخ رنجبران اینجا
 زندانیان خسته ای زندان کثورتند
 اینجا سلاح و سکه و جاسوس
 فرمانروای دوره ای شادای ست
 و خانه های مردم سرشار قلات
 اشبه بندهای عمومی و انفرادی ست
 ایران در این میانه تشویش
 مفهومی از اسارت و آزادی ست
 و باز همچنان

ما

این بام های کوچک توفان

آهنگ پیشگویی توفان ناگهان

با داغ های تافت

گل های زخم و پوست -

با سینه های سوخته می خوانیم

از بندبند قلعه ای تاریک:

آزادی

ای تحول خونین

ای انقلاب نزدیک

شعر "یک چهره از سعید" توسط آقای دکتر اسماعیل خوشی در دوم تیر ماه ۱۳۶۰ پس از شنیدن خبر شهادت رفیق سعید، سروده شده است. آقای خوشی اخیراً این شعر را برای چاپ در "جهان"، در اختیار ما گذاشته‌اند. ما ضمن تشکر از ایشان، آنرا در ستون شعر درج می‌کنیم.

یک چهره از سعید

مدام سوک،
همیشه اندوه.

سعید جان!
آئین مرگ اندیشان

چه بی شکوه می خواهد ما را،
آه

چه بی شکوه!

آئین مرگ اندیشان
می نالد و

بی خود می بالد:
مدام سوک،
همیشه اندوه.

و اینچنین است،
اینچنین باید باشد.

وقتی که در قبیله گرگان خونچون نکرده پیش از تاریخ،
در نابهنگام،

با یعنی،
در این شب ششرون دیرانجام،

زیر نگاه ماه تمام،
فواره می زنده سوی آن ندانم مرگ اقام

غمزوزه قمون شده هاری بزرگ.
وز گلده گرازان

یک کهکشان ستاره شوم
بر می دم:

که یعنی
در آفتاب خشم

سیمدهزار چشم
به ناگهان

در شب ویران کردن
مشعل می افروزد:

یعنی
این جنگل است باز که می سوزد

در آتش شبانه بیماری بزرگ،
و اینچنین است.

و اینچنین باید باشد
تا

آنگ -
زیرکترین پلنگان را

تک تک

و

پس، یعنی، گروه گروه،

انبوه انبوه،
به اوج های ژرف ترین پرتگاه برآرد
تا چاری بزرگ.

ما نیز کشته می دهیم،

آری!

اما

برای زیستن

و

پس، بی گریستن.

ما نیز کشته می شویم،

آری!

اما

برای آزادی

و

پس، با شادی.

ما نیز سر نوشتی داریم،

آری!

اما

پاک،

یعنی

پالوده از دروغ های فرافراکی،
که خود
به دست آزادی

آن را می سازیم.
ما نیز هم بهشتی داریم،

آری!

اما

بر خاک،

یعنی

دنیائی از عناصر زیبایی و درستی و پاک،
وقتی که با شادی
و رو به آبادی

این جهان را می سازیم
در راستای دلکش معماری بزرگ.

آری،

ما

با زیستن بیمان بسته ایم
در جاری بزرگ.

و مرگ را، که چهره ای از هستن است،
تنها برای آنچه اینسوی مرگ است

می پذیریم

با آری بزرگ.

ما نیز می میریم،

آری!

اما ...

هی، های، آهای

لولی و شان شنگ ترین برد میدان، آئی
رقمندگان لاله

بر قالی شگرف باف بهاران!
می خواهم از شما

که برای رضای آب

یا آفتاب

یا خاک

یا هر چه پاک،

مثل نسیم،

با چنگ بامدادی رنگین کمان و
با دف باران و

شنبور چشمه ساران و

یا

سنتور آبخاران

همنوا شوید!

و همسرا شوید

در راستای شادی سرشاری

که بی گمان، همانا، می زاید از،
و می فزاید با،

این

همکاری بزرگ.

می خواهم از شما

باران،

هنگاران،

فرداواران،

بیداران

کز آنسوی حصار کربان شکر داران

با ما باشید،

با ما هم‌آوا باشید

تا ما

خود را نجات دهیم

و وار همیم،

در جاری بزرگ،

از این خواری بزرگ.

می خواهم از شما

کز ما بکوشید

با هر که در بهار جان و جهانش می روید

که ما به هیچ روی خزان را دوست نمی داریم!

زیرا که ما نیز

یعنی

از گوهر شگفتن

واز نژاد برگ و بهاریم!

پس، بی گمان، همانا

کز هر چه پیرو یارین بیزاریم.

می خواهم از شما

که این همه را

از ما بهار و آری بگوئید بگویند

آن هر چه ها

کز آنسوی تردید و بیم

از شمیم شما می رویند

در دشت های شادی و سرشاری بزرگ.

می خواهم از شما

کز ما بهار و آری بگوئید بگویند:

ما،

ما زیستن پرستان، هرگز،

هرگز،

کوریستان را دوست نمی داریم!

وز لاش و لاشخوار

بیزاریم!

و می گماریم،

می گاریم

عشق بزرگ و

تا کلده به دامن بیزاری بزرگ.

می خواهم از شما

می خواهم از شما

کز ما هزار بار بگوئید بگویند

با قاری بزرگ.

اسماعیل خوشی - دوم تیر ۱۳۶۵ - تهران

داماد سازمان

آن روز زندان اوین

بر چوبه های تپیر

هشت تیر سرخ را

آخرین وداع بود

و هشت گلوی آتشفشان

خواندند

سرود سرخ رهائی را،

تاریخ باور نمیکنند

ای آشنا ترین

از کشتار گاه می آمدی ای آشنا ترین

با، در سردمان

با یک سبد گلوازه های شعر

با یک کارون غزل

با مد ترانه، با مد سرود.

مدای تو شامیر است، ای آشنا ترین

با مدای نجه مردم.

گفتی که زنده میمانی، در مسیر مسلسل

در فلات شعر و عشق و اندیشه و امید

بینین مسلسلها نام تو را فریاد میکنند

شعر ترا آواز میکنند، ای آشنا ترین.

* * *

ای چشم من بیمار

ای گونه بیروی

ای ناله ام برآ، در سوگ آن آشنا ترین.

* * *

اما تو ای عزیز،

با آن واژه های داغ

با حرف حرف خون

آیا رمز آتش راهی می کردی

که دیوهای شب، در عصرهای بیخ

کین تو را در دل سپردند؟

آیا تو آیه های عشق میخواندی

که رهروان رهائی، سپر دورا در سینه گاشتنند؟

ای آشنا ترین

از کشتار گاه، می آمدی

با گل سرود خون

رفیق سعید

مرگ ترا...

ما انتظار میکشیم

ما انتظار میکشیم

روز شروع طوفان

طوفان فریاد دعایت

روز طلوع خورشید

خورشید شعرهایت.

اما بدان سعید

در سوگ رفتنت رفیق

ما دیگر سیاه نمی پوشیم

پیراهن سرخ شعرهایت را

بر تن میپوشانیم،

بر درب هر شهر و کارخانه،

بر روی برج آزادی میافزایم

و بر تن آزادی و کار میپوشانیم،

آه فدائی خلق

اینگ تو نیستی که فریاد میکشی

فریادهای تو رفیق

آوازه های تو سعید

از جنگل سیاهکل

تا قیام بهمن

و از قیام بهمن

با نغمه رهائی مردم

با کوله بار عشق.

اینگ تو زنده ای

گونه های داغ

هر چند بی آفت چشمانت، اما

بر لب گلشنده ای نجیب، در دل گلوازه های

قریب

و در دستت مسلسلی است

که هنوز میسراید شعر زندگی را،

آری تو زنده ای

آتشفشان خشم نمی میرد

آفتابنوس عشق نمی میرد

کوه اراده نمی میرد.

اینگ تو زنده ای

قلبت را هنوز می بینم، سرخ و پر طپش

وقتی فریاد میردی

این موج صوت نبود

این تکه های آتشین قلبت بود

که در فضای تیره شب اوج میگرفت

آری هنوز هم

مرغ نجیب صدای تو پرواز میکند بر فراز شهر

و من هنوز میسوزم

در هرم نفسهای داغ و سوزانت،

ای آشنا ترین

از کجا می آمدی با کوله بار شعر

با قامتی بلند

چون سفره های کوه

ای آشنا ترین...

اسفندماه ۶۲ - کراچی "ن.تانی"

تا طلوع قیام سرخ آینده

تا بینهایت ها

در قلب ما

زبانه میکشد...

فریادهای سرخ شو اکنون

از گلوی رنج

و از قلب کار می آید

داماد سازمان

و ای ستاره خونین انقلاب

فرزند رنج و زحمت و فریاد

و ای شکوفه سرخ آزادی

با افتخاره کهنه و خشم ترا

در قلب فریادها مان می گاریم

و عشق عظمت را پاس میداریم.

نام تو اینک

با اعتصاب و اعتراض

با انقلاب و رهائی

با مارکسیسم و راه لنین

پیوند خورده است.

داماد سازمان

و ای کسبل سرخ انقلاب!

۸ تیر ۱۳۶۵ - کاکو

دیدگاهها



بمنظور پیشبرد امر مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله یا مقالاتی در این رابطه درج خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.

انقلاب آقای رجوی در علم و فلسفه! : نقدی بر کتاب تبیین جهان (۴)

نوع ماده متناقض میباشند که با دمیدن روح در آنها حیات پدیدار میشود: ۱- گل، ۲- آب و ۳- خون (۱). گل به پیروی از افسانه خلقت در شورات و نیز مشاهده مجسمه های گلی در افسانه آفرینش را یافته است بطور نمونه در بعضی از آیه های قرآن آمده است که خدا آدم را از خاک ساخت و بدو گفت باش و وجود یافت (۲). در جایی دیگر خدا انسان را از آب میآفریند: "و است که از آب بشری آفرید و آنرا از دو بیونند کرد" (۳). در آیه ای دیگر ذکر شده است که "انما یرا از گل عشکه از گل بو گرفته، بسا ختم و چنان را از آتش بی دود بسا ختم... و از روح خویش در آن (انسان) دمیدیم" (۴). این تناقضات در توضیح منشأ مادی انسان و تشبیه منابع و تجربیات مختلف میباشند. نظایق شورات و انجیل منشأ انسان خاک غیر حیاتی بوده و بنا بر فولکلور اعراب آب میباشد. محمدرضا شرمشاد ذات تجزیه خود، منشأ مادی واقع بینانه تری (خون) را به "خاک" و "آب" افزود، بنا بر این در افسانه آفرینش قرآن، انسان نه از تکامل انسانها "جزئده" (بخشها) مادی آقای رجوی، بلکه از خاک غیر حیاتی آب و خون و روح زنده خدا بدون تغییر در زمان (غیر تکاملی و ایستا) و بطور خلق الساعه خلق شده است در حالی که بر اساس تمامی دستاوردهای علوم طبیعی، این دیگر واقعیت مسلمی است که انسان با میمونها قرابت داشته و از منشأ واحدی - تکامل یافته اند. آقای رجوی چگونه میتواند بین نظرات مادی و علمی لتقاط ایجاد کند؟ پرسیدنی است که مسئله تناقض با استحالته اجساد انسانها پس از مرگ و در نتیجه پراکندگی و قاطعی شدن انشهای آنها را چگونه خدا در روز معاد برای تجدید حیات انسانها حل میکند؟ برای آقای رجوی این مسئله هم شاید از طریق "امر الهی حل شود! کما اینکه در قرآن بسادگی حکم شده است: "وقتی بمرید، خاک واستخوان شدید، از گور بیرون میشوید" (۵). از این سوی آیه ها بر میآید که حیات از خاک و گل آفریده شده و به آن هم بر میگردد. اینکه حیوانات، گیاهان و قارچها از چه چگونه آفریده شده اند، معلوم نیست آقای رجوی از پاسخ دادن به اینکه چگونه انسانها در روز معاد

مقدمه

در مقاله قبلی، برای ارائه و تقدیم التقاطی پیدایش انسان مجاهدین، تلخیصی از دیدگاه اسلام در مورد آفرینش انسان با استناد به همه سوره های مربوطه در قرآن و تاریخچه شعری تکامل را آوردیم. در اینجا برای روشن تر شدن این بحثه افسانه مادی خلقت انسان بطور عام را مورد مذاکره قرار میدهم. آنگاه برای نشان دادن رابطه بین انسان و خدا و اثبات این نکته که در سیستم التقاطی مجاهدین انسان از یک طرف تابع نقشه از قبیل مشخص شده توسط خداست و از طرف دیگر میتواند عنان تکامل در روی زمین را بدست گیرد، به تلاشهای مجاهدین برای اثبات خدا و همچنین حذف مقوله روح در الهیات مجاهدین میپردازیم.

افسانه سامی خلقت انسان:

چون قسمت عمده خلقت مربوط به حیات است در اینجا بطور اجمالی مقوله حیات را تشریح کرده، سپس به خلقت انسان در افسانه های سامی میپردازیم. در نظر ایده آلیستها جوهر حیات دارای یک منشأ ماوراء الطبیعه و ابدی است که قابل تجربه نمیشود. این جوهر حیات را افلاطون psyche ارسطو entelechy مذاهب سامی "روح جاوید" یا "عنصر الهی"، کانت اصل علی درونی، هگل "شعور جهانی" و ویتالیستها "نیروی حیات" نامیده اند. برای ایده آلیستها ماده بیجان بوده و فقط بعنوان ظرفی برای روح میباشد. وقتی که روح ارگانیزم را ترک کند (مرگ فرارسد) ماده بیجان برای پوسیدن جای میماند. ماتریالیستها، با تکیه بر علوم، حیات را مانند بقیه پدیده های طبیعی، مادی دانسته و برای فهم آن نه به الهیات بلکه به مطالعه تجربی و عینی توسل میجویند. ماتریالیستها با مطالعه طبیعت و فهم آن تغییر در آنرا دنبال میکنند. برای آنها ماده در حرکت دائمی خود پس از گذشت یک سری مراحل تکاملی به عالیه ترین شکل خود، یعنی به حیات رسیده است.

ممالح ساختن در خلقت انسان مطابق سوره های قرآن، سه

آقای رجوی ادعا میکند که "قرآن ... برای اثبات خدا، سراغ بحثهای کلامی و استدلالات عقلی... نمیبرد ... دیدیم که قرآن در قدم اول از همین واقعیات عینی و ملموس با مدد حواس و از طریق تجربه، شروع میکند، که این کار "علمی" است و در قدم بعدی مدد منطق و از طریق تعقل و تدبیر، به جمع بندی و تبیین میپردازد، که این یک کار "فلسفی" است" (۱۱).

مروری بر قرآن، بویژه آیه‌ها شیکه در مورد وجود خدا می‌باشد، نشان میدهد که ادعای آقای رجوی اسپکولاتیو (گمانی) بوده و حتی مطابق قرآن هم نمی‌باشد. زیرا محمد خودگاملا به وجود خدا یقین داشته و از اینکه چرا دیگران خدا را نمی‌بینند تعجب میکرد. قرآن به انسان اخطار میکند که اگر خدا را نپذیرند آتش جهنم (که غسود مقوله اعتقادی ثابت نشده دیگرست و منتج از اعتقاد به خداست) در انتظارشان است. محمد گاهی با تهنیت احسانات که منجر به ترس، نگرانی یا امید میشد (۱۲)، با یا شیوه مستقیم از طریق اخطار به آنها (۱۳) بویا غیر مستقیم با کار برد داستانهای عهد عتیق (۱۴) وجود خدا را یادآوری میکرد. در قرآن استدلال دیگری بنام "حکمت الهی" وجود دارد که از طریق تکرار القا کننده و روان‌شناسانه و با تهنیت به "عذاب" و "جزا"، وجود خدا را در قلوب مومنان بیثارت میدهد. بطور کلی، محمد، با توجه به نوع مخاطبان، استدلالات زیر را دال بر وجود خدا ارائه میدهد:

- ۱- برای پیروان دیگر ادیان سامی، با اشاره به کتب مقدس - آنها (۱۵).
 - ۲- برای آتشپشتها (منکران وجود خدا)، ذکر "آیه" (نشانه) - های جهان و نظم جهان (استدلالات تلویوژیک و کاسمولوژیک) (۱۶).
 - ۳- برای بت پرستان، با اشاره به عقل (اختلاکت) و عدم قدرت بتها (۱۷).
- پس در قرآن، استدلال تلویوژیک بصورت علت الهی در نظم، جهنداری و تناوبات مربوط به خورشید، زمین، ماه، روز و شب آمده است (۱۸). همچنین استدلال آنتولوژیک بصورت وحدت الهی، یعنی - ضرورت خدایی یکتا "برای نظم و حرکت ستارگان، شهبیر فصولو ... دیده میشود. بقول آقای رجوی "مجموعه حرکات جهان ... بالایی هست این یکی از مفاهیم توحید در ایجاد وجود شناخته و با مطلق آنتولوژیک است" (۱۹). در قرآن هر چند آیه‌هایی برای استدلال - کاسمولوژیک آمده‌اند که بعدها، با احادیث روشنتر شده‌اند. در این آیه‌ها، این دلیل رعب آور که عدم پرستش الله باعث فروپاشی نظم گیتی میشود، آمده است این استدلال بسیار ضعیف است زیرا قبل از پرستش الله توسط اعراب جاهلیت نظم گیتی همواره برقرار بوده است - اما نظرات آقای رجوی در مورد "اثبات خدا"، که البته همیشه

بطور ضمنی implicit مطرح شده و باید استخراج شوند، بقرار زیر است: ایشان سه استدلال الهیون عیسوی را برترتیب در ۱- "یک محرک"، ۲- "واجب الوجود" و ۳- "علت الطل" یا "مانع" خلاصه میکند. (۲۰) ما استدلالات سه گانه فوق را قیلا شرح داده‌ایم، در اینجا به استدلال "مانع" برخورد میکنیم که مورد قبول ایده آلیستهای سنتی (روحانیت) نیز می‌باشد. این استدلال چنین عنوان میشود که هر مصنوعی یک مانع دارد، پس جهان مصنوع هم باید خدایی یا مانعی داشته باشد. در مورد این "استدلال" سئوالی که فوراً به ذهن میرسد - این است که چرا انسان باید با مرارت فراوان به دستاوردهای علمی و شناخت از جهان نا ثل آید در حالی که خدا میتواند است همانگونه که تورات انجیل و قرآن را در اختیار پیا میران قرار داد، علم و تکنولوژی را هم بصورت دیاگرامها و فرمولها به دانشمندان بدهد، تا بشر امراض را زودتر مدا واکند و کلا نگاه خود را، با طبیعت تعدیل نموده و زندگی بهتری داشته باشد؟!

آقای رجوی ضمن "بطلان روشهای عقلانی وحی محض" به استدلال فوق در "آیه که خدا را اثبات کنند" (۲۱)، مجبور میشود در سطح بعد - بگوید: "همه این روش های یک بعدی میبینند؟ - ولو یک بعد را درست ببینند در تجربه با استدلالات ناب (۲۲). اینجا است که دورینک دوران ما با تبخیر فراوان وعده آشی میدهد که "میخواهیم فقط یک بعد و یک قسمت از یک چیز درست را بگیریم، آن چیزی را بگیریم که همه جایته درست باشد... تعیارت دیگر ما نمیخواهیم شوی بران - قسمت های درست علم و تجربه با فلسفه بنزیم" (۲۲). مجاهدین بخوبی واقفند که نمیتوانند از طریق توسل به علم، خدا را اثبات کنند. کوشش متقدمین آنها (بازرگان و سحایی) در این مورد با شکست مواجه شده است از اینرو ناچارند، نظرات ماتریالیستی را یک - بعدی بنامند و خود به افسانه‌های سامی در مورد اثبات خدا پناه ببرند: "خلاصه این را میخواهم نتیجه بگیرم که هرواقعیتی، هر - عینی خارج از ذهن و از این هم عامتر، هر پدیده‌ای یک آیت یا یک کلمه ایست از خدا..." (تاکید از رجوی)

با اینکه بیش از دو بیست (۲۰۰) سال از مبارزه ایدئولوژیک روشنفکران بورژوا علیه عقاید مذهبی در کشورهای بورژوازیسی کلاسیک میگذرد، بورژوازی و خرده بورژوازی سجد طلب کشورهای وابسته هنوز خرافاتی هستند. از اینرو مبارزه ایدئولوژیک با الهیات در این کشورها عمدتاً بعهده مارکسیستها می‌افتد. از نظر مارکسیستها، خدا شمایلی خیالی نیروی ماوراء الطبیعه (متافیزیکی) قدرتمندی در ذهن انسان نا آگاه است که مورد سجد و پرستش قرار میگیرد. انسانها خالق خدا با خصوصیات انسانی هستند، نه خدا خالق انسانها در طول تاریخ تثسیم (خدا پرستی)، بان تثسیم (خدای غیر انسانی)

جددا زنده میشوند ظفره میرود و علوم تجربی را در پاسخ گویی به این مسئله ناتوان میکنند. همچنین از آقای رجوی با پذیرند که سرشت بیرون ادیان پس از آن میرا ولی العزم مانند چینیها ، ژاپنیها ، بویشنا میها ، بولی نزیها و مردم جزایر دور افتاده در روز معاد چه خواهند؟ آنها به بهشت میروند یا جهنم؟ اما هدین که معتقد به روز معاد و قدرت "امراهی" در زنده کردن مجدد انسانها هستند باید به این سئوالها و معادها سئوال مشابه پاسخ گویند.

مطابق نظرات نامی در افسانه آفرینش تمام انواع موجودات همزمان بوجود آمده اند و بطور ابدی تغییرنا پذیرند.

داستان خلقت آدم و حوا هم مطابق اسطوره های نامی بدین قرار است: پس از خلقت آدم از خاک ، خدا زنده آدم ، حوا را آفرید (۶). بنا بر شواهد فرزندان آدم و حوا هفت پسر بودند (هابیل و قابیل) و از اینرو معلوم نیست همسران آنها از کجا آمده اند اگر قبول کنیم که آدم و حوا از نژادهایی بوده اند ، پیدایش نژادها "ی دیگر انسان چگونه صورت گرفته است؟ در حالی که مطالعات علمی نشان داده است اولین انسانها بیش از یک میلیون سال پیش بوجود آمدند ، کتب مذهبی نامی خلقت انسان را هزار سال قبل میداند (با محاسبات دقیق (!) اسقف جیمز اوشر Jasher ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۲۳ اکتبر ۲۰۰۲ ق.م. خلقت انجام گرفت (۷).

اثبات خدا در الهیات مجا هدین

برای درک بهتر این بحثه مجبوریم که به متدولوژی آقای رجوی در کاربرد دو طرفه ، یکی حذف برخی از مقوله های مهم مذهبی و دیگری تعاریف من در آورده برای برخی دیگر از آنها ، برخوردی - کوتاه کنیم. مورد اول ، حذف مقوله های مهم مانند الهیات ، روح و مابعدالطبیعه میباشد که اینها در بحثهای خود درباره "اثبات خدا" - ابتدا به آنها نمیپردازد ، چگونه میتوان درباره خدا و خلقت - فلسفه فرسای کرد ، ولی حتی برای یکبار هم از الهیات روح و مابعدالطبیعه نامی "میلترین" مقولات اسلام - نام نبرد؟ آیا این تردستی آقای رجوی در حذف مقولات فوق منجربه تحریف اسلام نمیشود ؟

مجا هدین خیلی خوب میدانند که تحصیل کرده های مروزی با این - مقولات میانه خوبی ندارند. از اینرو ملحت نمی بینند که آنها را - بکار ببرند. در عوض مقولات فوق را از طریق ترفندی دیگر که در زیر میآید - لعاب "علمی" زده و بکار میبرند. ترفند دوم مجا هدین این است که مکررا با تعاریف من در آورده نام و ماهیت مقوله ها را از مفاهیم قراردادی و تاریخی شان جدا کرده اند و زبان خاصی برای خود بوجود آورده اند که واژه های پیش با واژه های علمی مشترک بوده ، ولی تعاریف این واژه ها با تعاریف علمی یکی نیست آنگاه نتایج علمی مربوط به مقولات را با خاطر مشترک بودن واژه ها ، بر

احکام فیده ایستی مذهبی خود بسط داده و آنرا "سازگاری" مذهب و علم. مینامند. یکی از این نمونه ها ، "فلسفه" است که آقای رجوی با تعریف من در آورده خود ، آنرا با الهیات جا میزند (۸). با این تردستی ، الهیات عقب افتاده دیروزی که بمعنای مجموعه احکام جزئی ، مذهبی و غیر علمی میباشد ، زیر لوای "فلسفه" ، اراشه میشود. زیرا جا زدن الهیات بجای "فلسفه" برای تحصیل کرده های امروزی - فریبنده تر و "علمیتر" میباشد. همانطور که قبلا اشاره کردیم که آقای رجوی هیچگاه مقوله الهیات را که در میان مذهبیون رایج است بظلم نمیآورد.

در الهیات بحث مهمی درباره اثبات خدا وجود دارد. اثبات خدا در الهیات نه از طریق تجربی که امکان پذیر نیست بلکه از طریق استدلال عقلانی است آقای رجوی گاهی میگوید: "فعلانی رسید خدا چیست" (۹). زمانی دیگر مجبور میشود چکیده استدلال دیگران را در مورد اثبات وجود خدا تکرار کند. قبل از بررسی نظرات آقای رجوی در مورد "اثبات خدا" ، زمینه تاریخی آنرا که از فلسفه یونان ، مسیحیت و قرآن تشکیل شده ، مورد مدافه قرار میدهم. "اثبات وجود خدا" و تشریح خلقت جهان در "عنصر ادراکی - فلسفی" مذهب قرار دارد. در گذشته برای "اثبات" وجود خالق جهان نظرات زینوفسون (متولد ۲۳۰ ق.م.) دال بر "ازل نامتحرك" و "وحدت دهنده جهان" و آنا زاگورس منیبر "جهتداری جهان" و "حاکمیت شعور ازلی بر جهان" ، مورد استفاده قرار میگرفتند. در عیسویت این نظرات از طریق برخی حواریون و در تقابل با نظرات ماتریالیستی در قرون وسطی ، در سه استدلال زیر اراشه شدند (۱۰) :

۱- تلیولوژیک که بر اساس نظرات سقراط ، افلاطون و سیرودال بر مطلقیت خدا در داشتن نقشه خلقت جهان استوار میباشد. در این استدلال جهتداری ، نظم و طرح جهان ، مفروضاتی بوده که از آنها وجود خدا نتیجه میشود.

۲- آنتولوژیک که بازم بر اساس نظرات افلاطون ، و نیز سنت اگوستین بوده که برای منشاء هستی ، خدا را "واجب الوجود" میدانند. در اینجا حرکت ضرورت و هستی کامل ، مفروضاتی بوده که از آنها وجود خدا نتیجه میشود. این استدلال بنحو دیگری هم اراشه میشود که چون انسانها نظراتی درباره خدا دارند ، پس این وجود خداست که موجب این نظرات میشود.

۳- کاسمولوژیک که بر اساس نظرات ارسطو و لایب نیتز دال بر "محرک بی حرکت" برای آغاز حرکت در جهان ، استوار است. در اینجا ، علت العلل حرکت جهان مفروض بوده که از آن وجود خدا (یعنی محرک بی حرکت) نتیجه میشود.

در قرآن اثبات وجود خدا بستگی به نوع مخاطبان ، محمده دارد.



پلی تشیسم (چند خدائی)، فتمتیسیم (بت پرستی) و مونوتیسیسم (تک خدائی) پدیدار شده اند. از نظر مارکسیسم تا وقتیکه جهل و ناآگاهی از خود بیگانگی، تضادهای طبقاتی و ضعف انسان در توضیح و کنترل مشکلات طبیعت وجود دارد، از بین بردن آگاهی کاذب و ایده های غیر عقلانی گوناگون، از جمله ایده های مربوط به وجود خدا بطور همه جانبه ناممکن است و تنها در پیروسی های طولانی، با نحو تضادهای طبقاتی و ایجاد ساختمان جامعه بی طبقه کمونیستی و نه زودتر، امکان پذیر است.

از قلم افتادن روح در الهیات مجاهدین

آقای رجوی ۸۷۲ صفحه در مورد قواعد و مفهوم تکامل (حیات) فلسفهرسانی میکند، ولی یکی از اصلی ترین مقوله های مذهب، یعنی روح را که اساس ۱- توحید (روح الارواح)، ۲- نبوت (روح الله) و ۳- معاد (احضار ارواح) میباشد، فراموش کرده و از قلم میانندارد. در اینجا ما اجمالا مقوله روح را که در مذهب بعنوان همزاد - ارگانسیم است، نخست بر اساس دکمهای قرآن و سپس بر اساس تعبیرات محققین اسلامی مورد بررسی قرار میدهم.

روح به یونانی psyche و به فارسی روان میباشد که در اعمار مختلف معانی مختلف داشته است. در میتولوژی، مذهب، فلسفه ایده آلیسم و روانشناسی بورژوازی، "روح" عنصری غیرمادی مستقل از بدن میباشد. این اعتقاد بطور تاریخی در دوره animism شکل گرفت. در این دوره اعتقاد بر این بود که همه موجودات زنده روح داشته و بهنگام خواب و مرگ از آنها جدا میشود. در ادیان سامی روح یک مطلق مشخص و یک امر الهی میباشد که جهان و انسان را از هیچ خلق کرده است. فیثاغورث روح را جوهر غیرمادی و ابدی دانسته که وجودش برای هماهنگی آغشای مختلف بدن لازم میباشد. در اسلام نظرات مربوط به حیات بطور نزدیکی با مقوله روح که در واقع تشریح شده است مربوط میباشد. در قرآن خدا خالق زندگی و مرگ میباشد و به آدم روح میدهد (۲۳). یکی از آیه های مربوط به مورد اول عبارتست از "شما که مردگان بودید و خدا جانان داد و - بار دیگر میمیراند و باز جانان میدهد و باز بسوی او میروید" (۲۴) در قرآن روح به معانی مختلفی آمده است:

دمیدن (نفخ) "روح" خدایه (۲۵) و به مریم بخصوص نطقه بندی عیسی (۲۶).
 - مترادف بودن "روح" با "امر"، "علم"، "القاء"، "ایمان"، "شور".

- نسبت دادن "روح" خدایه عیسی (۲۸)
 - کمک کردن "روح" به فرشتگان (۲۹)
 - نامیدن جبرئیل با "روح"، "روح الامین" (۳۰)
 لذا روح در قرآن معانی متفاوت داشته و کلابه روان یا شخصی انسان، فرشته بطور عام، فرشته وحی و خدا گفته میشود. جمع روح (ارواح) در قرآن بکار برنده شده است در احادیث نبوی نیز به روح بعنوان مقوله ای جدا از جسم اشاره شده است.

برای مثال:

"ارواح در خواب بهم میرسند" (۳۱)
 الهیون و فلاسفه اسلامی "روح" را مساوی نفس و گاهی قلب (که خود بقول امام غزالی از دو بخش عضو قلب و عنصر الهی تشکیل شده است) دانسته اند. روح یا بخش عنصر الهی قلب بمعنی یک ماده لطیف و بخار آلودیده است که از ظرفه های قلب بمیان رگها و سپس بشتمام بدن گسترش مییابد (۳۲). این سینا معتقد بوده که روح و جسم هر دو یکزمان پدید آمده، ولی روح ابدیت هم و این سکویه روح

را غیرمادی و عامل روانی برای اخلاقیات انسان میدانستند که اقتباس از تحلیل روح انسان توسط ارسطو بود. رازی مطابق نظرات سقراط مبتنی بر اینکه روح را نفس و هوایی که برای حیات ضروری است دانسته و میگفت بین روح و جسم جدایی وجود دارد و روح سایه انسان است که بعد از مرگش باقی میماند. بطور خلاصه روح در فرهنگ اسلامی بر اساس ۱- ترس از مرگ و لذا ابدی بودن انسان.

۲- تحلیلات و تجسمات رفتن به نقاط دور دست ۳- تناسخ یا طولی روحی در جسم دیگر ۴- میدایی برای معاد و ۵- روح الارواح یا خدا پرستی بر اساس تجربه های فردی انسانها، قرار دارد. بطور خلاصه در قرآن - تعریف مشخصی در مورد روح وجود ندارد، قرآن صریحا اعتراف می کند که پاسخی در مورد روح ندارد: "ترا از روح میپرسند، بگو: روح بر طبق پیرویدگان من است و شما جز اندکی علم ندارید" (۳۳). بدینگونه محمد که برای هر پرستی، توجیهی آماده داشت، از - پاسخگویی به این سؤال اساسی شانه خالی نمود. اصلا - قرآن انسانهای جوینده پاسخ برای مفهوم روح را تحقیر میکند و از جستجوی بیشتر باز میدارد.

پاسخ مجاهدین خلق هم به مسئله روح، از قرآن فرا تر نمیروند. در تبیین جهان "آقای رجوی با نقل آیه فوق معنا همان جواب قرآن را ارائه میدهد. وی با طرح توجیهاتی از قبیل "مسائلی که از لحاظ تاریخی لاینحل هستند و" علم نمیتواند مستقیما بگوید که خدائی هست از پاسخگویی به مسئله روح ظفره میبرد.

در پرتو دستاوردهای علمی، مارکسیسم مدتهاست که مسئله روح را توضیح داده است. روح علمبرغم بیچیدگی و بیفرنج بودن آن، انعکاس جهان عینی در مغز انسان است. روح، که به مفهوم روان، اندیشه، آگاهی و شعور نیز بکار میبرود، برخلاف نظرایده آلیستها وجودی مستقل نداشته و بستگی تام و تمام به ماده دارد. به عبارت دیگر روح عالیترین انعکاس ماده است.

تکامل انسان بر اساس نقشه از قبل تعیین شده

تا به حال ما نظرات مجاهدین را در مورد پیدایش جهان و پیدایش انسان مورد بررسی قرار دادیم و التقاط نظری آنها را (بی - ایده آلیسم و ماتریالیسم) در این موارد نشان دادیم. در این مباحث مجاهدین سعی میکنند تا با نشان دادن جهت اصلی راهی که آفرینش در این مدت پیموده، استنباط التقاطی خود را از تکامل ارائه دهند. بطور خلاصه هدف بیجا هدین از بحث آفرینش جهان، انسان و اجتماع این است که نشان دهند "از روز اول نیز جهشی، سمتی، هدفی، مقصدی، غرضی و هدایتی در کار بوده است. مثل اینکه قوه عاقله ای در کار است که با نظم و دیسیپلین خاص و قاطعی، قدم به قدم جریان را - میبرد" (۳۴). این همان استدلال تلیولوژیک افلاطونی است که از - "جهتداری تکامل"، قوه عاقله، یعنی خدا را نتیجه میگیرد. آقای رجوی در "تبیین جهان" با زیرکی خاصی پیدایش علمی جهان و انسان را که مبین تغییرات تدریجی و جهشی است، جان شین اسطوره سامی که آفرینش را مبتنی بر "مزالهی" میفاند، میکند بطوریکه یک جا از - "آفرینش" انسان (۳۵) سخن میگوید و در جای دیگر از "پیدایش" - انسان دم میزند:

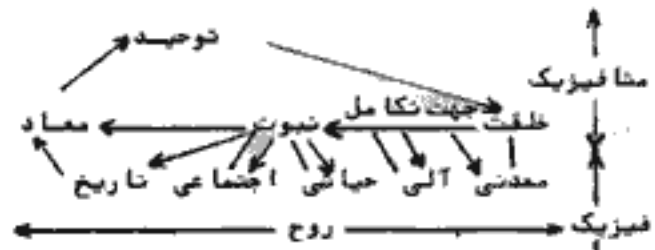
"قرآن از ابتدا تا انتها و علی الاطلاق این جهتداری را مطرح میکند، و ما میبینیم که علم هم مویست - آست و هر چه بیشتر میرویم، بیشتر تا شیدش میکند این مطلب را در پیدایش خود انسان هم به عیان میتوان دید. وقتی مقدمه چینی های یکسده شده تا انسان بیاید، بخصوص ارگانسیم میمونهای آدم شما، و تغییراتشان را مطالعه میکنیم، می -

بیشتر که زمینه دارد آماده میشود برای ورود انسان. ابتدا راست قامت میشود... حجم مغز زیاد میشود... سیستم عصبی پیچیده میشود و سرانجام ما به هیئت و وضعیت فیزیولوژیک و بیومورفوزی امروزی خود درمیآیم. خلاصه بقول قرآن "سبحانه لهما فی السموات والارض کل لاقا نحتون" (بقره ۱۱۶) همه چیزها بیکه در آسمان و زمین است در تمامیتشان کلابه سمت اوقنوت میکنند و سرسپرده و فروتن هستند (۲۵). ترجمه این آیه چنین است: "هرچه در آسمانها هست از اوست و همه لزما تبردار اویند." (۲۶)

آقای رجوی در ادامه بحث خود در مورد تکامل، تناقض دیگری را آشکار میکند: "از این پس یعنی با حضور انسان دیگر تکامل به دست خودش سپرده میشود" (۲۷) و در جایی دیگر میگوید: "بعد حیات ارتقاء و تکامل بیشتری پیدا کرد... تا روزی که سرانجام انسان - که مطابق فرهنگ اسلام نقش خلقت خدا را دارد و املا جان نشین خداست - ظاهر شد و سلطه خود را بر پهنه زمین گسترش داد" (۲۸). با دیدرسید چگونه "فرض آدمی" که در حال شکوین است با "تعمین مفعول" که از پیش تعیین شده میتواند یکی باشد؟ از یک طرف جهت مسیر تکامل جهان از قبل توسط قوه عاقله (خدا) تعیین شده و از طرف دیگر انسان تکامل به بشر (مخلوق) سپرده میشود. اگر جهت مسیر تکامل از قبل تعیین شده پس بشر چه تاثیری در آن میتواند داشته باشد! بنابراین از دیدگاه مجاهدین هم، انسان دارای هیچگونه استقلال اراده و عملی نیست. تا زمانی که مجاهدین به نقشه از قبل تعیین شده توسط قوه عاقله (خدا) معتقدند، شناختن انسان از انسان، تعارفی بیش نمیشود. همچنین آقای رجوی نا پرهیز میگوید: "میکند و انسان را جان نشین خدا در پهنه زمین میداند."

آیا اعتقاد به وجود چهار میلیارد خدا (جمعیت کره زمین) - شرک و الحاد نمیشود؟! چنانچه ادعای مجاهدین را میشنویم برای اینکه خدا عنان تکامل به دست انسان سپرده است را بپذیریم، آنگاه برسیدنی است دیگر اعتقاد به وجود خدا، انجام فرایض مذهبی، پرستش او و استعانت جستن از او چه معنی دارد؟

بطور خلاصه نظرات آقای رجوی در مورد انسان، مانند نظراتشان در مورد پیدایش جهان التقاطی بوده و از امتزاج نظرات مذهبی و علمی تشکیل شده که در شکل (۱) خلاصه میشود. در این سیستم خدا پس از خلقت جهان، ظرف شش هزار سال اخیرییا مبران سامی را فرستاده تا با تشکیل معاد کارنامه اعمال انسانهای این دوره را حسابرسی کند. منتها در این سیستم التقاطی "تکامل" جهان اولیه از "مرحله" های



شکل (۱) سیستم التقاطی مجاهدین در مورد پیدایش انسان

معدنی، آلی، حیاتی و اجتماعی گفته شده و در این گذار، جهت بسوی کمال مطلق (خدا) میباشد. این سیستم از التقاط "عنصر ادراکی خنثی" - الهیات اسلامی با علوم جدید در مورد تکامل جهان معدنی، آلی، - حیاتی و اجتماعی بدست آمده است. در این سیستم مفعولت روح که از افسانه خلقت انسان عامل تعیین کننده است و متافیزیک (مأورا^۱ الطبیعه) از قلم افتاده اند.

آقای رجوی با تلفیق "آفرینش" و "پیدایش" انسان در سیستم خود به تناقض زبرد چار میشود. با قبول خدا و اینکه او اول جهان معدنی و بعد جهان حیاتی را میآفریند، دیگر نمیتوان "تکامل" را هم قبول داشت، زیرا جهان حیاتی (وضع نهایی) که از تکامل (مکانیسم تغییر) جهان معدنی (وضع اولیه) پیداشده نمیتواند خود از پیش تعیین شده باشد. بعبارت دیگر، در این افسانه، خدانه تنها مرحله معدنی (آیه دود، بخار و گل) را خلق کرده که در پروسه "تکامل" بطور غلی به پدیده های آلی و حیاتی خواهد رسید، بلکه دوباره در روز بعد موجودات زنده ماکرو را هم بطور جدا جدا خلق کرده است.

تناقض در این دوباره کاری است یعنی یکبار خلقت جهان معدنی که در اثر "تکامل" به جهان حیاتی خواهد رسید و یکبار دیگر خلقت جهان حیاتی که بخاطر "طرح" جهان در "شعور خدا" از پیش تعیین شده است از نظر سیمپتیک دو وضع نهایی برای یک وضع اولیه سیستمی با - مکانیسم تغییر، امکان پذیر نیست مگر سیستم به بی ثباتی

unstability یا تکرار redundancy کشانده شود. همچنین تاخیر در غلظت مدار برگشت (feedback) و مدار پیشرو (forward) را که در مجموع ۱۰۰ هزار سال مطابق قرآن است عاملی دیگر در بی ثباتی سیستم میباشد. اینرا در مقاله بعدی با استناد به آیهها و سوره های قرآن و اصول سیمپتیک باز خواهیم کرد. در - این سیستم التقاطی، همانند افسانه سامی خلقت، از پدیده های میکرو (micro) مثل عناصر، ملکولها و آمیبا عبوری شیبوده و فقط به پدیده های ماکرو (macro) مثل انسان و میمون اشاره میشود. مطابق افسانه سامی خلقت، خدا با خلقت تمام پدیده های ماکرو و بطور خلق لامعه و ایستا، جایی برای تکامل دینا میک نمیکند. او که تمام تغییرات طبیعی و انسانی روی زمین را بنام خود جا میزند (۲۹) چگونه امکان تکامل خود بخود انبوع جدیدتر را از انواع قدیمی تر رخصت میدهد؟ همچنین بر خلاف نظر آقای رجوی، پروسه های "تکاملی" تسلسلی (sequential) نبوده، بلکه موازی (parallel) میباشد. یعنی پروسه های معدنی، آلی و بیولوژیک حتی امروز نیز به موازات تکامل اجتماعی در تغییر هستند و آنها بطور سریال یکی پس از دیگری پیوسته شده اند. در قسمت ماشریالیسم تاریخی به تکامل اجتماعی برخورد میکنیم و نشان میدیم که آنطور که آقای رجوی میگوید انکشاف تاریخی تک خطی نمیشود. ملتشیای مختلف مسیرهای مختلف را برگزیده اند تا به نظرات و نظام سوسیالیستی که حاکم بر نصف جمعیت کره زمین است، برسند.

منابع
ادامه دارد

- ۱- قرآن، ۱۲-۱۳: ۲۳، ۲۰: ۱۶
- ۲- همانجا، ۵۵: ۲۰، ۶۷: ۱۱، ۷۵: ۲۵، ۵۹: ۲، ۲۷: ۵، ۱۸: ۲۰، ۲۰: ۳۰
- ۳- همانجا، ۵۲: ۲۵
- ۴- همانجا، ۲۹-۲۶: ۲۲، ۱۵: ۲۸
- ۵- همانجا، ۲۵: ۲۳
- ۶- قرآن، ۱: ۲
- ۷- Volpe (1977), Understanding Evolution, Brown Pub. p. 11
- ۸- ب. ر. (۱۳۶۳) "انقلاب آقای رجوی در علم و فلسفه"، "جهان" ص ۱۸، ص ۲۱
- ۹- رجوی، ج ۲، ص ۲۴
- ۱۰- Reese (1980), Dictionary of Philosophy and Religion, Humanities Press, N.J., Pp. 193-5.
- ۱۱- رجوی، ج ۲، ص ۱۵-۸
- ۱۲- قرآن، ۱۹-۱۲: ۲۶

جنبش سوسیال دموکراسی

(۲)

و کمونیستی ایران

توضیح

در بخش دوم مقاله راجع به چگونگی تشکیل حزب کمونیست (عدالت) ایران سخن گفتیم. در این بخش مختصراً به جریان‌هاست بعد از تشکیل کنگره اول و همچنین کنگره دوم و بعد از آن می‌پردازیم. ضمناً در این دوره (۱۹۱۸ تا ۱۹۲۵) یک سری جنبش‌های ملی بوقوع پیوست که کمونیست‌ها کم و بیش در آن شرکت داشتند. بعلمت محدودیت صفحات "جهان"، بررسی اینگونه جنبش‌ها و نقشش کمونیست‌ها را در آنرا به فرمتی دیگر موقوف می‌کنیم.

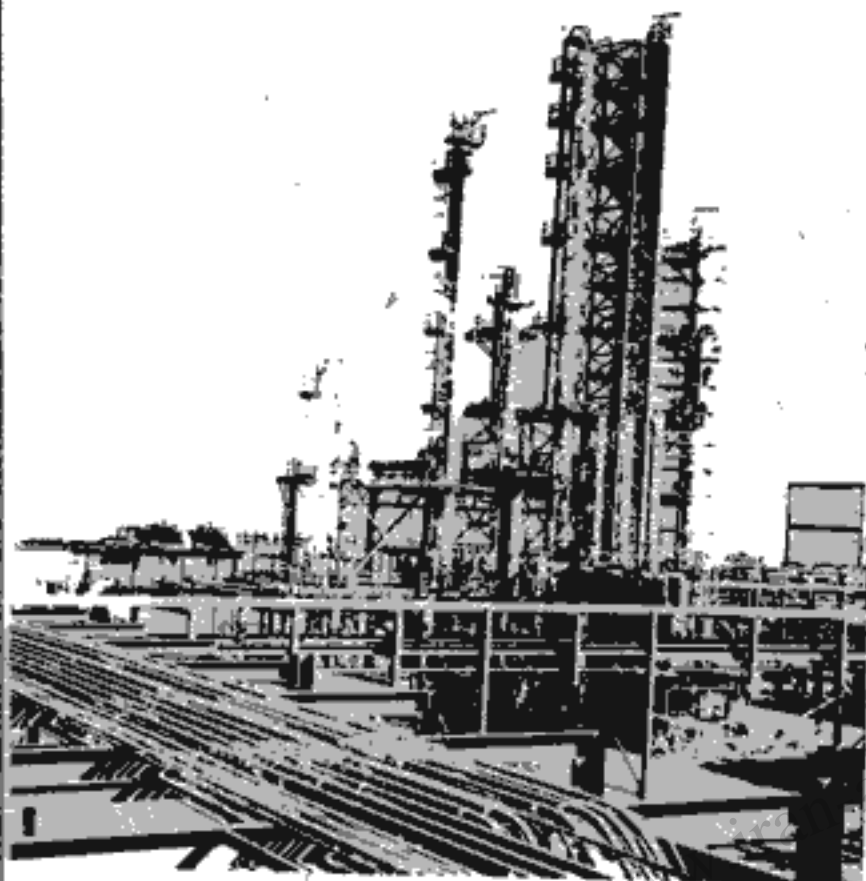
* * *

در مورد عملکرد حزب کمونیست بعد از کنگره انزلی، سلطانزاده در نشریه "مکو" ارگان سومین کنگره بین‌المللی کمونیست شماره ۳۲، ۹ ژوئیه ۱۹۲۱ چنین نوشت: "پس از کنگره ما که در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ در انزلی برگزار گردید، کمیته مرکزی ما تحت شرایط بسیار دشوار کوشش واقعاً وسیعی برای سازماندهی نمود. ما اکنون چهار کمیته ایالتی و تعداد زیادی کمیته شهرستانی که جمعا دارای ۴۵۰۰ عضو، تشکیل داده‌ایم. سال گذشته تعداد اعضای حزب قدری بیشتر بود، ولی به سبب تحریکات یک‌گروه ماجراجو، فعالیت ترویجی و تبلیغاتی ما در پاره‌ای مناطق متوقف گشت و انتشار "کمونیست" ارگان رسمی کمیته مرکزی، مدنی دچار وقفه گردید. با این همه ما موفق شده‌ایم ۲۱۵ کارکن و پیشه‌ور را در اتحادیه‌های کارگری متشکل سازیم.

حزب کمونیست ایران از وضع نیمه‌فئودالی که باید در آن فعالیت کند، آگاه است. با توجه به اهمیت متقابل آرایش طبقاتی در کشور ما، جاتیکه امپریالیست‌های انگلیسی در اتحاد با اشرافیت زمیندار، تمام اقشار مردم را استثمار می‌کنند، حزب در برنامه حداقل خود، در درجه اول سرنگون ساختن قدرت شاهان و مالکین ارضی و رها ساختن ایران از بیوغ اقتصادی سیاسی راجزان انگلیسی را مد نظر قرار داده است. (۱)

در طول تشکیل کنگره انزلی، اختلاف نظر بین کمونیست‌ها بر سر موضوعات مختلف از جمله مرحله انقلاب و نتیجتاً کارزار تا کتیبه‌های لازم در جنبش انقلابی، بخصوص جنبش جنگل، وجود داشت. در این مورد سلطانزاده در بخشی از نوشته‌هایش چنین می‌گوید: "از آنجا که بسیاری از کمونیست‌های ایرانی در باره تاکتیکی که کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در تردید بودند، از جانب کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران ما موریت یافتیم در این باره تماس برقرار کنیم. در تابستان ۱۹۲۰ این تماس برقرار شد و از نشین درخواست شد دستورالعملی در باره کار آینده ما صادر کند." (۲)

در سپتامبر ۱۹۲۰ کنگره خلفای خاور برگزار شد. ایمن موقعیتی بود برای کمونیست‌های ایرانی تا در مورد جنبش انقلابی ایران با رهبران کمونیست‌های جهانی صحبت کنند. در طول جریان کنگره که حدود ۲۰۴ نفر نماینده از ایران در آن شرکت کردند جلسات زیادی برقرار شد. پس از بازگشت از کنگره باکو، کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در اکتبر ۱۹۲۰ جلسه‌ای به پیشنهاد رهبران کمینترن برگزار کرد. در آن جلسه، حیدرخان عموواغلی بعنوان دبیرکل حزب انتخاب شد و نه نفر از اعضای کمیته مرکزی انتخاباتی انزلی اخراج شدند. همچنین یک برنامه هشت ماده‌ای به تصویب رسید تا حزب کمونیست بر اساس آن در جنبش جنگل شرکت کند.



بعداً نیز با کوچک‌خان و جنگلیان نیز تماس‌هایی برقرار شد. البته مسائل پیش‌بینی نشده زیادی در جنبش جنگل بوقوع پیوست. بطوریکه بعد از یکسری موفقیت‌ها در آخر به نفاق بین کمونیست‌ها و کوچک‌خان و هواداران‌شان انجامید. در تداوم همان نفاق و برخورد‌ها بود که حیدرخان شهید شد و بعداً جنبش هم به نابودی پیوست. (۳) (رجوع شود به مقاله "حیدر عموواغلی، چکیده انقلاب"، جهان شماره ۱۸). نکته‌ای که در اینجا باید ذکر شود بوجه وجود آمدن دو کمیته مرکزی برای حزب است، چونکه کمیته مرکزی انتخاباتی کنگره انزلی تغییرات جدید را در کمیته مرکزی نپذیرفت بعد از کودتای رقاخان و سید ضیاءالدین طباطبائی، فشار بر روی کمونیست‌ها و آزادیخواهان ایران افزایش یافت. جنبش‌های ملی و قدام‌امپریالیستی در گوشه و کنار کشور سرکوب و نابود شدند. اوضاع و احوال بد و اجتناب‌ناپذیر باعث شد که رهبران حزب کمونیست ایران سعی در منبج‌تر و متشکل‌تر کردن خود کنند. بدین لحاظ در پنج بهمن ۱۳۰۰ (۲۵ ژانویه ۱۹۲۲) نشانی برگزار شد که در آن نمایندگان کمینترن نیز شرکت کردند. در آن جلسه قطعنامه‌ای با شرح زیر تصویب شد:

- ۱- وجود دو کمیته مرکزی هم زمان غلط است. در نتیجه برای حفظ اتحاد یک کمیته مرکزی بهت تفرقه تشکیل شد.
- ۲- جلسه تهران را بعنوان مقر کمیته مرکزی انتخاب کرد.

۴- یک بخش بین المللی به نفعه برای حزب از طرف جلسه تعیین شد.

۵- شام اعضای کمیته مرکزی موظف به شرکت در کمیته های ایالتی شدند.

۶- آ. سلطانزاده بعنوان نماینده ایران در کمیته بین المللی انتخاب شد.

۷- ابوالقاسم اسکندریان بعنوان رهبر حزب انتخاب شد.

۸- کمیته مرکزی، کمیته های ایالتی و محلی قدیمی منحل شدند.

۹- جلسه تصمیم به برگزاری پنجمین کمیته مرکزی در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۱ (اول مه ۱۹۲۲) گرفت. (۲)

از نکات قابل توجه و با اهمیت در مورد کنگره کمونیست ها در آن دوران، انتشار نشریات بسیار از طرف حزب و هواداران آن بود. نشریات کما مونیست، انقلاب سرخ، حقیقت، کار، پیکان، غلظت، عدالت، ایران سرخ، جرقه، پیک، نصیحت، اعتماد اسپران، پیکار، نهفت و ستاره سرخ و غیره از آن جمله بودند که هر کدام مدتی منتشر شدند و در بالا بردن سطح آگاهی و روشن کردن افکار توده ها، کنکهای شایانی نمودند.

همچنین از اعمال دیگر کمونیست ها، متشکل کردن کارگران در اتحادیه ها و سندیکاها بود. در کنار این فعالیت ها، حزب کمونیست برای مبارزات زنان و آزادی آنها نیز فعالیت های شایانی نمود که از جمله جمعیت های "پیک سادات نسوان"، "بیداری زنان" و "نسوان وطنخواه" تشکیل شدند. این جمعیت ها نه تنها در جهت آگاهی سیاسی، اجتماعی زنان فعالیت میکردند، بلکه شرایطی برای پیشرفت های تکنیکی از جمله صنایع دستی فراهم نمودند. حزب در بخش های هنری و ادبی نیز کوشش های بعمل آورد.

این فعالیت ها و پیشرفت های کمونیست ها باعث نگرانی طبقه حاکم ایران و بخصوص رضاخان شد. از این رو آنها یک برنامه منظم برای سرکوبی نیروهای آزادیخواه و در رأس آنها، کمونیست ها تهیه دیدند. اما در نقطه مقابل، یعنی در درون حزب کمونیست ایران، برخورد با رضاخان و عملکردهایش موجب برافروختگی شد. بخشی بر این اعتقاد بودند که از آنجا که رضاخان در مقابل بعضی از جریان های ارتجاعی و وابسته مانند سیدضیاءالدین - طباطبائی و شیخ خزعل ایستادگی نشان داده است، نماینده طبقه نوپای بورژوازی بخصوص بورژوازی ملی است و لازم می بیند که از اعمال رضاخان در مقابل سایر مترجمین پشتیبانی شود. در نقطه مقابل عده ای دیگر بدرستی رضاخان را نیز وابسته به امپریالیسم انگلیس ارزیابی می نمودند و عملکردهایش را در چارچوب برنامه های توسعه طلبانه امپریالیستی می دیدند. متأسفانه در آن دوران برخورد کمینترن به حکومت رضاخان و شخص او غلط بود و کمینترن از نظریه اول پشتیبانی میکرد. بعنوان نمونه در کنگره ششم کمینترن، حسین شرقی در یکی از سخنرانی هایش در این مورد اعتراض نموده و چنین گفت: "متأسفانه اظهاریه زیر در تزه های کنگره کمینترن بچشم می خورد: "بریتانیای کبیر هنگامیکه متوجه شد عناصر ملی در ایران زورمند شده اند، در سال ۱۹۲۴ قیام محمد خزعل را که در اراضی وی موسسات شرکت نفت قرار داشت، سازمان داد. این قیام با رسوایی پایان یافت. "این اظهاریه نادرست است. شیخ خزعل با نیروهای ملی ایرانی نبرد نکرد. این تنها مبارزه درونی طبقه زمیندار - فئودال بود. نیروهای ملی ایران استحکام نیافته اند. برعکس نیروهای ارتجاعی استحکام یافته اند. رضا شاه، نماینده ناسیونالیسم پیشرو در ایران نیست. چنین فرمولی نمایانگر است جایی در تزه های کنگره ششم

کمینترن می یافت. لذا من با آن قسمت از تزه ها که یادآور میشود که نیروهای ملی با اصطلاح بدور رضا شاه گرد آمده اند، شدیداً اعتراض میکنم." (۵) البته بعداً کمینترن این ارزیابی غلط خود را تصحیح کرد.

در شرایط اختناق آن دوران، کمونیست ها تصمیم به برگزاری دومین کنگره خود را گرفتند تا در مورد مسائل مختلف و بخصوص مسئله رضاخان و حل اختلافات درونی، به بحث بپردازند.

دومین کنگره در تاریخ سپتامبر ۱۹۲۲ بطور مخفیانسه در ارومیه با حضور ۲۰ نماینده از تهران، تبریز، اردبیل، رشت، انزلی، آستارا و مشهد برگزار گردید. در سرفحه مسائل مورد بحث، چگونگی برخورد به شخص رضاخان و دولتش قرار داشت. پس از بحث های فراوان کنگره به این نتیجه رسید که کسانی که نظریه مترقی بودن رضاخان را داشتند، دچار اشتباه شده بودند و از این رو به آنها در این مورد انتقاد شدید شد. همچنین کنگره حزب دامن میزدند، انتقاد کرد و حتی شخص جلیلیزاده را از کمیته مرکزی اخراج نمود. در دومین کنگره حزب همچنین برنامه عمل حزب نیز تعیین شد که مهم ترین نکات آن عبارت بودند از:

- ۱- ملی کردن اراضی شاه و سایر مالکین و تقسیم آنها بین دهقانان بی زمین.
- ۲- حق خودمختاری برای ملیتهای مختلف.
- ۳- حرکت حزب برای کار کردن در درون ارتش و نیروهای ارتشی همچنین در این کنگره، اساساً نه جدیدی به تصویر رسید و کمیته مرکزی جدید انتخاب شد. اعضای کمیته مرکزی جدید عبارت بودند از: سلطانزاده، حسین شرقی، نیک بین، پیشه وری، حبیبی، شفیعی و دیگران. حسین شرقی نیز به سمت دبیرکل حزب انتخاب شد.
- در ضمن یک گروه سه نفره منتخب از سلطانزاده، نیک بین و شرقی بعنوان هیئت دبیران (پولیت بورو) برگزیده شدند. دومین کنگره حزب کمونیست ایران بعنوان "کنگروه وحدت" نامیده شده است و این بخاطر اختلافات شدید بین رهبران حزب بود که این کنگره به آن نیز کما بیش رسیدگی نمود. اما متأسفانه این اختلافات کماکان در بین عده ای از رهبران و اعضای حزب کمونیست ادامه پیدا کرد و حتی با دخالت کمینترن نیز هیچگونه بهتر نشد.
- پس از کنگره ارومیه، کمونیست ها در بخش هایی از کشور و عمدتاً در نواحی شمالی از تبریز و ارومیه گرفته تا مشهد، کمیته های مخفی درست کردند. همچنین در آبادان و صنعت نفت نیز کوشش های برای متشکل کردن کارگران بعمل آوردند. در این سالها نیز اعتصابات کارگران کماکان ادامه داشت و حتی در چند مورد به زدو خورد با پلیس رضاخان کشیده شد. از آنجمله اعتصاب کارگران نفت جنوب که در روز اول ماه مه ۱۹۲۹ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۸) آغاز شد. در این اعتصاب خواهش های کارگران بقرار زیر بود: ۱- قبول نمایندگان کارگران در اداره محل کار و هیئت بهداشتی، ۲- افزایش دستمزد به ۲۵ ریال، ۳- پرداخت دستمزد بهنگام بیماری، ۴- تامین مسکن از طرف شرکت نفت، ۵- روز کار شش ساعته (با توجه به گرمای هوا)، ۶- جلوگیری از بیهوشی خانه های کارگران، ۷- همطرازی کارگران ماهر ایرانی با کارگران هندی، ۸- مقامات ایرانی، مرجع رسیدگی به شکایات نباشند، ۹- کارمندان دفتر ایرانی همطراز هندیها باشند، ۱۰- اختلافات بین ایرانیان و اروپائیان و نیز شرکت نفت، در دادگاه های ایرانی مورد رسیدگی قرار گیرد، ۱۱- حقوق بازنشستگی پرداخت شود و در صورت فوت به فرزندان کارگران تعلق گیرد. (۶)

این اعتماد با دخالتهای پلیس و ارتش قزاقی رخاغان سرکوب شد. و عده‌ای از رهبران آن بازداشت شدند. بهر حال تا سال ۱۳۱۰ در گوشه و کنار کشور اعتصابات و تظاهرات کارگران و سایر اقشار زحمتکش کشور ادامه پیدا کرد. حرکات اعتراضی هر بار با زور - سرکوب می‌شد و متعاقب آن عده‌ای از کمونیست‌ها و آزادی - خواهان دستگیر یا کشته شدند. تا اینکه در سال ۱۳۱۰ رخاغان با قانون سپاه معروف خود، فعالیت حزب کمونیست را رسماً غیرقانونی اعلام کرد و جلوی تظاهرات و اعتصابات را گرفت. از این سال به بعد، جنبش کارگری و کمونیستی ایران برای بسک دوره نسبتاً ده ساله تا ۱۳۲۰ در رکود فرو رفت. هر چند از سال ۱۳۱۳ به بعد گروه آرازی، که بعداً به گروه ۵۳ نفر معروف شد، بوجود آمد. این گروه بیشتر در بین تعدادی محدود که اکثراً تحصیل کرده و روشنفکر بودند، نفوذ داشت. گروه ۵۳ نفر که بعداً در ادامه خود، حزب توده ایران را بوجود آورد، خود موضوع بررسی جداگانه - ای است.

بطور کلی میتوان فعالیت کمونیست‌ها را قبل از تشکیل حزب توده در ایران، به سه دوره تقسیم کرد:

- ۱- از تشکیل فرقه‌های اجتماعیهون عامیون تا کنگره انزلی که در حقیقت آغاز فعالیت حزب کمونیست ایران است.
- ۲- دوره بین دو کنگره انزلی و ارومیه میباشد.
- ۳- دوره بعد از کنگره ارومیه تا سال ۱۳۱۰.

دوره اول، دوره رشد ایده‌های مارکسیستی در بین افسراد آگاه ایرانی است. در این دوره ایرانیانی که بخاطر دلالت مختلف (البته بیشتر به دلالت اقتصادی و اجتماعی حکام قاجار) جلی وطن کرده بودند و در شوروی اقامت گزیده بودند، در اثر انقلاب اکتبر و نتایج بعد از آن، با ایده‌های کمونیستی آشنا شده و سعی در اشاعه این عقاید در ایران نمودند. در این دوره، عناصر خرده‌بورژوا و حتی گاهی بورژوا نیز در بین فعالین این فرقه دیده میشوند. علت این امر نیز بیشتر تضاد با بیگانگان یعنی انگلیسی‌ها و باقیمانده‌های ارتش قزاق در ایران بود که اقشار مختلف جامعه را به مبارزه کشیده بود. از اینرو جنبش کارگری به مفهوم واقعی کلمه وجود نداشت و فقط از کسبه خرید، شاگردان کارگاه‌های مختلف میتوان نام برد که آنها نیز کمابیش جزء قشر خرده‌بورژوازی بودند. دهقانان نیز در این دوران چندان فعال نبودند بجز نواحی شمالی، بخصوص آذربایجان و آنهم بیشتر بخاطر تماس با شوروی روسیه بود (در مجموع میتوان این دوره را فعل شکوفه‌گذاری جنبش کارگری دانست).

با تشکیل کنگره انزلی بعنوان کنگره موسس حزب کمونیست ایران، جنبش کمونیستی فعالیت جدی تری را آغاز نمود. فعالیت حزب کمونیست دو هدف عمده داشت: ۱- تلاش برای بردن ایده‌های آزادیخواهی و مترقیانه در درون مردم و متشکل کردن آنها بر علیه رژیم استبداد، ۲- بالا بردن کیفیت حزب، چه تشکیلاتی و چه ایدئولوژیکی.

در مورد اول حزب کمابیش در چندین شهر بخصوص در شمال ایران موفق بود. در جنبش جنگل کمونیست‌ها یک رکسن اساسی از رهبریت جنبش را در دست داشتند. همینطور در قیام خیابانی و پیمان. در این زمان برای اولین بار سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری تشکیل شده و حزب توانست عده‌ای از کارگران را آگاه کرده و متشکل کند. برای اولین بار اعتماد کارگری و بدنبال آن تظاهرات برای خواسته‌های بحق آنها، شکل گرفت. در این زمان فعالیت‌های دیگراشیک حزب نیز، هم‌انطور که در متن مقاله ذکر شد، چشمگیر بود.

اما در مورد هدف دوم، حزب چندان موفق نبود و علت آن دوستگی در بین رهبران حزبی بود. آنهاشی که باید کارهای جدید و جوانتر را شعلیم میدادند، خود در اکثر اوقات در حال بحث با یکدیگر بودند. در این دوره بعلمت کم شجریکی اکثر اعضای حزب، حرکات دنباله‌روانه و تقلیدی از حزب کمونیست شوروی و حتی حزب کمونیست چین نیز دیده میشد. در درون حزب کماکان عناصر خرده‌بورژوا وجود داشت و این خود عاملی بود در جلوگیری از حل مشکلات و ایجاد دوستگیا.

دوره سوم حرکت جنبش کمونیستی ایران، بجز مدتی محدود بعد از کنگره ارومیه، کمابیش دوران افول حزب کمونیست بود سرکوب وحشیانه رژیم رخاغان که در اثر آن تعداد زیادی از کمونیست‌ها کشته یا زندانی شدند، باعث محدودیت‌های زیادی در کار حزب شد. در کنار سرکوب رژیم، برخورد غلط تعدادی از رهبران حزب کمونیست به دولت باعث بروز اختلافاتی شد که حتی بعد از کنگره وحدت ارومیه کماکان ادامه یافت و در تداوم خود موجب بروز نوعی گجی در جنبش گردید. (۷) این موضوع خود باعث دست‌انداز محبوبیت مابین خودها نیز میشد. سومین علت برخورد غلط کمیشنر و در رأس آن حزب کمونیست شوروی به تعدادی از رهبران کمونیست‌های ایران است. این اشتباهات باعث گردید که بعد از سالهای اولیه دهه ۱۳۰۰ جنبش کمونیستی حرکت نزولی کند.

بهر حال نکته اساسی که در کل حرکت جنبش کمونیستی ایران از اولین نظف‌های آن تا تشکیل حزب کمونیست و بعد از آن وجود دارد، رشد و تداوم آن است. جنبش کمونیستی هر چند در دوران - هائی با شکست روبرو شد و بویژه با تشکیل حزب توده، جنبش کمونیستی تقریباً تعطیل شد و رفرمیسم تحت‌الوای "چپ" باعث به انحراف کشیده شدن جنبش کارگری در ایران گردید. با اینحال با رستاخیز سیا هکل، و تولد سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، جنبش کمونیستی ایران توانست تجدید حیات یابد و خود را برای تحقق آرمانهای والای کارگران و زحمتکشان در پروسه عمل انقلابی آماده سازد.

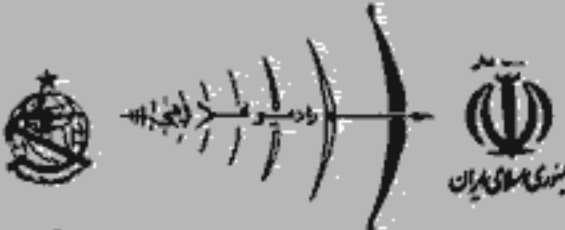
م. ف.

ملاحظات و ماخذ

- ۱- اسنادی چند از جنبش کمونیستی، ۲. سلطان‌نژاد، ص ۱۷
- ۲- اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسال دمکراسی و کمونیستی ایران (۱)، انتشارات مزدک، چاپ دوم، ص ۸۲
- ۳- مراجعه شود به مقاله "چکیده انقلاب، حیدرمان مموافلی"، منتشر شده در "جهان" شماره ۱۸
- ۴- "Tulsiran, 'The History of Communist Movement in Iran'"
- ۵- اسناد تاریخی جنبش ... ، انتشارات مزدک جلد سوم ص ۶۶-۶۵
- ۶- اسناد تاریخی ... (۱۱)، انتشارات پادشهر، ص ۱۸۸
- ۷- بعنوان مثال در هنگام انتخابات برای مجلس هفتم شورای ملی تابستان ۱۳۰۷، اول از جانب کمیته مرکزی حزب اعلامیه‌ای منتشر میشود که در آن نوشته شد که مجلس میتواند مجری اقدامات مترقیانه باشد و بطور کلی با آوردن یکسری نکات به مجلس چهره‌ای مشرقی میدهد. چندی بعد از جانب عده‌ای دیگر از اعضای کمیته مرکزی اعلامیه‌ای منتشر میشود که در آن متن اعلامیه اول را فقط دانسته و عمل نویسندگان آنرا حرمت طلبانه میخواند.

رادیوفدایی

شنبه روزها ساعت ۶ الی ۵ بعد از ظهر
موج کوتاه رادیو ۴۱ متر





از خوانندگان

● فرانسه - لیل، رفیق لک : طرح‌ها ، اشعار و مقاله‌های شما بدستمان رسید. با تشکر فراوان از همکاری شما. بختی از مطالب ارسالی شما در همین شماره مورد استفاده قرار گرفت و بخش‌هایی از آن در شماره‌های آینده مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

● کویت - "امین یامی استار دوست" : رفیق عزیز با تشکر فراوان از همکاری‌تان نامه شما به ضمیمه عکسها و بریده‌های روزنامه ارسالی‌تان بدستمان رسید. ما در فرصت مناسب از این عکسها و طرح‌ها در "جهان" استفاده خواهیم نمود. همکاری خودتان را با ما ادامه دهید.

● استرالیا - ملبورن ، رفیق م: نامه محبت‌آمیز شما بدستمان رسید. ضمن تشکر نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد. رابطه خود را با ما حفظ نمایید.

● آمریکا - کالیفرنیا ، ه.آ: نامه شما به ضمیمه چک ارسالی‌تان دریافت گردید. ضمن تشکر نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● سوئد - استکهلم ، رفقای مبارز، یادنامه رفقای شهید حسن تدوینی، فرهود روائی و - عبدالحمید ابراهیمی بدستمان رسید. پس از ناشی رفقای کمیته خارج از کشور، نسبت به چاپ آن اقدام خواهد شد.

● ناپلند - زندان بانکوک ، رفیق آرمن: نامه نشریحی شما در باره وضعیت سیاسی ناپلند و وضعیت خودتان در زندان بدستمان رسید. ما تشکر، ما پاسخ نامه شما را مستقیماً برایتان ارسال داشته‌ایم و بخش‌هایی از گزارش شما در مورد زندان‌های ناپلند را در همین شماره "جهان" در بخش اخبار خارجی درج می‌کنیم.

● آمریکا - مینوسوتا ، سفا: دوست عزیز یادداشت شما بدستمان رسید. متشکریم نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● کانادا - همایون : رفیق عزیز، نامه توضیحی شما بدستمان رسید. متشکریم. ما - بسیار متأسفیم که مدتی است نشریه "کار" و "جهان" بدست شما نرسیده است. بهر حال سعی می‌کنیم این مشکل را بزودی برطرف کنیم.

● ناپلند بانکوک ، کانون پناهندگان انقلابی و مبارز ایرانی در ناپلند: رفقای مبارز ، اطلاعیه‌های شماره ۱ و ۲ - شما در ارتباط با توطئه‌های پلیس ناپلند،

دفتر نمایندگی سازمان ملل و ... بدست ما رسید. ما ضمن تبریک و تحویب از اقدام مثبت و بجای شما برای تحکیم کانون پناهندگان ، قسمتهای از اطلاعیه‌های شما را برای اطلاع خوانندگان "جهان" در اینجا درج می‌نماییم.

نویسندگان این اطلاعیه در توضیح توطئه‌های سازمان ملل می‌نویسند: "... - گردانندگان این عیمه شب‌بازی یکسویی از پناهندگان فعال را با هزاران حمله و تیرنگ و به اتهام واهی نداشتن ویزا ، وی را به زندان انداخته و دولت تایلند تقاضای ۵۰۰۰۰۰۰۰ بیت (معادل ۲۲۰ دلار آمریکایی) میکند. سازمان ملل، این "حامیان حقوق بشر" از پرداخت این مبلغ سرباز زده گسه ما پناهندگان با اتحاد و همکاری مبلغ فوق‌الذکر را تهیه نموده و وی را از بنس پلیس تایلند آزاد نمودیم."

نویسندگان اطلاعیه کانون در ادامه گزارش خود اضافه نموده‌اند که: "پس از این ماجرا (نفسی رسمیت کانون پناهندگان توسط سازمان ملل)، در نشست‌های و با حضور کلیه اعضای کانون به این نتیجه رسیدیم که تنها راه بدست آوردن حقوق لگدمال شده‌مان، یک اعتصاب در ساختمان سازمان ملل میباشد. و قرار بر این گذاشتیم که اعتصاب را شروع نموده و در صورت عدم پاسخ مثبت به خواسته‌های مبرم و حیاتی‌مان، اعتراض را به نهمین و سپس اعتصاب غذا و بالاخره اعتصاب غذای خشک و نامحدود به پیش ببریم. این حرکت در چند روز آینده صورت خواهد گرفت" (۶ ژوئن ۸۲). رفقای "کانون" در انتهای اطلاعیه خود خطاب به هموطنان ایرانی درخواست حمایت و پشتیبانی برای ادامه مبارزاتشان و دستیابی به حقوقشان نموده‌اند. ما ضمن حمایت از مبارزات و اقدامات این رفقا و آرزوی موفقیت برای آنها، منتظر دریافت اطلاعیه‌های بعدی و اخبار مبارزاتی رفقا و دوستان متفکر در "کانون پناهندگان در ناپلند هستیم.

● فرانسه - جبریک ، رفیق عزیز نامه شما به همراه شعر ارسالی‌تان دریافت گردید. ما از توجه و دقت شما نسبت به مطالب "جهان" قدر دانی می‌کنیم. ما سعی خواهیم کرد اشکالاتی را که شما به آن اشاره کرده‌اید به مرور رفع نمائیم. مطالبی هم که در باره "فاشیسم" و "سیاستهای" فاشیستی در "جهان"

درک گردیده، برخلاف نظر شما با یکدیگر در نفاذ نیستند. ما در مقاله‌ای مفصل پدیده "فاشیسم" را تعریف کردیم. نسبت دادن فاشیسم به یک‌روزیم بدلیل اعمال دیکتاتوری بمعنای دقیق کلمه از خود پدیده فاشیسم جدا است. امیدواریم در فرصتی دیگر این مطالب را بیشتر توضیح دهیم. در ضمن دو رباعی ارسالی شما از نظر وزن و قافیه دارای اشکالاتی است که برای چاپ در نشریه جهان مناسب نمی‌باشد. مگر اینکه اشکالات آن رفع گردد. ما منتظر دریافت اشعار بهتری از شما هستیم.

● آمریکا - کالیفرنیا ، رضا: دوست عزیز یادداشت شما بدستمان رسید. متشکریم. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - کالیفرنیا ، بهرام: ت دوست عزیز، چک ارسالی شما بدستمان رسید. متشکریم. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● هند - حیدرآباد ، یکی از هواداران : رفیق عزیز، شعر ارسالی شما بدستمان رسید. متشکریم. مضافاً شعر شما برای درج در نشریه جهان مناسب نیست.

● آمریکا - اوکلاهما ، دوست عزیز از اوکلاهما ضمن ارسال نامه محبت‌آمیزی ، اشکالی غیر اشغال سفارت و کنسولگری و سایر دفاتر رژیم در ۲۶ آوریل را در بین ایرانیان برای ما ارسال داشته‌اند که ما بخش‌هایی از نامه ایشان را در اینجا درج می‌کنیم: "کلیه دوستان از حرکت انقلابی شما در ۲۶ آوریل بسیار خوشحال و خرسند هستند و همه از شنیدن خبر گرفتن دفاتر نمایندگی رژیم ضد ایرانی عمینی توسط (هواداران) - (سازمان) چریک‌های فدایی از شادی در پوست خود نمی‌کنند. یکی از بچه‌ها میگفت ((من طرفدار هیچ گروه بخصوصی نیستم ولی وقتی شنیدیم بچه‌های چریک‌ها سفیر جمهوری اسلامی را در هلند به بیمارستان فرستاده‌اند، بی اختیار شروع به خندیدن کردم و تو دلم گفتم دمشون گرم، واقعا که دستتون درد نکنه..."))

در رابطه با اثرات آکسیون ۲۶ آوریل رفیقی از هند نوشته است: "خبر اشغال لانه‌های جاسوسی رژیم، بخصوص در لندن و هلند و در کل حرکت تعرضی و اعتراضی رفقا به نقل از مسافری که تازه از ایران می‌آیند، اثرات خوبی بر روی نوده‌های داخل کشور گذاشته است. این رفیق از قول مسافری که تازه از ایران آمده بود، چنین نقل می‌کند: "صبح روز بعد از شنیدن خبر همه راجع به آن صحبت میکردند و حتی بعضی‌ها"

خبرها را ضبط کرده بودند و برای دوستستان خود پخش میکردند.

● آلمان - س. محمود: دوست عزیز، لیست کتابهای درخواستی شما بدستمان رسید. آنرا در اختیار رفقای مسئول قرار دادیم. متشکریم. البته پیشنهاد میشود برای صرفه جویی در مخارج پست شما با سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان که آدرس آنها در صفحه ۵۵ همین شماره "جهان" درج گردیده است، مکاتبه نمایید.

● استرالیا - محمد: رفیق عزیز، نامه شما همراه با شمر پراچاس تان بدستمان رسید. متشکریم.

● امارات متحده عربی - رفیق جهان: نامه تان بدستمان رسید. متشکریم. ما بسیار متأسفیم که "جهان" و نشریات دیگر درخواستی شما تاکنون بدستمان نرسیده است. ما نامه شما را در اختیار رفقای مسئول گذاشتیم تا در اولین فرصت اقدام لازم را بعمل آورند. موفق باشید. تماس غسود را با ما حفظ نمایید.

● سوئد - گوتمبرگ: رفقای عزیز، چک ارسالی شما دریافت گردید. متشکریم.

● فیلیپین - رفیق ج. پ. م.: مطالب نوشته ها و بریده های روزنامه ارسالی شما در ارتباط با جنبش انقلابی فیلیپین و انتخابات اخیر پارلمان فیلیپین بدستمان رسید. ضمن تشکر از شما، بخشهایی از مطالب ارسالی شما در همین شماره "جهان" به چاپ رسیده است. همکاری خودتان را با ما ادامه دهید. موفق باشید.

● فرانسه - لیل: رفقا: پرسشنامه های سفارت جمهوری اسلامی ارسالی شما بدستمان رسید. متشکریم.

● آمریکا - فیلادلفیا: م.: یادداشت شما بدستمان رسید. متشکریم. اقدام لازم بعمل آمد.

● آلمان - کپل، هومن: دوست عزیز، نامه انتقادی شما بدستمان رسید. با تشکر از توجه شما به مطالب نشریه جهان، ما دیدگاه شما را در رابطه با برخورد نیروهای کمونیست به غرده بورژوازی در جامعه ایران، کاملاً ذهنی و دور از واقعیت می بینیم. الگوی شما برای برخورد درست به غرده بورژوازی همانظوری که خودتان نوشته اید، " سازمانهایی مثل نیوسرد، رزم انقلابی، پیکار و..." میباشد بی آنکه توجه داشته باشید که این سازمانهای سیاسی مطلوب شما بجای اپزوله کردن غرده بورژوازی در این مبارزه، خود اپزوله و حتی متلاشی شدند. گذشته از این، بسیاری از باز ماندگان این سازمانها تکیه آنها را شما

بندگان سیاسی طبقه کارگر... معرفی کرده اید، خود را سازمانهای غرده بورژوازی و اپوزوسیست معرفی کرده اند. همچنین اگر شیوه مبارزه این سازمانها با غرده بورژوازی درست بود امروز ما پیکر شاهد رشد غرده بورژوازی نبودیم. شما نوشته اید: "... پرولتاریا برخوردش نسبت به غرده بورژوازی تا زمانی مساعد است و ناانجاشی مساعد است که او برنامه پرولتاریا را پذیرفته..." باشد. اگر مشکل پرولتاریا به این سادگی که شما نوشته اید، حل میشد، و بقول شما پرولتاریا درموردی با غرده بورژوازی برخورد مساعد میکرد که برنامه او را بپذیرد، مبارزه ایدئولوژیک بسیار غرده بورژوازی اصلاً ضرورت پیدا نمیکرد. همچنین بهتر بود که منظور خود را از برخورد نامساعد به غرده بورژوازی بیشتر روشن میکردید. بهرحال بی آنکه بخواهیم وارد جزئیات شویم، اشاره میکنیم که الگو برداری هائیک از نوشته های کلاسیک پیچوجه پاسکوی مشکلات کنونی جنبش، با توجه به ضعف طبقه کارگر و پراکندگی جنبش نیست. از اینرو لازم است که نسبت به پدیده ها برخورد مشخص کنیم و اعمال و آرزوهایمان را جای واقعیت نشانیم. موفق باشید.

● آمریکا - نیویورک: دوست عزیز منصور: یادداشت شما بدستمان رسید. متشکریم.

● نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل خواهد آمد. در ضمن برای دریافت نشریه آهنگر باید به آدرس توزیع کننده این نشریه در آمریکا مستقیماً نامه بنویسید.

● آمریکا - هوستون، زهرا: یادداشت شما دریافت گردید، ما هم متقابلاً از شما تشکر میکنیم. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد. موفق باشید.

● آمریکا - دنشون، م. ر.: رفیق عزیز، یادداشت ارسالی شما رسید. متشکریم. درمورد درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد. در ضمن شما میتواند برای ایجاد زمینه همکاری با رفقای هوادار در شهر محل سکونتتان تماس برقرار نمایید.

● انگلستان - منچستر، ترجمه مقاله شما از روزنامه "گاردین" چاپ لندن در شماره یمن شمالی "جبهه دمکراتیک ملی" و ضروری به دستمان رسید. ضمن تشکر، یادآور میشویم که از ترجمه یک مقاله از یک روزنامه فقط اطلاعات زورنالستی اندکی بدست می آید. برای آموزش سیاسی صحیح و موضع گیری دقیق به مطالعات همه جانبه تر، مفصلتر و بخصوص از منابع معتبرتری نیازمند هستیم.

● هند - ع. ش. رفیق عزیز، نامه توفیقی و رهنمودی شما در باره رفقای هوادار در

کشورهای عربی بدستمان رسید. از توجه شما بسیار ممنونیم. ما در تلاش هستیم که وسیله ای برای ارتباط گیری با رفقای مقیم در این کشورها بوجود آوریم که از پراکندگی و هدر رفتن نیرو، جلوگیری شود.

درمورد مشکل رفقا در هند نیز با همکاری رفقای مسئول، در آنجا تصمیمات لازم اتخاذ گردیده است.

● آمریکا - یلمن، محمد: نامه شما دریافت گردید. متشکریم. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - منکیتو، رفقا: نشریات مورد درخواست شما برای تان ارسال گردید.

● آلمان - هامبورگ، دی ۴۲: رفیق عزیز: گزارش شما بدستمان رسید. ضمن تشکر و قدر دانی، یادآور میشویم که ما از برخوردهای منفی مجاهدین نسبت به آکسیون سراسری اشغال مراکز رژیم در خارج از کشور، متعجب نیستیم. زیرا زمانیکه نشریه مجاهد غیر این آکسیون مبارزاتی را که بی اغراق در تمام روزنامه ها و رادیو و تلویزیون های سراسر جهان منعکس شده بود، با توطئه سکوت برگزار کردند، چرا که با انتشار غیر آکسیون مبارزاتی هواداران فدائیان نسبت دادن بی عملی به ما، بی پایه میشود. لذا چه انتظاری جز شایعه سازی از جانب آنان میرود؟

● آمریکا - واشنگتن دی سی: یادداشت درخواستی شما رسید. ضمن تشکر اقدام لازم بعمل می آید.

نشریات رسیده

خبرنامه - نشریه دانشجویان ایرانی در هند، هوادار سجعفا، شماره ۱۴

هفته نامه خبری - نشریه انجمن های دانشجویان ایرانی در کانادا، هوادار سجعفا، شماره ۵۲

خبرنامه نشریه دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند، ولز، هوادار سجعفا، شماره ۱۱

خبرنامه - نشریه کمیته سياهکل، هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، بانکوک تایلند، شماره ۲۱

ضمیمه خبری - کمیته سياهکل، هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، بانکوک تایلند، شماره های ۲ و ۳

بولتن خبری کردستان ایران - نشریه حزب دمکرات کردستان ایران، تشکیلات اروپا، شماره ۶۸

علم و جامعه - نشریه مستقل، شماره ۲۲ و ۲۳ پیوند خبری - نشریه جبهه همبستگی بین المللی در دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران، شماره ۲ و ۳

پیکار - اول اردیبهشت، شماره ۳ و تلخوریک

**هموطن! نشریه جهان را
برای خود و دوستان
خود مشترک شوید!**

شما میتوانید نشریات "کار"، "ریگای گدل" و
"جهان" را از طریق آدرس های زیر تهیه نمائید

اتریش
ISV
IRANISCHER STUDENTENVERBAND
PF 370-1061
WIEN, AUSTRIA
۱۲۰ شیلینگ برای ۶ شماره
۲۳۰ شیلینگ برای ۱۲ شماره

آلمان غربی
POSTFACH 3653
7500 KARLSRUHE, W.GERMANY
۱۵ مارک برای ۶ شماره
۲۵ مارک برای ۱۲ شماره

آمریکا
JAHAN
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185
U.S.A.
۸ دلار برای ۶ شماره
۱۵ دلار برای ۱۲ شماره

انگلستان
OIS
BM KAR
LONDON, WC IN3XX
ENGLAND
۵ پوند برای ۶ شماره
۹ پوند برای ۱۲ شماره

ایتالیا
M.C.P. 6329
ROMA PRATI
ITALI
۹۰۰۰ لیر برای ۶ شماره
۱۷۰۰۰ لیر برای ۱۲ شماره

بلژیک
E.I.
B.P. 8
1050 BRUXELLES 5
BELGIQUE
۵۰۰ فرانک برای ۶ شماره
۹۰۰ فرانک برای ۱۲ شماره

سوئد
ISS
BOX 50057
10405 STOCKHOLM
SWEDEN
۸۰ کرون برای ۶ شماره
۱۲۰ کرون برای ۱۲ شماره

فرانسه
A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS CEDEX 06
FRANCE
۷۰ فرانک برای ۶ شماره
۱۲۰ فرانک برای ۱۲ شماره

کانادا
ISF
P.O. BOX 101, STATION H
MONTREAL,
QUEBEC H3G2K5
CANADA
۱۰ دلار برای ۶ شماره
۱۸ دلار برای ۱۲ شماره

با تکلیف های مالی خود را در این بخش
فصلی حل کنید
و در این بخش برای این شماره

آمریکا	دلار	گدهای کمکهای مالی ارسال شده به سوی جنبش ملی ایران	دلار	آمریکا
۵۰	۵۰	گوتینگن - رادپو	۲۰۰	جزئی
۲۰	۲۰	سزای فدائی	۲۰۰	انترناسیونال
۶۱	۶۱	گوتینگن -	۱۵۰	بلژیک و ار
۳۰	۳۰	زندانیان سیاسی	۲۰۰	خفمت
۲۰	۲۰	کلن - رفیق مادریه	۲۰۰	الف
۱۰۰	۱۰۰	فدائی شهید	۲۰۰	سپارزه
۳۰	۳۰	احمد زبیرم	۲۰۰	رضا اوین
۱۰	۱۰	فدائی شهید	۲۰۰	مرضیه اسکویی
۱۰	۱۰	کمال بهمنی	۲۰۰	مرضیه اسکویی
۱۰	۱۰	ها میورگ س خ ۱۰۰/۱۶۸	۲۰۰	آرش
۱۰	۱۰	ها میورگ س ۲۲	۲۰۰	ع آمل
۱۰	۱۰	ها میورگ -	۲۰۰	رفقای انگلستان
۲۰	۲۰	کمیته زنان	۲۰۰	داس و چکش انگلستانی
۵	۵	ها میورگ - مرضیه	۲۰۰	سکه و
۲۰	۲۰	احمدی اسکویی	۲۰۰	گودن بند
۱۱۵	۱۱۵	ها میورگ - کمک	۲۰۰	رادپو فدائی ۲۰۰۰ تومان
۱۵۰	۱۵۰	به خانواده	۲۰۰	ترکمن سفن بگو
۲۵	۲۵	زندانیان سیاسی	۲۰۰	ج - ۱۱۴
۲۴۵	۲۴۵	فریدبرگ شوروی ۲۵۰۱	۲۰۰	هوستون - ۲
۳۸۶	۳۸۶	دارمشتات -	۲۰۰	بهمن لادن UCA
۱۲۰	۱۲۰	رفیق هادی	۲۰۰	سنداره
۱۰۰	۱۰۰	رفیق هادی	۲۰۰	آرلینگتون ۱۰۷
۱۰۰	۱۰۰	رفیق حمید مومنی	۲۰۰	رفیق سلطان نیور
۱۰۰	۱۰۰	رفیق توکل	۲۰۰	شهادت تبر سیرکلی
۱۹	۱۹	تخصیص: درجهان ۱۹	۲۰۰	فدائی شهید
۲۰۹	۲۰۹	کد ۲۰۹ دلاری ناز	۲۰۰	طهورت سیرکلی
۲۰	۲۰	نیم اشتباها ناشی	۲۰۰	رفیق جزئی -
۱۵	۱۵	چاپ گردیده است	۲۰۰	سیرکلی
۱۰۰۰	۱۰۰۰	کردستان	۲۰۰	فدائی شهید ایرج
۵۰۰	۵۰۰	رادپو فدائی	۲۰۰	شیرعلی - سیرکلی
۲۵	۲۵	هوادران سیفنا	۲۰۰	رفیق احمدزاده
۸۰	۸۰	در اسبکلم و	۲۰۰	سیرکلی
۲۶۰۰	۲۶۰۰	اپسالا	۲۰۰	سیرکلی
۲۵	۲۵	کاناتا	۲۰۰	د س م - سیرکلی
۱۲۰	۱۲۰	رفیق مونشرال	۲۰۰	رستم - بهمن ۲
۲۰	۲۰	رفیق مونشرال	۲۰۰	سیرکلی
۲۰	۲۰	کبارش - سیرکلی	۲۰۰	کیارش - سیرکلی
۳۰	۳۰	ما شمال	۲۰۰	کا لپفرنیا سیرکلی
۳۰	۳۰	بدون کد	۲۰۰	دالاس
۲۷۰	۲۷۰	گوتینگن - نوروز ۹۲۷	۲۰۰	سعید م ج
۸۰	۸۰	گوتینگن - واحد ۱۵۰	۲۰۰	رفیق مارتیک
۶۷۰	۶۷۰	گوتینگن -	۲۰۰	سمینار غرب
۵۷۱	۵۷۱	سعید سلطان نیور	۲۰۰	

نشریه
ریگای گدل
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
تلفن: ۲۲۰۰
را بخوانید

فرم اشتراک



فرم اشتراک برای این شماره

نام اشتراک:

۶ شماره ۸ دلار

۱۲ شماره ۱۵ دلار

درس مشترک شوند:

Name

Address

کمکهای مالی خود را نیز میتوانید در زیر
نام
A. A. H.
شماره حساب
739066
Credit Lyonnais
134 Bld. Voltaire
75011 Paris, France
واریز نمائید و رسید ترا به همراه کد مورد نظر
به آدرس پستی ذیل ارسال نمائید.
A.C.P.
B.P. 54
75261 Paris, CEDEX 06 France

گرامی باد خاطرۀ فدائی خلق

رفیق فرزاد بیگلی، استاد دانشگاه صنعتی



مبارزاتی اش زبانزد رفقایش بود. بعد از سقوط رژیم شاهنشاهی، در کمیته دمکراتیک سازمان شروع به فعالیت نمود و یکی از اولین کسانی بود که با تسلطی کسبه به ایدئولوژی (م.ل.ا.) داشت، خط انحرافی خائن به طبقه کارگر موسوم به اکثریت را تشخیص و شروع به مبارزه قاطع و بیکیفر برای ایزوله کردن آن نمود بطوریکه در مقطع انشعاب بسر اثر مساعی او، اکثریت قریب به اتفاق استادان هوادار، خط مشی انقلابی سازمان را انتخاب کردند. رفیق فرزاد در کمیته دمکراتیک سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مشول کمیته استادان بود. رفیق با همبازی سایر رفقای همکار خود در جهت غنای هرچه بیشتر مسائل ایدئولوژیک سیاسی، فعالیت خلاقانه داشت و با دایر کردن فرستنده رادیویی، پیام سازمان را در روزهای ۱۷ بهمن ۱۳۵۹ و ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ بگوش داده ها و مخصوصاً کارگران رسانید. رفیق بعد از کنکوره سازمانی، با غروری پرولتری بصورت خستگی ناپذیری مصوبات کنکوره را در حوزه های تحت مسئولیتش تبلیغ میکرد. رژیم قرون وسطایی و تاریک اندیش

فدائی شهید رفیق فرزاد بیگلی در شهسیر رشت متولد شد. تحصیلات خود را در دبیرستانهای تهران به پایان رساند و برای ادامه تحصیلات را به انگلستان گردید. در آنجا، بعد از درک (م.ل.ا.) به عنوان یگانۀ ایدئولوژی که به استعمار انسان از انسان خاتمه میدهد، خط مشی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را انقلابی ترین راه برای سرنگونی رژیم شاهنشاهی و به قدرت رسیدن طبقه کارگر در ایران یافت. از سال ۱۳۵۲ یکی از هواداران فعال، مصمم و قاطع سازمان بود که همدوش با رفیق همزم خود، رفیق شهید منوچهر کلانتری، در تمام تظاهرات و سخنرانی ها بر ضد رژیم شاه شرکت نمود و به تبلیغ مواضع سازمان پرداخت. بعد از مراجعت به ایران در دانشگاه صنعتی شریف واقفی در رشته مکانیک مشغول تدریس گردید. وی به صورت مخفی اعتراضات دانشجویان و استادان را در رابطه با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران رهبری میکرد. رفیق فرزاد همچنین یکی از چهره های شناخته شده اعتصابات و تحمن های سال ۱۳۵۷ بود و هنگام با توده ها در مقطع قیام در تسخیر یادگانه ها شرکت داشت و ابتکارات

جمهوری اسلامی در سال ۵۹ بخاطر جهل و شناخته شده رفیق، او را با ۸ نفر دیگر از همکارانش از دانشگاه اخراج کرد. اخراج وی مورد اعتراض تمام اساتید دانشگاه های ایران قرار گرفت. از این تاریخ به بعد، بنا به پیشنهاد سازمان، رفیق زندگی مخفی را برگزید و تمام وقت خود را در خدمت اهداف پرولتاریا که همانا رهائی پرولتاریا و برقراری سوسیالیسم میباشد، فرار داد. رفیق در تابستان ۶۱ توسط دانشجویان خود فروش حزب الهی دانشگاه شناسی و دستگیر گردید، او در زیر شکنجه ها و بازجوئیها، مهر سکوت بر لب داشت و فقط از مواضع انقلابی سازمان دفاع میکرد. رفیق در یکی از روزهای برفی زمستان ۶۱ به جوخه اعدام سپرده شد.

یادش گرامی باد



بمناسبت سالگرد شهادت نا عوانقلابی فرخی بزدی



بمناسبت سالگرد شهادت نا عرو روزنا مهنگار آزاده میرزاده عشقی

برای تماس با جهان با آدرس زیر مکاتبه نمائید:

JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

انقلاب ما چو خدا ز دست نا پاگان شهید نیست
غیر از خون پاگان خونیهای انقلاب
تا تورا در راه آزادی تن صدجاک نیست
نستی در پیش با آن پیشوای انقلاب
دل چه میخواهم نیا شده رحمت عشق دوست
جان چه کار آمد نگردد گرفتارای انقلاب

شرم چه؟ مرد یکی بنده وزن یک بنده
زن چه کرده است که از مرد شود شرمنده؟
جست این چادر و رو بنده نا زین بنده؟
گر کفن نیست، بگو چیست پس این رو بنده؟
مرده با دانکه زنان زنده به گور افکنده

